

- ۲۶ کتاب زیر از سوی مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه قم به صورت e-book تهیه شده و در فضای اینترنت برای دانلود قرار گرفته است. بنابراین حق نشر این نسخه در فضای مجازی آزاد می‌باشد.
- لیست ۲۶ کتاب ارائه شده:

۱- کلام جدید-۲- پلورالیزم دینی-۳- قانون اساسی و ضمانت‌های اجرای آن-۴- جوانان و روابط-۵- نهضت عاشورا-۶- جامعه علوی در نهج البلاغه-۷- جشن تکلیف-۸- پرسمان عصمت-۹- جوان و پرسش‌های اخلاقی-۱۰- آسیب‌شناسی مطبوعات ۱-۱۱- آسیب‌شناسی مطبوعات ۲-۱۲- آسیب‌شناسی مطبوعات ۳- ۱۳- ایمان و چالش‌های معاصر-۱۴- باطن و تاویل قرآن-۱۵- مجمع تشخیص مصلحت- ۱۶- ولایت فقیه-۱۷- قلمرو دین-۱۸- اسلام و توسعه-۱۹- دین و آزادی-۲۰- تساهل و تسامح- ۲۱- حجاب‌شناسی-۲۲- تفسیر علمی قرآن- ۲۳- دروس اخلاق قرآن-۲۴- جریان‌شناسی فکری معارضان قیام کربلا-۲۵- شرح چهل حدیث از حضرت مهدی (عج)-۲۶- دین و اقتصاد

حجاب شناسی (چالش‌ها و کاوش‌های جدید)

مؤلف: حسین مهدیزاده

تهیه کننده: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه

ناشر: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه قم

ویراستاران: محمد جواد شریفی، حمیده انصاری

حروف چین و صفحه‌آرا: حسن یوسفی

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۱

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۸۰۰۰ ریال

قم، صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۴۴۶۶ تلفن: ۷۷۳۷۲۱۷

مراکز پخش:

قم: مدرسه‌ی عالی دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، تلفن: ۷۷۴۸۳۸۳

قم: خ شهدا، ک ۱۹، پلاک ۴۵، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه،

تلفن: ۷۷۳۷۲۱۷.

قم: خ آیت‌ا.. مرعشی نجفی، پاساژ قدس، شماره‌ی ۸۲، انتشارات بنی‌الزهرا (س)، تلفن:

۷۷۳۲۷۳۰.

تهران: خ انقلاب، روبروی دبیرخانه دانشگاه، ساختمان امیرکبیر، (کتب جیبی)، طبقه

سوم، واحد نه، مؤسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تلفن: ۶۴۹۲۶۹۳

ارائه این نسخه از کتاب تهیه شده در فضای مجازی (اینترنت) مجاز می باشد

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
دیباچه.....	۷
فصل اول.....	۱۶
مفهوم ، فلسفه و فواید حجاب.....	۱۶
فصل دوم.....	۲۷
تاریخچه اجمالی حجاب و حجاب زدایی.....	۲۷
فصل سوم.....	۴۱
چارچوب اسلامی حجاب.....	۴۱
فصل چهارم.....	۵۵
تعارض نمایی حجاب و آزادی.....	۵۵
فصل پنجم.....	۶۶
کارآمدی چادر و حجاب مشکی.....	۶۶
نتیجه گیری.....	۸۲
پیش نهادها و توصیه ها.....	۸۳
پیوست:.....	۹۰
استفتائات و دیدگاه‌های مراجع تقلید درباره‌ی حجاب و لباس.....	۹۰
فهرست گزیده منابع.....	۱۰۰

گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و باورهای دینی و احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت نازل شده‌اند. این آموزه‌های هستمندان و بایستی از خالق حکیمی تجلی می‌یابد که به نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی کاملاً آگاه است. احکام الهی مربوط به پوشش زن نیز با این فلسفه و حکمت حکیمانه صادر شده است.

زن با عنصر حجاب اسلامی، به تهذیب و تزکیه‌ی نفس و ملکات نفسانی پرداخته و قرب الهی را فراهم ساخته و زمینه‌ی رشد معنوی مردان را در اثر حفظ نگاه تأمین می‌کند؛ هم‌چنان که خداوند سبحان خطاب به پیامبر می‌فرماید: «به مردان مؤمن بگو تا چشم‌های خود را از نگاه ناروا بیوشانند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است»؛ [1] هم‌چنین می‌فرماید: «به زنان و دختران خود و زنان مؤمن بگو که خویشان را به چادرهای خود فرو پوشند که این کار برای این است که آنها به عفت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت آزار نکشند؛ خداوند در حق خلق، آمرزنده و مهربان است.» [2] شایان ذکر است که حجاب و پوشش اسلامی برای مردان و زنان، تنها از کارکرد فردی برخوردار نیست و فقط برای سامان دهی خلیقات و ملکات نفسانی آدمیان مؤثر نمی‌باشد، بلکه از کارکرد اجتماعی نیز برخوردار است؛ غرایز و التهاب‌های جسمی، و معاشرت‌های بی‌بندوبار را کنترل، و بر تحکیم نظام خانواده افزوده، و از انحلال قانون محکم زناشویی جلوگیری نموده، و امنیت اجتماعی را فراهم می‌سازد.

البتّه و صد البتّه که حفظ نظام خانواده از مهم‌ترین ارزش‌های آدمی است. آنان که میان نظام خانواده و روابط نامشروع تمایز قایل نیستند؛ به لحاظ معرفتی، نسبی‌گرایند و معیار سنجش معرفت صحیح از سقیم را انکار می‌کنند. این گروه، حتی برای رویکرد و اندیشه‌ی خود نیز ارزش معرفتی قایل نیستند و همیشه در شکاکیت مطلق گرفتارند. کسی که هدفمندان زیست کند، برای رفتارها و اندیشه‌ها، معیارمندان دست به گزینش می‌زند، تا به اهداف متعالی انسانی و الهی دست یازد؛ و حفظ حجاب و پوشش اسلامی و به تبع آن، حفظ نظام خانواده نیز از آن رو ارزش دارند که تأمین‌کننده‌ی سعادت آدمی و منشأ قرب الهی هستند.

حال اگر کسانی با نگاه دینی و اسلامی و یا با رویکرد جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، مسئله‌ی حجاب را ارزیابی کنند، به کارکردهای مادی و معنوی، فردی و اجتماعی آن پی برده، به تأیید و ترویج آن اقدام می‌کنند؛ بنابراین، پوشش اسلامی زن به منزله‌ی یک حفاظ‌ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم است که مصونیت اخلاقی، خانوادگی، اجتماعی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و بازدارنده‌ی باطنی را فراهم می‌سازد.

چالش‌ها و پرسش‌های معاصر که ذهن نسل جوان را به خود مشغول ساخته، حوزه‌ی پوشش و حجاب اسلامی را نیز دربر گرفته است؛ مسائلی هم‌چون: آثار و فواید حجاب، رابطه‌ی حجاب و عفاف، فلسفه‌ی تفاوت پوشش زن و مرد، رنگ مشکی چادر، رابطه‌ی حجاب و آزادی، پوشش و حق انتخاب، نوع حجاب و...

محقق فرزانه جناب حجت‌الاسلام حسین مهدی‌زاده از پژوهشگران گروه تربیت و مشاوره‌ی مرکز، در پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق، از توفیق خوبی برخوردار بوده است.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از تلاش محقق عزیز؛ و نیز از حجج اسلام سید محمد علی داعی‌نژاد (معاونت پژوهشی)، اسدالله طوسی (مدیر گروه تربیت و مشاوره) و حمید کریمی (مدیر پروژه‌ها) و سایر مدیران و کارمندان مرکز که در آماده‌سازی این اثر، تلاش مخلصانه نموده‌اند؛ به ویژه از حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری، مدیر مرکز مدیریت حوزه و مدیر مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، تقدیر و تشکر نمایم.

عبدالحسین خسروپناه

جانشین مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه

عید سعید فطر ۱۴۲۳

[1]. سوره‌ی نور (۲۴)، آیه‌ی ۳۰.

[2]. سوره‌ی احزاب (۳۳)، آیه‌ی ۵۹.

دیباچه

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ
اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا
لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا
يُؤْمِنُونَ [1]

ای فرزند آدم، برای شما لباسی فرو فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه‌ی زینت شماست و لباس تقوا بهترین است. این از آیات خداست؛ باشد که متذکر شده، پند گیرند. ای فرزندان آدم، مبادا شیطان شما را فریب دهد، چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد. پوشش از تن آنان برکند و قبايح آنان را در نظرشان پدیدار نمود؛ همانا که شیطان و بستگانش شما را می‌بینند، در صورتی که شما آنها را نمی‌بینید. ما شیطان را دوست دار آنان که ایمان نمی‌آورند، قرار دادیم.

پیشینه‌ی حجاب و پوشش انسان به اندازه‌ی تاریخ آفرینش اوست. پوشش و لباس هر انسانی پرچم کشور وجود اوست. پرچمی که او بر در خانه‌ی وجودش نصب کرده است و با آن اعلام می‌دارد که از کدام فرهنگ تبعیت می‌کند؛ هم‌چنان که هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود، اعتقاد خود را به هویت ملی خویش ابراز می‌کند؛ هر انسانی که به یک سلسله ارزش‌ها و بینش‌ها معتقد و دل‌بسته است، لباس متناسب با آن ارزش‌ها و بینش‌ها را از تن به در نخواهد کرد. [2] حجاب و پوشش بارزترین نشانه‌ی فرهنگی و نماد ملی است که به سرعت تحت تأثیر سایر پدیده‌های فرهنگی قرار می‌گیرد.

هر نوع دگرگونی در ساختار فرهنگی و اجتماعی، با تغییر در پوشش مردم مشخص می‌گردد؛ چنان که استیلای فرهنگی و سلطه‌پذیری نیز، در اولین مرحله، از طریق تغییر در پوشش مردم چهره می‌نماید.

چون استعمار و استکبار نتوانست انقلاب اسلامی ایران را از راه نظامی مهار نماید، اکنون با تغییر تاکتیک و روش، تلاش می‌کند از طریق فرهنگی، آن را دچار استحاله و تغییر هویت نماید. یکی از روش‌های استکبار برای نفوذ فرهنگی، تشکیک و القای شبهه در مبانی دینی مردم است که طی چند سال اخیر شتاب بیش‌تری گرفته است. [3]

به اعتقاد ما چون دشمن به فرهنگ ما هجوم آورده است، باید به جهاد فرهنگی با آن برخیزیم؛ و جهاد فرهنگی، سربازانِ جان برکفِ جبهه‌ی فرهنگ و اندیشه‌ی دینی را به حضور در خط

مقدم این جهاد مقدس فرا می‌خواند؛ از این رو، نگارنده با توجه به توانایی خود تلاش نموده تا در این جهاد فرهنگی شرکت نماید.

چون طرح نوشتار حاضر به صورت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات است؛ لذا مناسب است نخست به تفاوت «پرسش» و «شبهه» اشاره گردد.

تفاوت ماهوی و اصلی پرسش و شبهه این است که معمولاً پرسش به قصد یافتن حق و حقیقت و با نیت صادقانه صورت می‌گیرد، ولی تشکیک و شبهه به قصد گم کردن حق و حقیقت و با نیت غیر صادقانه صورت می‌گیرد؛ از این رو عقل و نقل، پرسش از افراد صاحب‌نظر و شایسته را می‌ستاید و به آن توصیه می‌کند؛ چنان که قرآن مجید می‌فرماید:

فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ [4] اگر نمی‌دانید از اهل ذکر (علما و دانشمندان) سؤال کنید.

هم‌چنین پیامبر اکرم (ص) در روایتی فرموده‌اند:

العلم خزائن و مفاتيحه السؤال فاسئلوا رحمكم الله فإنه يوجر اربعة السائل و المتكلم و المستمع و المحب لهم؛ [5] علم گنجینه‌هایی است و پرسش، کلیده‌های آن؛ پس پرسید آنچه را نمی‌دانید، تا مشمول رحمت خدا قرار گیرید. همانا چهار گروه در ضمن یک پرسش اجر و ثواب دارند: پرسش‌کننده، پاسخ‌دهنده، شنونده و دوست‌دار آن‌ها.

در مقابل پرسش‌گری به جا و شایسته، که به آن توصیه شده است، عقل و نقل، آلوده شدن به شبهات و وقوع در آن‌ها را امری مذموم و ناپسند می‌دانند؛ همان‌گونه که انسان از آلودگی جسمی دوری می‌جوید، باید از شبهات آلوده‌کننده روح و روان نیز اجتناب نماید:

ایاک و الوقوع فی الشبهات؛ [6] بر حذر باش از قرار گرفتن در شبهه‌ها.

نه تنها انسان از وقوع در شبهه منع شده است، بلکه پس از وقوع در شبهات و آلودگی ذهن و دین، انسان به شبهه‌زدایی و پاک‌سازی مکلف شده است:

نزّهوا ادیانکم عن الشبهات و صونوا انفسکم عن مواقف الريب الموبقات [7]: دین خود را از شبهه‌ها پاک و خالص کنید و خودتان را از مکان‌های شبهه‌خیز و هلاک‌کننده حفظ کنید.

ارسله بالدين المشهور... از احةً للشبهات؛ [8] امیر مؤمنان امام علی (ع) یکی از اهداف و رسالت‌های دینی پیامبر اکرم (ص) را از بین بردن شبهات ذکر کرده است.

در حدیثی درباره‌ی وجه تسمیه و علت نام‌گذاری شبهه آمده است:

انما سمیت الشبهه شبهةً لآنها تُشبه الحق؛ [9] شبهه را به این علت شبهه می‌گویند که حق نیست، ولی به حق شباهت دارد.

شبهه باطلی حق‌نماست که تناسبات جزئی و مقطعی در آن رعایت شده است؛ به گونه‌ای که جلوه‌ی تناسبات فرعی، چشم افراد دارای آگاهی اندک را خیره نموده، باعث می‌شود آن را حق بدانند؛ ولی به دلیل عدم رعایت تناسبات اصلی و محوری در حوزه‌ی باطل قرار دارد. میزان تأثیر شبهه به مقدار هماهنگی درونی و بیرونی آن بستگی دارد؛ هر چه شبهه به مرز حق نزدیک‌تر باشد، شمار بیش‌تری را گرفتار می‌کند و باعث اشتباه دیگران و در دام افتادن آنان می‌گردد. [10]

در سال‌های اخیر، روند شبهات درباره‌ی حجاب شدت یافته است. برای تصدیق این مدعا کافی است به مقالات مطبوعاتی و نمایه‌های آن مراجعه گردد. مطرح کردن شبهات فراوان در زمینه‌ی حجاب برتر به همراه عوامل دیگر؛ مانند ضعف اعتقاد و عدم شناخت کافی از حجاب اسلامی و ضرورت آن و... موجب افت روند استفاده از مصادیق حجاب برتر در جامعه شده است، که نتیجه‌ی اتخاذ روش تخریبی بعضی مطبوعات، رواج پوشش‌های نامناسب، مانند لباس‌های نازک، کوتاه و رنگین در بین دختران و زنان جوان در مقابل نامحرمان است؛ چون یکی از عوامل مهم سلامت روحی و روانی جامعه‌ی اسلامی، روی آوردن بانوان به مصادیق حجاب برتر است؛ لذا سعی نگارنده، پاسخ‌گویی به شبهات مهم درباره‌ی حجاب برتر است. سنگ بنای تمام مطالب طرح شده در نوشتار حاضر، این است که پوشش انسان، خصوصاً بانوان، دارای حداقل و حداکثر است؛ و از مجموع آموزه‌های اسلامی به روشنی استفاده می‌شود که اسلام مشوق و طرفدار حجاب و پوشش حداکثر برای زنان و دختران در مقابل نامحرمان است.

ادعای فوق با استناد به آیات و روایات، و حجاب و پوشش بیش‌تر و برتر فاطمه‌ی زهرا(س) به راحتی اثبات می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ [11] و زنان سال‌خورده که از ولادت و عادت باز نشسته‌اند و امید ازدواج و نکاح ندارند بر آنان باکی نیست، اگر اظهار تجملات و زینت خود نکنند که جامه‌های رویی خود نزد نامحرمان از تن برگیرند و اگر باز هم عفت و تقوای بیش‌تر گزینند، بر آنان بهتر است.

در آیه‌ی فوق خداوند نخست به زنان سالمند اجازه داده است در مقابل نامحرم، بعضی لباس‌های رویی و بیرونی - که در روایت معتبر به جلباب (چادر) تفسیر شده است - [12] را از خود بر گیرند؛ ولی در آخر آیه می‌فرماید: حتی اگر زنان پیر نیز در مقابل نامحرم، چادر خویش را بر زمین نگذارند و عفت ورزند، برای آنان بهتر است؛ بنابراین، از آیه‌ی مذکور به روشنی مطلوبیت حجاب و پوشش بیش‌تر، حتی برای زنان سالمند استفاده می‌شود، تا چه رسد به زنان و دختران جوان، که احتمال تعرض افراد لاابالی و فاسد نسبت به آنان بیش‌تر است، و به طریق اولی مطلوبیت حجاب و پوشش بیش‌تر برای آنان اثبات می‌گردد.

علاوه بر این، در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است:

يا ايها الناس اتخذوا السراويلات فانها من استر ثيابكم و حصنوا بها نساءكم اذا خرجن: [13] ای مردم از شلوارها برای پوشش استفاده کنید؛ زیرا از پوشاننده‌ترین لباس‌ها هستند و زنان خود را هنگامی که از منزل خارج می‌شوند از طریق استفاده از شلوار حفظ کنید.

در روایت فوق عبارت «استر ثيابكم و حصنوا بها نساءكم اذا خرجن» به خوبی دلالت بر مطلوبیت پوشش کامل زنان در خارج از منزل می‌نماید.

علاوه بر این، امیرمؤمنان امام علی (ع) در روایتی، حجاب و پوشش کامل زنان را باعث حفظ عفت و پاکی آنان دانسته‌اند:

«ان شده الحجاب ابقى عليهن». [14]

هم‌چنین قرآن کریم، استفاده از شکل‌های حجاب دارای پوشش بهتر و بیش‌تر، مثل خمار [15] (مقنعه) و جلباب [16] (چادر) را توصیه نموده است. فاطمه‌ی زهرا (س) نیز هنگام خروج از منزل و رفتن به مسجد، برای دفاع از فدک، از همین حجاب‌های قرآنی استفاده کرده‌اند. [17]

آنچه ذکر شد، شواهد و قراین مستحکم و روشنی است که مطلوبیت حجاب و پوشش اکثر و بیش‌تر را برای بانوان و دختران جوان اثبات می‌نماید. [18] با توجه به برخورداري حجاب و پوشش از مقدار حداقلی و حداکثری و مطلوبیت حجاب و پوشش اکثری، خصوصاً برای زنان و دختران جوان آشکار خواهد شد که دفاع از پوشش‌هایی، مانند لباس ضخیم، بلند و دارای رنگ سنگین، مقنعه، چادر مشکی و غیره در نوشته‌ی حاضر، به این دلیل است که این گونه لباس‌ها و حجاب‌ها، مصادیق و نمونه‌های حجاب و پوشش بیش‌تر و بهتر برای بانوان و دختران جوان در مقابل نامحرم به شمار می‌آیند.

همان خداوندی که برای مصون ماندن جسم از ورود میکروب‌ها در اعضای بدن انسان، حجاب‌ها و حفاظ‌های طبیعی، مانند پوست بدن، پلک چشم، و... قرار داده است، به عنوان طبیب روحانی، برای جلوگیری از آلودگی روح و روان انسان به گناه، و حفظ پاکی آن، حجاب‌ها و حفاظ‌هایی را به شکل دستورهای الهی و انجام واجبات و ترک محرمات قرار داده است.

در روایتی از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است:

يا عبادالله انتم كالمرضى و رب العالمين كالطبيب فصلاح المرضى فيما يعلم الطبيب و يداوى به لا فيما يشهيه المريض و يقترحه الا فسلّموا لله امره تكونوا من الفائزين؛ [19] ای بندگان خدا، شما همانند انسان‌های بیمار، و پروردگار جهان همانند طبیب است، پس خیر و صلاح انسان‌های مریض در گوش دادن به علم و تدبیر طبیب است، نه پیروی از تمایلات و هواهای نفسانی و آنچه پیشنهاد می‌کند؛ متوجه و تسلیم دستور خدا باشید تا از رستگاران قرار گیرید.

تسلیم شدن در مقابل دستورهای خداوند به وجود آورنده‌ی حفاظ و لباس تقواست که بهترین لباس و پوشش درونی است:

وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ [20]

و بدون تردید، لزوم حجاب و پوشش، یکی از مهم‌ترین واجبات الهی برای زنان و تأمین‌کننده‌ی عفت و تقوای آنان است. تقوا در فرهنگ اسلامی یک حجاب و مانع درونی و باطنی در مقابل گناه است که آثار آن در رفتار ظاهری و بیرونی تجلی می‌یابد. تقوا والاترین ارزش اسلامی و ملاک سنجش ارزش انسان‌ها نسبت به یکدیگر است:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ [21]

چون تقوا دارای درجات و مراتب مختلف است، قرآن انسان‌ها را به کسب مراتب و درجات بالاتر آن تشویق نموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ. [22]

اگر تقوا را دارای سه درجه‌ی «حداقل»، «حد وسط» و «حداکثر» بدانیم، از دو واژه‌ی «اکرم» و «اتقی» در آیه‌ی فوق، که افعال تفضیل‌اند، به روشنی استفاده می‌شود که در فرهنگ اسلامی، تحصیل حداکثر تقوا مطلوب است؛ بنابراین، نمی‌توان به حد متوسط تقوا راضی شد و افراط و زیاده‌روی در آن را مذموم دانست؛ زیرا برای رشد و تعالی، که به وسیله‌ی تقوا حاصل می‌گردد و هدف خلقت انسان است، نمی‌توان حد و مرزی را تعیین نمود؛ در نتیجه حجاب و پوشش زنان

نیز از جمله اموری است که حداکثر آن مطلوب و راجح است؛ زیرا حجاب و پوشش نقش مهمی در ایجاد عفاف و تقوا دارد.

پس از توضیحات فوق که به منزله‌ی شالوده و سنگ بنای فصل‌های نوشته حاضر می‌باشد شایسته است توضیح مختصری درباره‌ی ویژگی‌های این اثر ارائه گردد.

ویژگی‌های نوشتار حاضر

۱. برای پاسخ‌گویی به شبهات، از روش پرسش و پاسخ که در قرآن نیز فراوان به کار رفته، [23] استفاده شده است.

۲. تاکنون درباره‌ی پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات حجاب، کتاب‌های بسیار خوبی، مانند کتاب ارزشمند مسئله‌ی حجاب استاد مطهری، نگاشته شده است؛ ولی چون گذشت زمان باعث می‌شود که درباره‌ی مسائل مختلف و از جمله مبانی دینی حجاب، پرسش‌ها و شبهات جدیدی مطرح گردد؛ از این رو، در این اثر پرسش‌ها و شبهات جدید حجاب مورد توجه قرار گرفته است. برای دستیابی به پرسش‌ها و شبهات نو، علاوه بر مراجعه به روزنامه‌ها و مجلات، که معمولاً منعکس‌کننده‌ی شبهات جدید و روزمره هستند، به کتاب‌هایی که به نحوی پاسخ شبهات حجاب را مطرح کرده‌اند نیز مراجعه شده است، تا از ذکر مطالب تکراری پیش‌گیری شود.

۳. علاوه بر شبهه‌ها، بعضاً پرسش‌های مهم و متناسب نیز مطرح و پاسخ گفته شده است؛ البته با توجه به تفاوت ماهوی ذکر شده برای پرسش و شبهه، موارد آن دو به گونه‌ای متمایز شده‌اند.

۴. احتمالات مختلف هر پرسش و شبهه، تا حد مقدور، کالبد شکافی شده و پاسخ هر یک از آنها بیان گشته است، تا اولاً در ذهن مخاطب ابهامی نسبت به پرسش و شبهه‌ی طرح شده باقی نماند؛ و ثانیاً باعث افزایش دقت علمی و موشکافی مخاطبان و افزایش توان پاسخ‌گویی آنها در مواجهه با پرسش‌ها و شبهه‌های دیگر گردد.

۵. تمام شبهات، با ذکر مشخصات و سند و مدرک طرح شده است، تا برای افرادی که به دنبال کشف حقیقت‌اند، ولی تردید دارند که بعضی از مطبوعات در هجوم فرهنگی غرب، پایگاه دشمن قرار گرفته‌اند نیز آشکار گردد که چگونه امروز عده‌ای از طریق فرهنگی و با سلاح قلم و ابزار مطبوعات، مقاله و کتاب، قلب و ذهن پاک جوانان این مرز و بوم را با روش تبلیغات القایی منفی مورد هدف قرار می‌دهند و تلاش می‌کنند تا از طریق غذای روحی و فکری مسموم، مبانی فکری و عقیدتی آنها را متزلزل نمایند.

۶. علاوه بر استفاده از تحلیل‌های عقلی، از ادله‌ی نقلی و آیات و روایات نیز فراوان استفاده شده است، تا هم کارآمدی و لزوم هماهنگی عقل و نقل در پاسخ‌گویی به شبهه‌ها، به طور عملی برای مخاطبان ترسیم شود، و هم جوانان عزیز از معارف نشأت گرفته از دو چشمه‌ی جوشان قرآن و حدیث، به طور گسترده سیراب شوند.

۷. به دلیل ارتباط مباحث حجاب و پوشش با مباحث روان‌شناسی رنگ‌ها و روان‌شناسی لباس و تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد، سعی شده با استفاده از برخی منابع مربوط، نادرستی عمل بعضی از مطبوعات شبه‌افکن که قصد دارند با دادن آب و رنگ علمی به بعضی از شبهات، حجاب برتر را مخدوش کنند روشن گردد.

۸. چون بخش زیادی از شبهات حجاب در سال‌های اخیر، مربوط به مصادیق حجاب برتر، مثل مقنعه، چادر و مخصوصاً چادر مشکی بوده است، از این رو طبیعی است که قسمت فراوانی از مطالب این کتاب، به ویژه فصل‌های دوم، سوم و پنجم در دفاع از مصادیق حجاب برتر، مثل مقنعه، چادر و چادر مشکی و اثبات مطلوبیت و برتری این گونه حجاب‌ها با ادله‌ی عقلی و نقلی فراوان باشد.

۹. یکی از یافته‌های پژوهشی جدید این اثر، بحث از هم‌گرایی و مشابهت‌های بسیار نزدیک چادر مشکی با جلباب قرآنی است. نگارنده در ضمن تحقیق و پژوهش درباره‌ی جلباب قرآنی، به قراین و شواهد متعددی دست یافته است که حاکی از شباهت‌های بسیار نزدیک چادر مشکی و جلباب قرآنی است.

۱۰. سطح مطالب کتاب به گونه‌ای است که دانش‌آموزان دختر مقاطع راهنمایی و دبیرستان می‌توانند از آن استفاده کنند.

در پایان یادآور می‌شوم؛ چنانچه این نوشتار تأثیر مطلوبی در مخاطبان داشته باشد به برکت همراهی آن با کلمات نورانی قرآن و احادیث اهل‌بیت(ع) است و اگر تأثیر نامطلوبی داشته باشد به خاطر ضعف علمی نگارنده است؛ چون طبیعی است که آثار علمی افراد عادی غیر معصوم، کم و بیش دارای اشکالات و نواقصی است؛ بنابراین، از خوانندگان ارجمند تقاضا دارم ما را از لطف خود محروم ننمایند و اشکالات و نواقص این اثر را متذکر شوند، تا در چاپ‌های بعدی مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

حسین مهدی‌زاده

دی‌ماه ۱۳۸۱

-
- [1]. سوره‌ی اعراف (۷)، آیه‌ی ۲۶ - ۲۷.
- [2]. غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۰.
- [3]. برای آگاهی از افزایش حجم کمی و کیفی شبهات در چند سال اخیر ر.ک: آزادی یا توطئه، (نگاهی به کارنامه‌ی مطبوعات شبهه افکن).
- [4]. سوره‌ی نحل (۱۶)، آیه‌ی ۴۳.
- [5]. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۳۰. واژه سؤال.
- [6]. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۲، ح ۱۰۸۲.
- [7]. همان، ص ۷۳، ح ۱۰۸۵.
- [8]. نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، خطبه‌ی دوم، ص ۴۶.
- [9]. آمدی، همان، ص ۷۲، ح ۱۰۸۳.
- [10]. علی اکبر نصرتی، سحر شبهه، ماهنامه‌ی اطلاع رسانی مبلغان، شماره‌ی ۳، مهر ماه ۱۳۷۷، ضمیمه‌ی بصائر، ویژه‌ی خبرگان سوم، ص ۱۴۹.
- [11]. سوره‌ی توبه (۹)، آیه‌ی ۶۰.
- [12]. عن ابی عبد الله علیه السلام قال: القواعد من النساء لیس علیهن جناح ان یضعن ثیابهن. قال: تضع الجلباب وحده. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۱۰، حکم القواعد من النساء، ص ۱۴۷، حدیث ۳. درباره‌ی مفهوم جلباب و هم‌گرایی و شباهت بسیار نزدیک آن با چادر در فصل دوم به طور استدلالی بحث خواهد شد.
- [13]. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۵۹، واژه‌ی حجاب.
- [14]. نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، نامه‌ی ۳۱.
- [15]. سوره‌ی نور (۲۴)، آیه‌ی ۳۱. (و لَیْضُرْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ).
- [16]. سوره‌ی احزاب (۳۳)، آیه‌ی ۵۹. (یُدْنِیْنَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیْبِهِنَّ).

[17]. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۷ - ۹۸. (لائت خمارها علی رأسها واشتملت بجلبایها).

[18]. علاوه بر ادله‌ی مذکور، در لابلای اثر حاضر با شواهد و قراین زیادی که اثبات‌کننده‌ی مطلوبیت حجاب و پوشش بیش‌تر برای بانوان در مقابل نامحرم است آشنا خواهید شد.

[19]. محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، ص ۳۱۳، به نقل از مجموعه‌ی ورام، ج ۲، ص ۱۱۷.

[20]. سوره‌ی اعراف (۷)، آیه‌ی ۲۶.

[21]. سوره‌ی حجرات (۴۹)، آیه‌ی ۱۳.

[22]. سوره‌ی آل عمران (۳)، آیه‌ی ۱۰۲.

[23]. در قرآن کریم، علاوه بر موارد فراوانی که به طور ضمنی، از روش پرسش و پاسخ استفاده شده، در پانزده مورد نیز به طور صریح از روش پرسش و پاسخ استفاده گردیده است. در این موارد، عبارت «یسئلونک» حاکی از پرسش دیگران از پیامبر اکرم(ص) و کلمه‌ی «قل» مبین پاسخ آن پرسش‌هاست؛ مثل «یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی»: سوره‌ی اسراء (۱۷)، آیه‌ی ۸۵.

فصل اول

مفهوم ، فلسفه و فواید حجاب

فصل اول این اثر، پاسخ‌گوی شبهات و سؤالاتی درباره‌ی مفهوم و ابعاد حجاب اسلامی، رابطه‌ی حجاب و عفاف، فلسفه‌ی تشریح حکم حجاب و آثار و فواید حجاب و پوشش اسلامی است.

مفهوم و ابعاد حجاب

مفهوم حجاب چیست و از نظر قرآن و حدیث، حجاب و پوشش اسلامی دارای چه ابعاد و اقسامی است؟

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است [1]. استعمال این کلمه، بیش‌تر به معنی پرده است [2]. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله‌ی پوشش است، ولی هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد [3].

در این نوشتار مراد ما از حجاب، پوشش اسلامی است، و مراد از پوشش اسلامی زن، به عنوان یکی از احکام و جویب اسلام، این است که زن، هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.

بنابراین، حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی‌توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.

گاهی مشاهده می‌کنیم که بسیاری از زنان محجبه در پوشش خود از رنگ‌های شاد و زیبا و تحریک‌برانگیز استفاده می‌کنند که به اندامشان زیبایی خاصی می‌بخشد و در عین پوشیده بودن بدن زن، زیبایی‌اش آشکار است، گویی که اصلاً لباس نپوشیده است [4]؛ و این دور از روح حجاب است.

اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب می‌تواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد. یک نوع آن حجاب ذهنی، فکری و روحی است؛ مثلاً اعتقاد

به معارف اسلامی، مانند توحید و نبوت، از مصادیق حجاب ذهنی، فکری و روحی صحیح است که می‌تواند از لغزش‌ها و گناه‌های روحی و فکری، مثل کفر و شرک جلوگیری نماید.

علاوه بر این، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می‌کند، نام برده شده است؛ مثل حجاب و پوشش در نگاه که مردان و زنان در مواجهه با نامحرم به آن توصیه شده‌اند:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ [5]؛ ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند.

قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ [6]؛ ای رسول به زنان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند.

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است:

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ [7]؛ پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگوئید؛ مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد.

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه‌ای راه نروند که با نشان دادن زینت‌های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند:

وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ [8]؛ و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود.

از مجموع مباحث طرح شده به روشنی استفاده می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحاء مختلف رفتار، مثل نحوه‌ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است.

رابطه‌ی حجاب و عفاف

چشم و دل را پرده می‌بایست اما از عفاف

چادر پوشیده بنیاد مسلمانی نبود [9]

شبهه: بعضی با تمسک به شعر فوق، ادعا نموده‌اند که بین حجاب و عفاف رابطه‌ای نیست؛ عفاف لازم است، اما حجاب لازم نیست. گاه همین مطلب با تمسک به حجاب و پوشش زنان روستایی و زنان شالیزار شمال کشور توجیه می‌شود که آنها حجاب کامل ندارند، ولی عقیف هستند. [10] آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: قبلاً ذکر شد که حجاب در کتاب‌های لغت به معنای پوشش، پرده و مانع آمده است. به نگهبان، حاجب می‌گویند؛ چون مانع ورود اغیار و بیگانگان در یک حریم و محیط خاص می‌گردد.

بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله‌ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. همین مفهوم منع و امتناع در ریشه‌ی لغوی عفت نیز وجود دارد [11]؛ بنابراین، دو واژه‌ی «حجاب» و «عفت» در اصل معنای منع و امتناع مشترک‌اند. تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی منع و بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت یک حالت درونی است، ولی با توجه به این که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است؛ [12] بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است؛ بدین ترتیب که هر چه حجاب و پوشش ظاهری بیش‌تر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه‌ی باطنی و درونی عفت، تأثیر بیش‌تری دارد؛ و بالعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیش‌تر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیش‌تر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد. قرآن مجید به شکل ظریفی به این تأثیر و تأثر اشاره فرموده است. نخست به زنان سالمند اجازه می‌دهد که بدون قصد تبرج و خودنمایی، لباس‌های رویی خود، مثل چادر را در مقابل نامحرم بردارند، ولی در نهایت می‌گوید: اگر عفت بورزند، یعنی حتی لباس‌هایی مثل چادر را نیز بردارند، بهتر است.

وَالْفَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. [13]

علاوه بر رابطه‌ی قبل، بین پوشش ظاهری و عفت باطنی، رابطه‌ی علامت و صاحب علامت نیز هست؛ به این معنا که مقدار حجاب ظاهری، نشانه‌ای از مرحله‌ی خاصی از عفت باطنی صاحب حجاب است. البته این مطلب به این معنا نیست که هر زنی که حجاب و پوشش ظاهری داشت، لزوماً از همه‌ی مراتب عفت و پاکدامنی نیز برخوردار است.

با توجه به همین نکته، پاسخ این اشکال و شبهه‌ی افرادی که برای ناکارآمد جلوه دادن حجاب و پوشش ظاهری، تخلفات بعضی از زنان با حجاب را بهانه قرار می‌دهند آشکار می‌گردد؛ زیرا مشکل این عده از زنان، ضعف در حجاب باطنی و فقدان ایمان و اعتقاد قوی به آثار مثبت حجاب و پوشش ظاهری است و قبلاً گذشت که حجاب اسلامی ابعادی گسترده دارد و یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابعاد آن، حجاب درونی و باطنی و ذهنی است که فرد را در مواجهه با گناه و فساد، از عقاید و ایمان راسخ درونی برخوردار می‌کند؛ و اساساً این حجاب ذهنی و عقیدتی، به منزله‌ی سنگ بنای دیگر حجاب‌ها، از جمله حجاب و پوشش ظاهری است؛ زیرا افکار و عقاید انسان، شکل‌دهنده‌ی رفتارهای اوست.

البته، همان‌گونه که حجاب و پوشش ظاهری، لزوماً به معنای برخورداری از همه‌ی مراتب عفاف نیست، عفاف بدون رعایت پوشش ظاهری نیز قابل تصور نیست. نمی‌توان زن یا مردی را که عریان یا نیمه‌عریان در انظار عمومی ظاهر می‌شود عقیف دانست؛ زیرا گفتیم که پوشش ظاهری یکی از علامت‌ها و نشانه‌های عفاف است، و بین مقدار عفاف و حجاب، رابطه‌ی تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. [14] بعضی نیز رابطه‌ی عفاف و حجاب را از نوع رابطه‌ی ریشه و میوه دانسته‌اند؛ با این تعبیر که حجاب، میوه‌ی عفاف، و عفاف، ریشه‌ی حجاب است. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند، ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. این حجاب، تنها پوسته و ظاهری است. از سوی دیگر، افرادی ادعای عفاف کرده و با تعابیری، مثل «من قلب پاک دارم، خدا با قلب‌ها کار دارد»، خود را سرگرم می‌کنند؛ چنین انسان‌هایی باید در قاموس اندیشه‌ی خود این نکته‌ی اساسی را بنگارند که درون پاک، بیرونی پاک می‌پروراند و هرگز قلب پاک، موجب بارور شدن میوه‌ی ناپاک بی‌حجابی نخواهد شد. [15]

وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا تَكْدًا؛ [16] زمین پاک نیکو گیاهش به اذن خدا نیکو برآید و زمین خشن ناپاک بیرون نیاورد، جز گیاه اندک و کم ثمر.

هدف و فلسفه‌ی حجاب

هدف از تشریح حجاب اسلامی و فلسفه‌ی حجاب و پوشش چیست؟

هدف اصلی تشریح احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله‌ی تزکیه‌ی نفس و تقوا به دست می‌آید:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ [17] بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ٤؛

اوست خدایی که میان عرب امی (قومی که خواندن و نوشتن هم نمی دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان قوم برانگیخت، تا بر آنان وحی خدا را تلاوت کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک سازد و کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد؛ با آن که پیش از این، همه در ورطه‌ی جهالت و گمراهی بودند.

از قرآن کریم استفاده می شود که هدف از تشریح حکم الهی، وجوب حجاب اسلامی، دست یابی به تزکیه‌ی نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. آیاتی هم چون:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ [18] ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است.

وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ [19] و هرگاه از زنان رسول متاعی می طلبید از پس پرده بطلبید، که حجاب برای آن که دل‌های شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است.

وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [20] و زنان سالخورده که از ولادت و عادت بازنشسته‌اند و امید ازدواج و نکاح ندارند، بر آنان باکی نیست که اگر اظهار تجملات و زینت خود نکنند، نزد نامحرمان جامه‌های خود را از تن بگیرند و اگر بازهم عفت و تقوای بیش‌تر گزینند، بر آنان بهتر است و خدا به سخنان خلق شنوا و آگاه است.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلْأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا [21] ای پیغمبر با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادرهای خود فروپوشند که این کار برای این که آنها به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوس‌رانان) آزار نکشند بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق، آمرزنده و مهربان است.

چون نگاه به نامحرم توسط مردان، باعث تحریک و تهییج جنسی آنان و در نتیجه منجر به فساد می شود، خداوند در کنار دستور حجاب و پوشش بدن به بانوان، به مردان نیز دستور به حجاب

و پوشش چشم داده و نگاه به نامحرم را بر آنان حرام کرده است؛ چنان که از امام رضا(ع) نقل شده است:

حُرِّمَ النَّظْرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَ غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لَمَّا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُوا التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدَّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَجْمَلُ؛ [22] نگاه به موهای زنان با حجاب ازدواج کرده و بانوان دیگر، از آن جهت حرام شده است که نگاه، مردان را برمی‌انگیزد و آنان را به فساد فرا می‌خواند در آنچه که ورود در آن نه حلال است و نه شایسته.

از مجموع آیات و حدیث فوق به خوبی استفاده می‌شود که هدف و فلسفه‌ی وجوب حجاب اسلامی، ایجاد تزکیه‌ی نفس، طهارت و عفت و پاکدامنی در بین افراد جامعه، و ایجاد صلاح و پیش‌گیری از فساد است.

آثار و فواید حجاب در ابعاد مختلف

حجاب و پوشش دارای چه آثار و فوایدی است؟

حجاب و پوشش، در ابعاد مختلف، دارای آثار و فواید زیادی است که بعضی از مهم‌ترین فواید آن عبارت‌اند از:

الف) فایده‌ی حجاب در بُعد فردی

یکی از فواید و آثار مهم حجاب در بُعد فردی، ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه است که یکی از عوامل ایجاد آن عدم تهییج و تحریک جنسی است؛ در مقابل، فقدان حجاب و آزادی معاشرت‌های بی‌بندوبار میان زن و مرد، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت عطش روحی و یک خواست اشباع‌نشده درمی‌آورد. غریزه‌ی جنسی، غریزه‌ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هرچه بیش‌تر اطاعت شود بیش‌تر سرکش می‌گردد؛ هم‌چون آتشی که هرچه هیزم آن زیادتر شود شعله‌ورتر می‌گردد. بهترین شاهد بر این مطلب این است که در جهان غرب که با رواج بی‌حیایی و برهنگی، اطاعت از غریزه‌ی جنسی بیش‌تر شده است، هجوم مردم به مسئله‌ی سکس نیز زیادتر شده و تیراژ مجلات و کتب سکسی بالاتر رفته است. این مطلب پاسخ روشن و قاطع به افرادی است که قایل‌اند همه‌ی گرفتاری‌هایی که در کشورهای اسلامی و شرقی بر سر غریزه‌ی جنسی وجود دارد، ناشی از محدودیت‌هاست؛ و اگر به کلی هرگونه محدودیتی برداشته شود و روابط جنسی آزاد شود، این حرص و ولعی که وجود دارد، از بین می‌رود.

البته از این افراد باید پرسید؛ آیا غرب که محدودیت روابط زن و مرد و دختر و پسر را برداشته است، حرص و ولع جنسی در بین آنان فروکش کرده است یا افزایش یافته است؟! [23]

پاسخ هر انسان واقع بین و منصفی به این سؤال این است که نه تنها حرص و ولع جنسی در غرب افزایش یافته است، بلکه هر روز شکل های جدیدتری از تمتعات و بهره برداری های جنسی در آنها رواج و رسمیت می یابد.

یکی از زنان غربی منصف، وضعیت جامعه ی غرب را در مواجهه با غریزه ی جنسی این گونه توصیف کرده است:

کسانی می گویند مسئله ی غریزه ی جنسی و مشکل زن و حجاب در جوامع غربی حل شده است؛ آری، اگر از زن روی گرداندن و به بچه و سگ و یا هم جنس روی آوردن حل مسئله است، البته مدتی است این راه حل صورت گرفته است!! [24]

ب) فایده ی حجاب در بُعد خانوادگی

یکی از فواید مهم حجاب در بُعد خانوادگی، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی، به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است. اختصاص مذکور، باعث پیوند و اتصال قوی تر زن و شوهر، و در نتیجه استحکام بیش تر کانون خانواده می گردد؛ و برعکس، فقدان حجاب باعث انهدام نهاد خانواده است. یکی از نویسندگان، تأثیر برهنگی را در اضمحلال و خشکیدن درخت تنومند خانواده، این گونه بیان کرده است:

در جامعه ای که برهنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است؛ مقایسه ی آنچه دارد با آنچه ندارد؛ و آنچه ریشه ی خانواده را می سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می زند. زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیدا است که اندک اندک بهار چهره اش شکفتگی خود را از دست می دهد و روی در خزان می گذارد. در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوان تری از راه می رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نامناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه ای می دهد؛ و این مقدمه ای می شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است؛ و همهی خواهران جوان لابد می دانند که هیچ جوانی نیست که به میانسالی و پیری نرسد و لابد می دانند که اگر امروز آنان جوان و با طراوت اند در فردای بی طراوتی آنان، باز هم جوانانی هستند که بتوانند برای

خانواده‌ی فردای آنها، همان خطری را ایجاد کنند که خود آنان امروز برای خانواده‌ها ایجاد می‌کنند. [25]

ج) فایده‌ی حجاب در بُعد اجتماعی

یکی از فواید مهم حجاب در بُعد اجتماعی، حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه است. در مقابل، بی‌حجابی و بدحجابی باعث کشاندن لذت‌های جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع، و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می‌گردد. بدون تردید، مردی که در خیابان، بازار، اداره، کارخانه و ... همواره با قیافه‌های محرک و مهیج زنان بدحجاب و آرایش کرده مواجه باشد، تمرکز نیروی کار او کاهش می‌یابد. برخلاف نظام‌ها و کشورهای غربی، که میدان کار و فعالیت‌های اجتماعی را با لذت‌جویی‌های جنسی درهم می‌آمیزند، [26] اسلام می‌خواهد با رعایت حجاب و پوشش، محیط اجتماع از این‌گونه لذت‌ها پاک شده، و لذت‌های جنسی، فقط در کادر خانواده و با ازدواج مشروع انجام شود [27].

د) فایده‌ی حجاب در بُعد اقتصادی

استفاده از حجاب و پوشش، به ویژه در شکل چادر مشکی، به دلیل سادگی و ایجاد یکدستی در پوشش بانوان در بیرون منزل، می‌تواند از بُعد اقتصادی نیز تأثیر مثبت در کاهش تقاضاهای مدپرستی بانوان داشته باشد؛ البته به شرط این که خود چادر مشکی دست‌خوش این تقاضاها نگردد. متأسفانه بعضاً مظاهر مدپرستی در چادرهای مشکی نیز مشاهده می‌گردد، به گونه‌ای که برخی از بانوان به جای استفاده از چادرهای مشکی متین و باوقار، به چادرهای مشکی، توری، نازک و دارای طرح‌های جلف و سبک که با هدف و فلسفه حجاب و پوشش تناسبی ندارند روی می‌آورند.

یکی از دانشجویان محجبه درباره‌ی رواج فرهنگ مدگرایی در خاطرات قبل از انقلاب خود گفته است:

یادم می‌آید آن وقت‌ها که حجاب نداشتیم، اگر دو روز پشت سر هم قرار بود که به خانه‌ی کسی بروم، لباسی را که امروز پوشیده بودم، حاضر نمی‌شدم فردا بپوشم! احساس می‌کردم مسخره است و سعی داشتم حتی اگر شده، لباس دیگران را به عاریه بگیرم و بپوشم، تا من هم با لباس جدیدی رفته باشم. این کارها واقعاً رفاه حال و راحتی را از خانم‌ها سلب کرده بود. [28]

علاوه بر فواید یاد شده، به طور فهرست‌وار فواید و آثار دیگری نیز برای حجاب و پوشش می‌توان نام برد، که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- حفظ ارزش‌های انسانی؛ مانند عفت، حیا و متانت در جامعه و کاهش مفاسد اجتماعی.

- هدایت، کنترل و بهره‌مندی صحیح و مطلوب از امیال و غرایز انسانی.

- تأمین و تضمین سلامت و پاکی نسل افراد جامعه. [29]

[1]. جوهری، صحاح اللغه، الحجاب: الستر؛ فیومی، المصباح المنیر، حجه حجاباً من باب قتل: منعه و منه قیل للستر الحجاب لانه یمنع المشاهده.

[2]. در قرآن این کلمه در هشت مورد به کار رفته که بیش‌تر به معنای حاجز، مانع، حایل و پرده است.

[3]. استاد مطهری، مسئله‌ی حجاب، ص ۷۸.

[4]. علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله، مجله‌ی پیام زن، «جوانان، ورزش و حجاب» شماره‌ی ۷۴، ص ۱۹.

[5]. سوره‌ی نور (۲۴)، آیه‌ی ۳۰.

[6]. سوره‌ی نور (۲۴)، آیه‌ی ۳۱.

[7]. سوره‌ی احزاب (۳۳)، آیه‌ی ۳۲.

[8]. سوره‌ی نور (۲۴)، آیه‌ی ۳۱.

[9]. پروین اعتصامی، دیوان شعر، ص ۱۵۴.

[10]. کیهان لندن، ۱۳۷۴/۳/۱۱.

[11]. الف) العفة: الکفّ عما لا یحلّ و لا یجمل؛ ابن منظور، لسان العرب، واژه‌ی عفت.

ب) العفة: حصول حالتی للنفس تمتنع بها عن غلبه الشهوة، راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، واژه‌ی عفت.

ج) عفت عن الشيء: امتنع عنه؛ فیومی، المصباح المنیر، واژه‌ی عفت.

[12]. ر. ک: خسرو باقری، «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی»، بحث ویژگی‌های عمومی انسان، ص ۶۶ - ۷۳.

[13]. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۶۰؛ این که ثیاب در آیه‌ی شریفه را به چادر معنا کردیم، به علت روایات متعددی است که آن را به جلباب تفسیر کرده است. و در مباحث آینده آشکار خواهد شد که جلباب به معنای چادر است. برای آشنایی با روایاتی که ثیاب در آیه‌ی شریفه را به جلباب تفسیر کرده‌اند، ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۱۰، باب القواعد من النساء.

[14]. ر. ک: مهریزی، حجاب؛ سیدعلی سادات فخر «حجاب ارزش یا روش»، کتاب نقد، ش ۱۷ (فمینیزم) و ناهید طیبی، «حجاب و عفاف، مروری دوباره» مجله‌ی پیام زن، ش ۹۵ و ۹۶. مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، مجله‌ی حدیث زندگی، ویژه‌ی عفاف. شماره‌ی ۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۱.

[15]. ناهید طیبی، «حجاب و عفاف مروری دوباره»، مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۹۵، ص ۷۵ (با کمی دخل و تصرف).

[16]. سوره‌ی اعراف (۷)، آیه‌ی ۵۸. ۴. سوره‌ی جمعه (۶۲)، آیه‌ی ۲.

[17]. سوره‌ی حجرات (۴۹)، آیه‌ی ۱۳.

[18]. سوره‌ی نور (۲۴)، آیه‌ی ۳۰.

[19]. سوره‌ی احزاب (۳۳)، آیه‌ی ۵۳.

[20]. سوره‌ی نور (۲۴)، آیه‌ی ۶۰.

[21]. سوره‌ی احزاب (۳۳)، آیه‌ی ۵۹.

[22]. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۴.

[23]. برای آگاهی از ابعاد گسترش این حرص و ولع ر.ک: جلال رفیع، یادداشت‌ها و ره‌آوردهای سفر نیویورک، در بهشت شداد آمریکای متمدن، آمریکای متوحش.

[24]. احمد صبوری اردوباری، آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، ص ۳۰۲.

[25]. غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶۹-۷۰.

[26]. برای آگاهی از گستره‌ی کشانده شدن لذت‌های جنسی به محیط‌های کاری و اجتماع، و اعترافات صریح بعضی از زنان کشورهای غربی درباره‌ی مزاحمت‌های جنسی نسبت به زن و کودکان، ر.ک: احمد صبوری اردوباری، بهای یک نگاه؛ محمدتقی فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲، و روح‌الله حسینیان، حریم عفاف.

[27]. سه بُعد قبل، از کتاب مسئله‌ی حجاب، استاد مطهری، ص ۸۴-۹۴، (با دخل و تصرف) اقتباس شده است.

[28]. ر.ک: احمد اردوباری، آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، ص ۲۲۲.

[29]. برای آگاهی بیشتر درباره‌ی آثار و فواید حجاب و پوشش ر.ک: مجموعه مقالات پوشش و عفاف، دومین نمایشگاه تخصص و منزلت زن در نظام اسلامی؛ هم‌چنین درباره‌ی ضررهای بدحجابی ر.ک: اسدالله محمدی‌نیا، آنچه باید یک زن بداند، بخش‌های ۳، ۴ و ۵.

فصل دوم

تاریخچه اجمالی حجاب و حجاب زدایی

فصل دوم این اثر پاسخ‌گوی شبهات و پرسش‌های گوناگون، درباره‌ی علل شکست حرکت‌های استعماری کشف حجاب و عوامل گسترش حجاب اسلامی و منشأ حرکت‌های بدحجابی و بی‌حجابی در کشورهای اسلامی، و ارتباط حجاب، در شکل چادر، با دین و مذهب است.

علل شکست حرکت‌های کشف حجاب

چرا حرکت‌های گسترده‌ی کشف حجاب و حجاب‌زدایی، از سوی عوامل وابسته به استعمارگران، در بعضی کشورهای اسلامی، مثل افغانستان، ترکیه، ایران و... با شکست مواجه شده است؟

حداقل سه علت مهم برای شکست حرکت‌های حجاب زدایی در کشورهای اسلامی می‌توان ذکر کرد:

الف) فطری بودن حجاب

به نظر می‌رسد که عامل اصلی گرایش انسان‌ها، مخصوصاً زنان، به حجاب و پوشش، تأمین یک نیاز فطری و درونی به نام حیا و شرم است.

شرم، یکی از صفات مخصوص انسان است؛ و انسان تنها حیوانی است که اصرار دارد، دست کم، بعضی از اندام‌های خود را بپوشاند. پروفیسور اسوالد شوارتز، طبیب و روان‌شناس اتریشی، در کتاب روان‌شناسی جنسی درباره‌ی احساس شرم در انسان‌ها می‌نویسد:

علاوه بر مردم‌شناسی، تجزیه و تحلیل روان‌شناسی نیز ثابت می‌کند که احساس شرم، یکی از صفات عمده‌ی نوع بشر است. هیچ قبیله‌ی اولیه‌ای، هر قدر هم بدوی بوده باشد، شناخته نشده است که از خود، شرم بروز ندهد و بچه‌های کوچک نیز شرم دارند. در طی دوران رشد بشر و هم‌چنین در خلال رشد افراد، بر وسعت موضوعاتی که مورد حمایت شرم قرار می‌گیرند افزوده می‌شود. حمایت، وظیفه‌ی مخصوصی است که به عهده‌ی شرم گذارده شده است. کاملاً معلوم است که شرم، قبل از همه چیز از اعضای تناسلی و وظایف آنها حمایت می‌کند... ادعای پیش‌رفت

و مدرنیزم خرقة‌ای بر تن بی خبری از ارزش‌های اساسی است؛ و شرم، نخستین قربانی این گمراهی اخلاقی است؛ مثلاً نهضت اعتقاد به لختی، نمونه‌ی وحشتناکی از این ادعاست. [1]

علاوه بر مطالعات مردم‌شناسی و روان‌شناسی جنسی، از مطالعات تاریخی نیز استفاده می‌شود که انسان در هیچ مقطعی بدون پوشش زندگی نکرده است؛ [2] و این مطلب حاکی از وجود شرم و حیای ذاتی انسان است. از آیات مربوط به خلقت حضرت آدم و حوا نیز فطری بودن پوشش و حجاب استفاده می‌شود. خداوند در قرآن به انسان‌ها هشدار می‌دهد که مواظب باشند مبدا همان گونه که فتنه و فریب شیطان باعث برهنگی آدم و حوا گردید، موجب فریب و برهنگی آنان نیز بشود:

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَاتِهِمَا. [3]

قرآن هم‌چنین از وسوسه‌ی شیطان برای برهنگی آدم و حوا خبر می‌دهد:

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِن سَوَاتِهِمَا. [4]

و بالاخره قرآن از کارایی وسوسه‌ی شیطان نسبت به آدم و حوا و خوردن از شجره‌ی ممنوعه و در نتیجه، آشکار شدن زشتی‌های آدم و حوا و اقدام آن دو به پوشاندن بدن خود با برگ درختان خبر می‌دهد:

فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ. [5]

از تعبیر «ینزع عنهما لباسهما» و «لیبدي لهما ما وری عنهما من سواتهما» در آیات فوق به روشنی استفاده می‌شود که انسان قبل از ارتکاب خطا در بهشت دارای پوشش بوده است؛ هم‌چنین از تعبیر «طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ» نیز استفاده می‌شود که به دلیل بر خورداری آدم و حوا از حیا و شرم فطری، پس از برهنه شدن، فوراً بدن خود را با برگ درختان پوشاندند.

البته، علاوه بر عامل فطری که در پیدایش اصل پوشش دخالت اساسی داشته است، عوامل دیگری، مثل محفوظ ماندن بدن از سرما و گرما، گرایش به تجمل و زیبایی، شرایط محیطی، جغرافیایی، قومی و... در پیدایش تعدد و تنوع و مدل‌های مختلف پوشش مؤثر بوده‌اند.

ب) دینی بودن حجاب

حجاب یکی از احکام مسلم دین اسلام است که اصل آن از ضروریات می‌باشد و آیات و روایات فراوانی بر آن دلالت دارد که به بعضی از آنها اشاره خواهد شد؛ بنابراین، به دلیل شدت وضوح

دینی و شرعی بودن حجاب و پوشش، نیازی به بحث درباره‌ی آن نیست. [6] همین دینی بودن حجاب باعث شده تا در تاریخ مبارزه با حرکت‌های حجاب‌زدایی، روحانیت و عالمان دینی، در صف نخست این گونه مبارزات قرار داشته باشند. در قضیه‌ی کشف حجاب به وسیله‌ی رضاخان، عالمان دینی و حوزه‌های علمیه، به دو صورت علمی و عملی با آن مبارزه نمودند. مواجهه‌ی علمی عالمان دینی در نگارش مقالات، رساله‌ها و کتاب‌های علمی در تبیین حجاب و فلسفه و فواید آن تبلور یافت. مواجهه‌ی عملی عالمان دینی در تحمل زندان‌ها، شکنجه‌ها و تبعیدها تحقق یافت که یکی از نقطه‌های اوج آن، قصه‌ی غم‌انگیز مسجد گوهرشاد مشهد مقدس است. [7]

ج) آگاهی زنان و دختران از فواید حجاب

بدون تردید، بین آگاهی و اعتقاد بیش‌تر و عمیق‌تر زنان نسبت به فواید حجاب و پوشش، و رعایت بیش‌تر حجاب توسط آنها، رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد که نمونه‌ی بارز آن را در حجاب فاطمه‌ی زهرا(س) و دیگر زنان اهل بیت(ع) و اصرار آنان بر حفظ حجاب در شرایط سخت اسارت و اعتراض‌های افشاگرانه‌ی آنها در مقابل هتاک‌های مخالفان اهل بیت(ع) می‌توان مشاهده نمود. [8] نقش آگاهی زنان نسبت به فواید و فلسفه‌ی حجاب، در مقابله با نقشه‌های حجاب‌زدایی استعمارگران در مبارزه‌ی مردم الجزایر با دولت استعمارگر فرانسه [9] و همچنین مقاومت دانشجویان دختر محجبه در مقابل مقررات ضد حجاب حکومت لائیک ترکیه نیز، قابل توجه است. جلوه‌ی دیگر تأثیر آگاهی زنان بر علیه بی‌حجابی، قیام زنان آگاه ایرانی در مقابل کشف حجاب رضا خان است. امام خمینی (ره) در این باره فرموده‌اند:

زن‌های ایرانی هم قیام کردند بر ضدش و تودهنی به او زدند که ما نمی‌خواهیم این طور چیزی (کشف حجاب) را. [10]

البته مقاومت زنان آگاه و عفیف ایرانی در مقابل نقشه‌های استعمارگران، حتی قبل از واقعه‌ی کشف حجاب رضاخان نیز سابقه داشته است. یکی از نویسندگان خارجی در تمجید از ایستادگی زنان با حجاب ایرانی در مقابل استعمارگران نوشته است:

درود و عزت بی‌حد، به زنان روبسته‌ی ایران باد. وی به عزم ثابت سیصد زن شجاع اشاره می‌کند که با چادر سیاه و نقاب سفید، در حالی که بسیاری از آنان در زیر لباس طپانچه داشتند، به مجلس رفتند تا نمایندگان از تسلیم کشور به بیگانگان احتراز نمایند. به اعتراف این نویسنده‌ی آمریکایی، آن بانوان شجاع اعلام داشتند که اگر وکلای مجلس بخواهند در حفظ شرف و عزت ایران

تسامح به خرج دهند و یا تردید نمایند، هم آنان و هم شوهران و فرزندان خویش را خواهند کشت، تا لااقل اجسادشان گواهی بر شرف ایرانی باشد. [11]

یکی از نویسندگان داخلی نیز درباره‌ی رابطه‌ی حجاب و آگاهی زنان و نقش آن در خنثی کردن توطئه‌های استعمار غربی می‌نویسد:

حجاب مال نسل آگاهی است که به پوشش اسلامی بر می‌گردد، این نسلی است که با این پوشش اسلامی می‌خواهد به استعمار غربی و به فرهنگ اروپایی بگوید: پنجاه سال کلک زدی، کار کردی، نقشه کشیدی که مرا فرنگی مآب کنی، من با این لباس به تو می‌گویم نه، و به تمام پنجاه سال کارت فاتحه می‌خوانم. [12]

منشأ حرکت‌های بی‌حجابی و بدحجابی

با توجه به ریشه‌های فطری حجاب و پوشش، منشأ بعضی حرکت‌های بدحجابی و بی‌حجابی در تاریخ کشورهای اسلامی چیست؟

اولاً، فطری بودن یک مقوله، مانع تأثیرگذاری حرکت‌های تبلیغی، به نفع یا بر ضرر آن نیست؛ مثلاً دین یک مقوله‌ی فطری است، ولی در طول تاریخ، حرکت‌های تبلیغی انبیا(ع) به نفع دین، باعث تحکیم و گسترش آن بوده و برعکس، حرکت‌های تبلیغی مخالفان انبیا، مثل شیاطین جن و انس شبه‌افکن باعث تضعیف و آسیب‌پذیری آن گردیده است. همین مطلب، در مورد حجاب و پوشش به عنوان یک مقوله‌ی فطری نیز صادق است. همان‌گونه که تبلیغ و تبیین صحیح فلسفه‌ی حجاب در گسترش و تعمیق آن نقش دارد، در مقابل شبهه‌پراکنی‌ها و سم‌پاشی‌ها و تبلیغ منفی مخالفان نیز در آسیب‌پذیری فرهنگ حجاب و پوشش در جوامع اسلامی تأثیر مهمی دارد. قراین و شواهد مختلف حاکی از این است که یکی از ترفندهای مهم استعمارگران برای نفوذ در کشورهای اسلامی، ترویج بی‌بندوباری از طریق گسترش بدحجابی و بی‌حجابی است؛ و این واقعیتی است که مسترهمفر، جاسوس استعمار پیر انگلیس، در خاطرات خود به طور صریح به آن اعتراف نموده است:

در مسئله‌ی بی‌حجابی زنان، باید کوشش فوق‌العاده‌ای به عمل آوریم، تا زنان مسلمان به بی‌حجابی و رها کردن چادر، مشتاق شوند... پس از آن که حجاب زن، با تبلیغات وسیع از میان رفت، وظیفه‌ی مأموران ما این است که جوانان را به عشق‌بازی و روابط نامشروع با زنان تشویق کنند؛ و بدین وسیله، فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند. لازم است زنان غیر مسلمان، کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند، تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند. [13]

فرانتس فانون، درباره‌ی نقش حجاب‌زدایی دولت استعمارگر فرانسه در کشور اسلامی الجزایر می‌گوید:

اولین اقدام ضد فرهنگی که فرانسه در الجزایر صورت داد، تلاش برای از بین بردن حجاب بود، و در این کار موفق شد؛ و هر چه بدن زن الجزایری را بیش‌تر عریان کرد، چنگال استعمارگر، بیش‌تر به حلقوم الجزایری فرو رفت؛ اما مجدداً زن الجزایری شخصیت خود را بازیافت و مبارزه علیه مطامع استعمار نیز آغاز گردید. [14]

همین نویسنده، در کلام دیگری، درباره‌ی نقش بی‌حجابی در تشدید حمله‌ی استعمارگر فرانسه به الجزایر گفته است:

هر چادری که دور انداخته می‌شود، افق جدیدی را که تا آن هنگام بر استعمارگر ممنوع بود، در برابر او می‌گشاید و بدن الجزایری را که عریان شده است، تماماً به او نشان می‌دهد. پس از دیدن هر چهره‌ی بی‌حجابی، امیدهای حمله‌ور شدن اشغالگر ده برابر می‌گردد. [15]

علاوه بر نقش استعمار در حجاب‌زدایی از کشور اسلامی الجزایر، حجاب‌زدایی در کشورهای اسلامی افغانستان توسط امان‌الله خان، ترکیه توسط آتاتورک و ایران توسط پهلوی اول و دوم، داستان مفصل و غم‌انگیزی دارد ۲ که پرداختن به آن، نوشته‌ی مستقلی را می‌طلبد.

از آن‌جا که مخاطب ما بیش‌تر زنان و دختران فرهیخته و عقیف ایرانی هستند که با آثار فکری و قلمی مواجه‌اند، مناسب است به نقش بعضی روشن‌فکران و مطبوعات وابسته، در همفکری و همکاری با حجاب‌زدایی استعمار در قضیه‌ی کشف حجاب اشاره نماییم.

یحیی دولت‌آبادی پس از اشاره به وقایع عصر خود می‌نویسد:

اینک در تهران قانون بانوان تأسیس شده و زن‌های روگشوده با مردان معاشرت می‌نمایند؛ و روزبه‌روز دایره‌ی رفع حجاب در تهران و ولایات وسعت می‌گیرد...؛ پس سد حجاب را در ایران شکسته باید دانست. [16]

روزنامه‌ی آزادی چاپ خراسان، در سر مقاله‌اش در تاریخ ۲۸ تیر ماه ۱۳۱۴ به ستایش از کشف حجاب پرداخته و روی کار آمدن رضا خان را به ظهور کوكب درخشان در آسمان ایران تعبیر نموده است. [17]

امام خمینی (ره) معمار بزرگ انقلاب اسلامی ایران، به عنوان شاهدی امین و صادق که خود ناظر اوضاع آن زمان بوده است، نقش بعضی مطبوعات و روشن فکران وابسته را در کشف حجاب چنین توصیف کرده است:

قلم‌های مسموم خطاکار و گفتار گویندگان بی‌فرهنگ، در این نیم قرن سیاه اسارت‌بار عصر ننگین پهلوی، زن را به منزله‌ی کالایی خواستند در آورند و آنان را که آسیب پذیر بودند به مراکزی کشیدند که قلم را یارای آن نیست. هر کس بخواهد شمه‌ای از آن جنایات مطلع شود، به روزنامه‌ها و مجله‌ها و شعرهای اوباش و اراذل زمان رضا خان، از روزگار تباه کشف حجاب الزامی به بعد، مراجعه کند و از مجالس و محافل و مراکز فساد آن زمان سراغ بگیرد. رویشان سیاه، و شکسته باد قلم‌های روشن‌فکرانه‌ی آنان؛ و گمان نشود که آن جنایات، با اسم آزاد زنان و با اسم آزاد مردان، بدون نقشه‌ی جهان‌خواران و جنایتکاران بین‌المللی بود. [18]

ثانیاً، اثرپذیری زنان و دختران مسلمان از تبلیغ‌های کشورهای استعماری و تقلید بدون منطق زنان از مدل‌های پوشش غربی نیز در این زمینه نقش مؤثری داشته است. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) در این مورد فرموده‌اند:

عده‌ای از چادر فرار می‌کنند به خاطر این که هجوم تبلیغاتی غرب دامن‌گیرشان نشود؛ اما به آن حجاب واقعی بدون چادر هم رو نمی‌آورند، چون آن را هم غرب مورد تهاجم قرار می‌دهد. تصور نکنید اگر ما فوراً چادر را کنار گذاشتیم دست از سر ما بر می‌دارند؛ آنها به این چیزها قانع نیستند، بلکه می‌خواهند همان فرهنگ منحوس خودشان در این جا، مثل زمان شاه که زن اصلاً حجاب و پوشش نداشت عمل شود. [19]

یکی از دانشمندان اسلامی نیز در این مورد گفته است:

مشکل بسیاری از زنان شرق این است که آنان در عین حال که هم‌چنان به ارزش‌های اخلاقی، عفت و شرافت معتقدند، از آداب و رسوم و سنت‌های غربی در مسئله‌ی بی‌حجابی و خودآرایی تقلید می‌کنند و این امر آنان را در حالت دوگانگی قرار می‌دهد. [20]

رابطه‌ی حجاب در شکل چادر، با دین و تاریخ ملی

شبهه: بعضی در دینی و مذهبی بودن حجاب در شکل چادر شبهه نموده و این گونه ادعا کرده‌اند که «چادر به احتمال خیلی زیاد از زمان قاجاریه در ایران جا افتاده است و هیچ ارتباطی به دین و مذهب ندارد». [21]

در شبهه‌ی فوق دو ادعا مطرح شده است که به طور مستقل طرح و پاسخ داده می‌شود.

ادعای اول: چادر، حجاب دینی و مذهبی نیست.

پاسخ: اولاً، دقت و پژوهش در آیهی ۵۹ سورهی احزاب، صحت ادعای مذکور را مورد تردید جدی قرار می‌دهد. خداوند در این آیه خطاب به پیامبرش فرموده است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَ أَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛

ای پیغمبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را با چادر خود فرو پوشند، که این کار برای این است که آنها به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت هوسرانان آزار نکشند؛ بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق آمرزنده و مهربان است.

«جلابیب» جمع «جلباب» است و جلباب در کتاب‌های لغت معتبر، مثل لسان العرب، صحاح اللغة و معجم الوسیط، به «ملحفه» معنا شده است و ملحفه پوششی گسترده است که زن خود را در آن می‌پوشد. [22] قبل از بررسی معنا و مفهوم جلباب، باید دید چادر رایج در بین زنان مسلمان و ایرانی چه نوع پوششی است و عناصر و مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده آن چیست؟ با اندک تأملی می‌توان گفت چادر دارای دو مؤلفه‌ی اصلی ذیل است:

۱. اندازه‌ی چادر: پوشش وسیع، که از بالای سر تا پایین پای زن را می‌پوشاند.

۲. کارکرد چادر: پوششی جلو باز که از بالای سر، روی لباس‌های دیگر پوشیده می‌شود و به نحو خاصی کنترل و جمع و جور می‌گردد.

حال باید بررسی نمود آیا جلباب قرآنی که در بعضی تفاسیر از آن به ملحفه تعبیر شده است، [23] دو عنصر ذکر شده برای چادرهای رایج فعلی را دارد یا نه؟ اگر دو عنصر یاد شده را بتوان برای جلباب اثبات نمود، می‌توان ادعا کرد که جلباب قرآنی همانند چادرهای رایج فعلی بوده است و گرنه نمی‌توان چنین ادعایی کرد؛ از این رو، به بررسی دو مؤلفه‌ی اندازه و کارکرد جلباب می‌پردازیم:

الف) اندازه‌ی جلباب: تقریباً همه‌ی کتاب‌های لغت در این که جلباب پوششی وسیع است اتفاق نظر دارند، ولی دیدگاه‌های کتاب‌های لغت و تفسیر درباره‌ی اندازه‌ی دقیق جلباب متفاوت است. از مجموع کلمات لغویین و مفسرین در مورد اندازه‌ی جلباب، سه دیدگاه قابل اشاره است:

دیدگاه اول: جلباب پوششی فراگیر بوده که از بالای سر تا پایین پا را می پوشانده است. این دیدگاه از کتاب های لغوی و تفسیری فراوان استفاده می گردد. [24]

دیدگاه دوم: جلباب پوششی بزرگ تر از خمار (مقنعه) بوده که کم تر از مقدار ردا، یعنی تقریباً تا زانوها را می پوشانده است. این دیدگاه از بعضی از کتاب های لغت، مثل مصباح المنیر فیومی استفاده می شود. [25]

دیدگاه سوم: جلباب همان خمار (مقنعه) است؛ پوششی که فقط سر و سینه ها را می پوشانده است. این دیدگاه از مفردات راغب اصفهانی به دست می آید. [26]

ما معتقدیم شواهد مختلفی وجود دارد که صحت دیدگاه اول و مخدوش بودن دیدگاه دوم و سوم را ثابت می کند که بعضی از آنها عبارت اند از:

شاهد اول: درباره ی پوشش حضرت فاطمه ی زهرا (س) هنگام خروج از منزل و رفتن به مسجد برای دفاع از فدک این گونه نقل شده است:

لا ث خمارها علی رأسها و اشتملت بجلبابها. [27]

یعنی فاطمه ی زهرا (س) خمار و مقنعه ی خویش را بر سر و جلباب، یعنی پوششی که شامل و در بر گیرنده ی تمام آن وجود مبارک بود بر تن کردند.

از نحوه ی پوشش حضرت در قضیه ی مذکور دو نکته استفاده می شود:

نکته ی اول: پوشش حضرت در بیرون منزل، همان دو پوشش قرآنی مستقل از یکدیگر به نام «خمار» و «جلباب» بوده است؛ بر این اساس، نظر طرفداران دیدگاه سوم، مثل راغب اصفهانی در مفردات که جلباب را به خمار معنی کرده است، مخدوش می گردد.

نکته ی دوم: از عبارت «و اشتملت بجلبابها»، به روشنی استفاده می شود که جلباب، پوششی سرتاسری بوده که تمام آن وجود مبارک، از سر تا قدم ها را فرا می گرفته است؛ بنابراین، نظر طرفداران دیدگاه دوم؛ که قایل بودند جلباب تقریباً تا زانوها را می پوشانده است، مخدوش می گردد.

شاهد دوم: از کتاب های لغوی، مثل مصباح المنیر فیومی که گفته اند: «الجلباب ثوب اوسع من الخمار؛ جلباب پوششی گسترده تر از خمار است»، تباین و مستقل بودن «خمار» و «جلباب» به خوبی استفاده می شود.

شاهد سوم: احادیثی هم چون حدیث نبوی(ص) «و لغير ذی محرم اربعة اثواب: درع و خمار و جلباب و ازار» [28] که از جلباب و خمار به عنوان دو پوشش مستقل نام برده است نیز، شاهد بطلان دیدگاه سوم است.

شاهد چهارم: زمخشری در تفسیر کشاف و آلوسی در تفسیر روح المعانی از ابن عباس، صحابی پیامبر اکرم(ص) و شاگرد امام علی(ع) نقل کرده‌اند که جلباب پوششی بوده که از بالا تا پایین بدن را می پوشانده است؛ [29] که با این شاهد بطلان دیدگاه دوم اثبات می شود.

حاصل این که اندازه‌ی جلباب قرآنی به مقداری بوده است که همانند چادرهای زمان حاضر از بالای سر تا پایین پا را می پوشانده است.

ب) کارکرد جلباب: برای فهمیدن کارکرد جلباب و کیفیت پوششی آن، لازم است معنای «ادناء» در آیه‌ی «يُدْنِينَ عَلَيْنَهُنَّ مِنَ الْجَلَابِيبِ» معلوم شود. آلوسی از ابن عباس و قتاده و زمخشری در تفسیر کشاف از ابن سیرین نقل کرده‌اند که مراد از «یدنین» قرار دادن جلباب در بالای ابرو و گردن و جمع و جور کردن و قرار دادن گوشه‌های جمع شده‌ی آن در بالای بینی است، [30] که معمولاً بانوان متدین و حساس نسبت به رعایت حجاب در مواجهه با نامحرم این کار را انجام می دهند. از عبارت ابن عباس، قتاده و ابن سیرین معلوم می شود که جلباب همانند چادرهای فعلی، پوششی جلو باز بوده است که واژه‌ی «یدنین» در آیه‌ی شریفه نیز مؤید این مدعاست؛ بنابراین، از نظر کارکرد و کیفیت پوشش نیز جلباب قرآنی، شبیه چادرهای امروزی بوده است.

به رغم این که بحث بر سر الفاظ و نام گذاری نیست و مهم این است که حقیقت و مصداقی از پوشش، شبیه چادرهای فعلی، در صدر اسلام موجود بوده است، ولی با این همه، خوش بختانه در کتاب‌های واژه‌های قرآنی و کتاب‌هایی که درباره‌ی جلباب بحث نموده‌اند، جلباب به چادر معنا شده است و این مؤید بسیار خوبی است بر این که آنها نیز به دلیل اشتراک مؤلفه‌ها و عناصر جلباب و چادر، همانند ما، از جلباب قرآنی معنای چادر را فهمیده‌اند. [31]

ثانیاً، گذشته از آنچه که برای اثبات مشابهت معنای چادر و جلباب گفته شد، چگونه ممکن است که مراجع تقلید، به عنوان بزرگ‌ترین رهبران دینی اسلام در زمان غیبت، چادر را پوشش مطلوب و بهتر معرفی کنند، [32] ولی در عین حال، گوینده‌ی محترم بدون ارائه‌ی هیچ دلیل و مدرکی، ادعا نماید که چادر هیچ ارتباطی به دین و مذهب ندارد؟!

حاصل این که، با توجه به مشابهت بسیار نزدیک جلباب قرآنی با چادر، از نظر اندازه و کارکرد، می توان ادعا کرد که چادر ارتباط وثیقی با دین اسلام و قرآن دارد؛ و بدین ترتیب ادعای اول که چادر ارتباطی با دین و مذهب ندارد ابطال می گردد.

ادعای دوم: حجاب در شکل و قالب چادر مربوط به زمان قاجاریه است.

پاسخ: اولاً، این ادعا، نیازمند ارائه‌ی سند و مدارک معتبر تاریخی است، اما ایشان سند و مدرکی برای کلام خود ارائه نکرده‌اند؛ بنابراین، کلام ایشان مدعایی بدون دلیل و مدرک و در نتیجه، فاقد ارزش و اعتبار علمی است.

ثانیاً، فرض می‌کنیم ایشان با ارائه‌ی سند و مدارک تاریخی اثبات می‌کردند که چادر در زمان قاجار در ایران رسم شده است، پس از اثبات ارتباط مستحکم چادر با قرآن در نقد ادعای اول و این که به هر حال، چادر یکی از مصادیق پوششی است که تأمین‌کننده‌ی حجاب بیش‌تر و بهتر زنان و لذا مطلوب اسلام نیز هست، زنان ایرانی به خاطر استفاده از چادر به عنوان الگوی پوشش مناسب در مواجهه با نامحرم به خود می‌بالند، نه این که از آن گلايه‌مند باشند.

ثالثاً، بر اساس شهادت و گواهی منابع حجاب و لباس، اسناد و مدارک تاریخی زیر مبین آن است که پیشینه‌ی تاریخی که حجاب در شکل چادر، به صدها سال قبل از پیدایش قاجار در ایران بر می‌گردد.

الف) در زمان ایران باستان به تصاویری از بانوان ایرانی بر می‌خوریم که علاوه بر لباس، بدن خود را با چادری که شبیه به چادر زن امروز ایران است می‌پوشاندند؛ [33]

ب) زنان عهد هخامنشی و اشکانی، عموماً چادر بر سر داشته و پیراهن‌های بلندی که تا مچ پای آنان را می‌پوشانده به تن می‌کرده‌اند. [34]

ج) زنان عهد ساسانی، گاهی چادر گشاد و پُرچین به سر می‌کردند که تا وسط ساق پا می‌رسیده است. نقوشی از بانوان ساسانی در بشقاب‌های نقره ساخته شده است که در آن هر یک از بانوان، چادری به خود پیچیده دارند. [35]

به این ترتیب، ادعای دوم گوینده‌ی محترم نیز ابطال گردید و آشکار شد که حجاب در شکل چادر، علاوه بر ریشه‌ی عمیق دینی، دارای ریشه‌ی عمیق تاریخی و ملی نیز هست و صدها سال قبل از پیدایش قاجار از آن استفاده می‌شده است.

[1]. به نقل از غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶۸.

[2]. برای آگاهی بیش تر ر.ک: روت ترنویل کاکس، تاریخ لباس، ترجمه‌ی شیرین بزرگمهر؛ سیدمهدی قانع، «انسان، پوشش و ریشه‌های تاریخی»، مجله‌ی پیام زن، شماره‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰.

[3]. سوره‌ی اعراف (۷)، آیه‌ی ۲۷.

[4]. سوره‌ی اعراف (۷)، آیه‌ی ۲۰.

[5]. سوره‌ی اعراف (۷)، آیه‌ی ۲۲.

[6]. به رغم این که دینی و شرعی بودن حجاب از واضحات است، برخی در دینی بودن آن شبهه کرده‌اند. برای مطالعه‌ی بیش تر درباره‌ی شبهه‌ی مذکور و پاسخ آن ر.ک: مهدی مهریزی، «حجاب»، ص ۱۹ - ۲۷.

[7]. برای آشنایی با قصه‌ی کشف حجاب و مبارزه‌ی علمی و عملی علمای دینی با کشف حجاب رضا خان ر.ک: مؤسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت، حکایت کشف حجاب؛ حمید بصیرت‌منش، علما و رژیم رضاشاه؛ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، واقعه‌ی کشف حجاب؛ مدیریت پژوهش انتشارات و آموزش، خشونت و فرهنگ، اسناد محرمانه‌ی کشف حجاب؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد؛ فاطمه استادملک، حجاب و کشف حجاب در ایران.

[8]. به کلام حضرت زینب (س) خطاب به یزید توجه کنید:

امن العدل یا ابن الطلقاء تخدیرک حرایرک و اماکک و سوقک بنات رسول الله (ص) سبا یا قد هتکت ستورهن و ابدیت وجوههن؛ ای پسر آن مردمی که جدمن اسیرشان کرد و پس از آن آزادشان فرمود، آیا عادلانه است که تو زنان و کنیزان خود را پشت پرده نشانی و دختران رسول (ص) را اسیر به این سوی و آن سوی کشانی؛ پوشش آنها را بدری، روی آنان را بگشایی؟! شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۲۵۴.

[9]. محبوبه‌ی پلنگی، «زنان در الجزایر»، پیام زن، شماره‌ی ۵۰ - ۵۹.

[10]. امام خمینی، صحیفه‌ی نور، ج ۲، ص ۳۰.

[11]. غلامرضا گلی زواره، «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب» پیام زن، ش ۷۰، ص ۱۵، به نقل از: مورگان شوستر، اختناق ایران، ترجمه‌ی اسماعیل رایین، ص ۲۴۱.

[12]. علی شریعتی، مجله‌ی زن روز، ش ۱۶۵۹، ص ۷۷.

[13]. غلامرضا گلی زواره، «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب»، مجله‌ی پیام زن، ش ۷۰، ص ۱۵، به نقل از: خاطرات همفر، ترجمه‌ی دکتر محسن مؤیدی، ص ۸۴.

[14]. روح الله حسینیان، حریم عفاف، حجاب و نگاه، ص ۴۸، به نقل از: جنگ الجزایر، (فصل الجزایر بی حجاب).

[15]. مینا هاشمی، «حجاب زیبایی شعار، کارآیی شعور»، سالنامه‌ی زن، بهمن ماه ۱۳۷۱، ص ۳۴، به نقل از فرانتس فانون، سال پنجم انقلاب الجزایر یا بررسی جامعه‌شناسی یک انقلاب، ترجمه‌ی دکتر تابنده، ص ۴۴.

۲. برای آشنایی با گوشه‌هایی از این داستان غم‌انگیز ر.ک: غلامرضا گلی زواره، «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب» پیام زن، شماره‌های ۷۰ و ۷۱.

[16]. حیات یحیی، ج ۴، ص ۴۳۴.

[17]. گلی زواره، «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب»، مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۷۱، ص ۴۱.

[18]. در جستجوی راه از کلام امام خمینی، دفتر سوم، ص ۳۹.

[19]. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۲۶۱ - ۲۶۲.

[20]. علامه محمدحسین فضل الله، پیام زن، ش ۷۴، ص ۲۳.

[21]. فاطمه خاتمی، روزنامه‌ی ایران، شماره‌ی ۱۶۲۷، ۲ مهر ماه ۱۳۷۹، ص ۴.

[22]. الملحفة: بالكسر، هی الملائة التي تلتحف بها المرأة (واللحاف) كل ثوب يتغطى به: فیومی، المصباح المنیر، ریشه‌ی لحف.

[23]. به عنوان مثال ر.ک: شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۶۱؛ میرزا محمد مهدی، کنزالدقائق، ج ۸، ص ۲۲۶ و فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۴، ص ۲۰۳، ذیل آیهی ۵۹ سورهی احزاب، (آیهی جلابیب).

[24]. به عنوان نمونه، ر.ک: شیخ طوسی، تفسیر تبيان؛ بیضاوی، تفسیر انوار التنزیل و اسرار التأویل و علامه طباطبایی، تفسیر المیزان؛ شیخ محمد جواد مغنیه، تفسیر الکاشف، ذیل آیهی جلابیب؛ هم‌چنین از ابن عباس، مفسر بزرگ قرآن کریم این دیدگاه استفاده می‌شود که در ضمن بررسی اقوال سه‌گانه خواهد آمد. در کتاب الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیان، ذیل آیهی ۵۹ سورهی احزاب (آیهی جلابیب) آمده است: «جلابیب جمع جلابب اسم جامد للملاءة التي تشتمل بها المرأة قال المبرد: الجلابب ما یستر الكل مثل اللحفة»؛ هم‌چنین این دیدگاه از کلام ابن عربی در کتاب احکام القرآن در ذیل آیهی جلابب نیز استفاده می‌شود. علاوه بر کتب تفاسیر، از بعضی کتاب‌هایی که به طور مفصل دربارهی احکام زنان بحث کرده‌اند دیدگاه اول صریحاً استفاده می‌شود؛ مثلاً در کتاب المفصل فی احکام المرأة والبيت المسلم فی الشریعة الاسلامیة، ج ۳، ص ۳۲۲۲ آمده است: «انّه الملاءة التي تشتمل بها المرأة فتلبسها فوق ثيابها و تعطی بها جمیع بدنها من رأسها الی قدمها و الجلابب بهذا التعریف شیهة العباءة»

[25]. الجلابب: ثوب اوسع من الخمار دون الرداء: فیومی، المصباح المنیر، ریشهی جلب.

[26]. الجلابیب: القمص و الخمر الواحد الجلابب: راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ریشهی جلب.

[27]. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۸.

[28]. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۵.

[29]. عن ابن عباس: الرداء الذي یستر من فوق الی اسفل: زمخشری، تفسیر کشاف، و آلوسی، تفسیر روح المعانی، ذیل آیهی جلابب (آیهی ۵۹ سورهی احزاب).

[30]. عن ابن سیرین سألت عبیدة السلمانی عن ذلك (یدنین) فقال ان تضع رداءها فوق الحاجب ثم تدیره حتی تضعه علی انفها. شیهة تعبیر مذکور عبارت‌های مختلفی در تفسیر آلوسی، ذیل آیهی جلابب نقل شده است که نحوهی کارکرد جلابب را بیان می‌کند؛ مثلاً از ابن عباس و قتاده این‌گونه نقل شده است. «تلوی الجلابب فوق الجبینین و تشده ثم تعطفه علی الانف و ان ظهرت عینها لکن تستر الصدر و معظم الوجه».

[31]. ر.ک: لسان التنزیل، تألیف قرن ۴ و ۵، ۵، ص ۱۰۳، به اهتمام مهدی محقق؛ تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۸، ص ۱۹۱، ذیل آیه ۵۹ سوره احزاب؛ میرزا ابوالحسن عَشْرَانِی، نثر طوبی، واژه‌ی جلاب؛ عبدالرحیم صفی پور، منتهی الارب فی لغة العرب، ج ۱، ص ۱۸۶، واژه‌ی جلب؛ ر. پ. آ: دزی، فرهنگ البسه‌ی مسلمانان، ص ۱۱۷ و فیاض زنجانی، «رساله‌ی حجابیه»، مجله‌ی کیهان اندیشه، شماره‌ی ۶۰، خرداد و تیرماه، سال ۱۳۷۴، ص ۱۱۲. و نسخه‌ی کهن تفسیر مفردات قرآن، ص ۱۹۰، قسمت مفردات، سوره‌ی احزاب.

[32]. ر. ک: سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان (مطابق با نظرات آیات و مراجع تقلید) ص ۶۵. و استفتائات آخر کتاب.

[33]. مهدی قانع، «انسان پوشش و ریشه‌های تاریخی» پیام زن، شماره ۱۹، ص ۶۹.

[34]. غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۲۵.

[35]. مهدی مهریزی، حجاب، ص ۴۶.

فصل سوم

چارچوب اسلامی حجاب

فصل سوم این اثر، پاسخ‌گوی شبهات و سؤالاتی درباره‌ی چارچوب‌های ارزشی و دینی حجاب و بعضی از مصادیق حجاب برتر، مثل چادر مشکی است.

نگاهی اجمالی به شکل‌های حجاب قرآنی بانوان

شبهه: بعضی با طرح این پرسش که «چه اشکالی دارد در چهارچوب شرعی، هر کس هر جور که خواست لباس بپوشد؟» [1] خواسته‌اند این شبهه را القا کنند که اسلام، فقط چارچوب کلی برای پوشش بیان کرده است و به صورت جزئی، شکل خاصی از حجاب و پوشش در متون دینی اسلام ذکر نشده است. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: از نظر اسلام چارچوب واجب پوشش و حجاب زنان - که بیش‌تر مورد چالش و سؤال است - پوشاندن تمام بدن در مقابل نامحرم است، به استثنای صورت و مچ دست‌ها به پایین، که طبق نظر مشهور فقها پوشاندن آنها واجب نیست؛ البته بعضی از فقهای فعلی، به طور احتیاط وجوبی، پوشاندن صورت و دست‌ها را نیز لازم می‌دانند؛ [2] ولی حتی افرادی که پوشاندن آن را واجب نمی‌دانند، در اصل مطلوبیت و استحباب آن بحثی ندارند. [3]

علاوه بر پوشش لباس‌های معمولی، مثل پیراهن و شلوار، که زنان و مردان در داخل منزل استفاده می‌کنند، برای حجاب بیرون از منزل و در مقابل نامحرم، در قرآن و احادیث برای تأمین حجاب واجب زنان، از چند نوع پوشش خاص، نام برده شده است که دو نوع معروف آن «خمار» و «جلباب» است.

الف) خمار

وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ؛ [4] زنان باید سر، سینه، و دوش خود را با مقنعه بپوشانند.

خُمُر جمع خمار، و مراد از آن پوشش مخصوص سر و اطراف سر بانوان، مثل مقنعه است. [5] در بعضی تفاسیر، در ذیل آیه‌ی شریفه، از عایشه نقل شده است:

زنانی بهتر از زنان انصار ندیدم. وقتی این آیه‌ی شریفه نازل شد، هر یک از آنها به سمت لباس‌های مخصوص خود رفتند و از آن تکه‌ای جدا کردند و خمار و مقنعه‌ای مشکی پوشیدند، گویی بالای سر آنها کلاغ نشسته است. [6]

از قضیه‌ی ذکر شده استفاده می‌شود که رنگ خمار و مقنعه در زمان صدور آیه، مشک‌ی بوده است. برای این قضیه، از کتاب‌های لغت نیز می‌توان مؤیداتی ذکر کرد؛ مثلاً از بعضی کتاب‌های لغت، استفاده می‌شود در ریشه‌ی لغوی خمار (خ - م - ر) سیاهی اخذ شده است. [Z] به مشروبات الکلی نیز از آن جهت «خمر» اطلاق می‌گردد که باعث سیاهی و تیره‌گی عقل انسان می‌گردد. مخفی نماند که در آیه‌ی شریفه‌ی خمار، نکات تفسیری و ادبی و لغوی فراوانی وجود دارد که مقاله‌ی مستقلی را می‌طلبد. [8]

ب) جلباب

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً؛ [9] ای پیغمبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویش را به چادر فروپوشند؛ که این کار برای این که آنها به عفت و حریت شناخته شوند، تا از تعرض و جسارت هوسرانان آزار نکشند، بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق آمرزنده و مهربان است.

همان گونه که قبلاً گذشت جلایب در آیه‌ی شریفه، جمع جلباب است و جلباب به معنای پوشش گسترده و فراگیر تمام بدن است، که زنان بر روی لباس‌های دیگر می‌پوشند؛ امروزه در زبان فارسی به چنین پوششی چادر گفته می‌شود. بر اساس تحقیقی که نگارنده انجام داده، بین جلباب قرآنی و چادرهای رایج، از نظر مفهوم، اندازه، کارکرد و حتی رنگ، همگرایی و شباهت‌های بسیار نزدیکی وجود دارد. [10]

علاوه بر قرآن که دو شکل خاص از پوشش فوق را برای زنان در مقابل نامحرم توصیه کرده است، در برخی احادیث نیز چهار پوشش ویژه برای زنان در مقابل نامحرم، به نام پیراهن، مقنعه، چادر، و آزار معرفی شده است.

عن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم): و تغیر ذی محرم اربعة ائواب: درع و خمار و جلباب و آزار. [11]

فلسفه‌ی تفاوت پوشش زن و مرد

شبهه: چرا حجاب زن و مرد تفاوت دارد و چرا باید مقدار پوشش بدن زنان بیش‌تر از مردان باشد؟ آیا این تفاوت غیر عادلانه و تبعیض‌آمیز نیست؟ [12]

پاسخ: احکام تشریحی اسلام، متناسب با ویژگی‌های تکوینی و به منظور تأمین مصالح و دفع مفسداتی است که افراد را تهدید می‌کند. تفاوت زن و مرد در بسیاری از احکام تشریحی، از جمله حجاب نیز نشأت گرفته از تفاوت‌های تکوینی آنها است.

تحقیقات علمی در فیزیولوژی و روان‌شناسی، در باب تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد، ثابت کرده است که مردان نسبت به محرک‌های چشمی حساس‌تر از زنانند و برعکس، زنان در مقابل محرک‌های لمسی حساسیت بیش‌تری دارند. [13]

تحقیقات و تجربه‌های علمی نشان می‌دهد که آن اندازه که مرد از نگاه کردن به تن و اندام زن تحریک می‌شود، زن از مشاهده‌ی مرد تحریک نمی‌شود. در روان‌شناسی جنسی نیز ثابت شده است که تمامی سطح بدن زن برای مرد محرک است، اما در مرد چنین نیست. [14]

دین مقدس اسلام نیز متناسب با ویژگی‌ها و تفاوت‌های تکوینی زن و مرد، احکام و تعالیم نورانی خود را تشریح کرده است؛ مثلاً برای حفاظت مردان از مفسد ناشی از حساسیت بیش‌تر آنان نسبت به محرک‌های چشمی شهوت‌انگیز، آنها را به مراقبت و کنترل بیش‌تر چشم در مواجهه با نامحرم مأمور کرده است. در حدیثی از امام رضا (ع) نقل شده است:

حُرِّمَ النَّظْرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمُحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَالْيَ غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُو إِلَيْهِ التَّهْيِيجُ مِنَ الْفَسَادِ؛ [15] خداوند نگاه کردن به موهای زنان ازدواج کرده‌ی محجوبه و غیر آنها را حرام کرده است؛ زیرا نگاه شهوت‌انگیز مردان، باعث تهییج جنسی، و تهییج جنسی باعث فساد است.

در مقابل، به دلیل لطافت و حساسیت بیش‌تر زنان نسبت به محرک‌های لمسی، برای حفاظت آنان از مفسد ناشی از این ویژگی، آنها را به حجاب و پوشش بیش‌تر در مواجهه با مردان نامحرم دستور داده است؛ به گونه‌ای که طبق فتوای مشهور فقها، زنان باید در مقابل نامحرم همه‌ی بدن، به استثنای وجه و کفین را بپوشانند؛ ولی این مقدار پوشش برای مردان واجب نیست؛ و این حکم اسلام، غیر عادلانه و تبعیض‌آمیز نیست؛ زیرا متناسب با ویژگی‌های متفاوت زن و مرد است.

نکته‌ی دیگری که تبیین‌کننده‌ی تفاوت حکم حجاب و پوشش زن و مرد از نظر اسلام می‌تواند باشد، تفاوت تکوینی و فطری آنها از نظر مقدار حیا و شرم است. در روایتی تصریح شده است: «الْحَيَاءُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ فَتَسَعُ فِي النِّسَاءِ وَ وَاحِدٌ فِي الرِّجَالِ» [16]: حیا و شرم ده قسمت است، که نه قسمت آن در زنان و یک قسمت آن در مردان است. آثار و شواهد تاریخ گذشته و حال پوشش زن و مرد نیز حاکی از این است که معمولاً پوشش زنان بیش‌تر از مردان بوده است؛ [17]

بنابراین، یکی از علل دیگر پوشش بیش تر زنان نسبت به مردان، زیاده‌ی حجب و حیای آنان نسبت به مردان است که در روایت به آن تصریح شده و تجربه و واقعیت خارجی نیز مؤید آن است.

کیفیت حجاب و پوشش فاطمه زهرا (س)

حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) به عنوان بهترین الگوی تربیتی زن مسلمان، در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم، چه نوع حجاب و پوششی داشته‌اند؟

در تاریخ نقل شده است که حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) وقتی می‌خواستند به بیرون منزل و نزد پیامبر اکرم(ص) بروند، از پوشش‌های خاصی، مثل جلباب (چادر) و برقع (روپوش صورت) استفاده می‌کردند؛ [18] علاوه بر این، یکی از حوادثی که بیانگر مقدار حجاب حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم است، آمدن ایشان به مسجد برای دفاع از قضیه‌ی فدک است. در داستان غم‌انگیز غصب فدک آمده است: وقتی ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند که حضرت را از فدک محروم نمایند، ایشان با شکل خاصی از حجاب و پوشش، برای دفاع از حق خویش از منزل به مسجد آمدند. راوی داستان، شکل خاص حجاب حضرت را این گونه توصیف نموده است:

لائت خمارها علی رأسها و اشتملت بجلبابها و اقبلت فی لمة من حفدتها و نساء قومها تطأ ذیولها؛ [19] حضرت زهرا (س) هنگام خروج از منزل مقنعه را محکم بر سر بستند و جلباب و چادر را، به گونه‌ای که تمام بدن آن حضرت را می‌پوشاند و گوشه‌های آن به زمین می‌رسید، به تن کردند و به همراه گروهی از نزدیکان و زنان قوم خود به سوی مسجد حرکت نمودند.

قضیه‌ی فوق‌گویی آن است که پوشش بیرون از منزل حضرت «خمار» و «جلباب» بوده که قرآن به عنوان حجاب زنان در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم از آن یاد کرده است.

رنگ جلباب و چادر قرآنی

چادر و جلباب قرآنی که حضرت فاطمه زهرا(س) در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم از آن استفاده کرده‌اند چه رنگی داشته است؟

قرآن به زبان عربی مبین نازل شده است و برای عرب زبانان قابل فهم بوده است؛ بنابراین، باید بررسی نمود که زنان صدر اسلام، که نخستین مخاطبان آیه‌ی جلباب بوده‌اند، از واژه‌ی جلباب چه برداشتی داشته‌اند و تبادل و سبقت ذهنی آنها از آن چه بوده است. در کتاب سنن ابی داود از امّ سلمه، همسر گرامی پیامبر اکرم(ص) قضیه‌ای نقل شده است که مبین تبادل ذهنی زنان عرب آن زمان است.

وقتی آیهی جلباب «يُدْنِينَ عَلَيْنَهُنَّ مِنَ الْجَلَابِيهِنَّ» [20] نازل شد، زن‌های انصار از خانه‌هایشان خارج شدند، در حالی که پوشش‌های مشکی داشتند؛ گویی کلاغ بالای سر آنها نشسته است. [21]

در کتاب عون المعبود، شرح سنن ابی داود در توضیح قضیه‌ی یاد شده، آمده است:

چون پوشش‌هایی که زنان انصار به عنوان جلابیب از آن استفاده کرده بودند دارای رنگ مشکی بوده است، آنان به کلاغ که رنگ آن مشکی است تشبیه شده‌اند. [22]

بعضی از تفاسیر مهم، مانند تفسیر الدر المنثور سیوطی، روح المعانی و تفسیر المیزان نیز در ذیل آیهی جلباب جریان تاریخی فوق را نقل کرده‌اند. علاوه بر شاهد تاریخی مذکور، که سکوت پیامبر اکرم(ص) در مقابل رنگ مشکی پوشش زنان انصار، نیز دلیل بر تقریر و تأیید آن است، شواهد لغوی فراوانی نیز برای اثبات این مدعا وجود دارد که اساساً در ریشه‌ی لغوی جلباب رنگ مشکی اخذ شده است؛ زیرا جلباب در لغت از ریشه‌ی جَلَب است و یکی از معانی جَلَب در بسیاری از کتاب‌های لغوی معتبر، تیرگی و سیاهی است [23]؛ مثلاً جَلَب اللیل به معنای سیاهی شب آمده است. ابن منظور، صاحب کتاب لغت معتبر لسان العرب، پس از نقل شعری که بخشی از آن «و جَلَب اللیل یطرده النهار» است تصریح نموده که گوینده‌ی شعر از جَلَب، سواد و سیاهی را اراده کرده است. [24]

علاوه بر این، در بعضی از کتاب‌های لغوی معتبر، شواهدی از زبان عربی نقل شده، که جَلَب در آنها به معنای تیرگی و سیاهی به کار رفته است؛ [25] هم‌چنین در برخی از کتاب‌هایی که درباره‌ی انواع لباس‌های اسلامی نوشته شده‌اند، جلباب به پوشش گسترده‌ی مشکی که زن روی لباس‌های دیگر می‌پوشد معنا شده است. [26]

از مجموع شواهد لغوی، تفسیری و تاریخی مذکور، به روشنی استفاده می‌شود که رنگ جلباب و چادر زنان عرب هنگام نزول آیه‌ی شریفه، مشکی بوده است؛ بنابراین، می‌توان گفت که چادر مشکی منشأ و ریشه‌ی قرآنی دارد.

حال که ثابت شد چادر مشکی ریشه‌ی قرآنی و اسلامی دارد، پرسش مهم این است که آیا حکومت اسلامی - که فلسفه‌ی وجودی آن اجرای احکام قرآن است و برای تحقق احکام اسلام و قرآن این همه شهید و جانباز تقدیم خدا و قرآن نموده است - می‌تواند در مراکز اداری خود، به عنوان مهم‌ترین مراکز الگوسازی، چادر مشکی را به عنوان حجاب برتر و یکی از ملاک‌های گزینش زنان مورد توجه قرار دهد یا خیر؟

پاسخ سؤال فوق مثبت است؛ زیرا پس از اثبات ریشه‌ی قرآنی و اسلامی برای چادر مشکی، وظیفه‌ی مسئولان یک حکومت قرآنی و اسلامی است که زمینه‌ی ترویج و تبلیغ عملی آموزه‌های قرآنی و از جمله استفاده از چادر مشکی را در مراکز اداری خود فراهم نمایند؛ و حتی هنگام گزینش کارمندان زن، التزام عملی به حجاب قرآنی و اسلامی را به عنوان یکی از ملاک‌های گزینش و ارزش‌یابی مورد توجه قرار دهند.

با توجه به آنچه ذکر شد پاسخ این پرسش و شبهه که «چرا چادر سیاه در ادارات ملاک ارزشیابی است»، [27] روشن می‌گردد.

نگاهی اجمالی به دیدگاه اسلام در باب پوشش مشکی

شبهه: آن گونه که بعضی ادعا کرده‌اند آیا از روایات می‌توان کراهت حجاب تیره، مثل چادر مشکی را اثبات نمود؟ [28]

پاسخ: اولاً، چگونه ممکن است که بر اساس ادله‌ی طرح شده در مباحث قبلی، رنگ جلاباب و چادر قرآنی، همانند رنگ چادرهای رایج فعلی مشکی باشد، ولی بتوان در روایات معصومین (ع) حدیث معتبری مخالف قرآن، درباره‌ی کراهت استفاده از چادر مشکی پیدا نمود؟ آیا ممکن است اهل بیت (ع) به عنوان بهترین مفسران و شارحان قرآن مجید، در احادیث خود مطلبی خلاف قرآن فرموده باشند؟ پر واضح است که پاسخ این سؤال منفی است؛ زیرا یکی از ملاک‌های صحت و سقم احادیث، موافقت و مخالفت محتوای آنها با قرآن است. بر اساس ملاک یاد شده، فرضاً اگر روایتی درباره‌ی کراهت پوشش مشکی بانوان وارد شده باشد فاقد ارزش و اعتبار است.

ثانیاً، روایاتی که از ظاهر آنها کراهت سیاه‌پوشی استفاده می‌شود، از نظر سند ضعیف‌اند. فقیه ژرف‌اندیش، مرحوم صاحب جواهر [29] و مرحوم خوبی [30] نیز به ضعف سندی روایات مورد نظر تصریح کرده‌اند؛ بنابراین، به دلیل ضعف سند، این گونه روایات قابل استناد نیستند و نوبت به بررسی دلالت آنها نمی‌رسد.

ثالثاً، ممکن است ادعا شود به دلیل متعدد بودن روایاتی که ظاهر آنها دلالت بر کراهت پوشش سیاه دارد؛ و نیز به دلیل این که ضعف سند روایات در مستحبات و مکروهات، مانند مورد بحث، خیلی مهم نیست، پس می‌توان در دلالت آنها بحث کرد.

با فرض صحت ادعای فوق، بر اساس فحص و جست‌وجوی مفصلی که در احادیث انجام گرفت، حتی یک حدیث درباره‌ی کراهت پوشش چادر مشکی بانوان نیافتیم؛ [31] بنابراین، همان گونه

که مرحوم صاحب جواهر فرموده‌اند، روایات مربوط به کراهت سیاه‌پوشی، شامل زنان نمی‌شود. ایشان در کتاب فقهی عمیق و معروف خود نقل کرده‌اند:

طبق تصریح کتاب‌های متعددی از علمای امامیه، کراهت پوشش سیاه مختص مردان است؛ زیرا شارع مقدس پوشش غلیظ‌تر و بیش‌تری برای زنان هنگام مواجهه با نامحرم قرار داده است [32] و رنگ مشکی، در مقایسه با رنگ‌های دیگر، به نحو بهتری پوشش غلیظ‌تر و بیش‌تر را تأمین می‌کند. [33]

بنابراین، طبق نقل مرحوم صاحب جواهر، کراهت پوشش مشکی، مختص مردان است.

به دلیل اختصاص کراهت پوشش مشکی به مردان، آن هم در غیر از کفش، عمامه و عبا، حتی یک نفر از فقیهان برجسته‌ی شیعه به کراهت چادر مشکی زنان فتوا نداده است، بلکه برعکس، بعضی از مراجع تقلید، مثل رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت الله خامنه‌ای به عدم کراهت چادر مشکی تصریح کرده‌اند و بعضی نیز، مانند آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله تبریزی بالاتر از عدم کراهت، به برتری حجاب با چادر مشکی فتوا داده و فرموده‌اند:

چادر مشکی بهترین نوع حجاب است. [34]

آیا می‌توان از ظاهر بعضی روایات، مثل روایت «پیامبر(ص) از پوشش لباس مشکی، غیر از سه مورد خفّ (نوعی کفش چرمی نازک) عمامه و کسا کراهت داشت»، [35] استفاده نمود که پوشش لباس مشکی به طور مطلق و مشترک برای مرد و زن کراهت دارد؟

اولاً، با فرض چشم‌پوشی از ضعف سند روایت فوق، تردیدی نیست که اساساً زن و مرد در برخی از موارد، از جمله پوشش و لباس، دارای احکام متفاوتی هستند؛ بنابراین، در خصوص احکام پوشش، نمی‌توان به قاعده‌ی اشتراک زن و مرد در احکام تمسک جست؛ مثلاً جامه‌ی زربافت و حریر برای زن جایز است، ولی برای مرد جایز نیست [36]. مقدار پوشش زنان، طبق نظر مشهور فقها، همه‌ی بدن به استثنای گردی صورت و دو دست از مچ تا نوک انگشتان است، [37] ولی مقدار پوشش مردان کم‌تر است؛ حتی از نظر رنگ پوشش نیز، استفاده از لباس احرام سفید برای مردان مستحب است، ولی زنان مجازند، به استثنای بعضی لباس‌های خاص مثل حریر محض، با هر لباسی، حتی دارای رنگ غیر سفید محرم شوند [38].

بنابراین، با توجه به احکام ویژه‌ی بانوان و آقایان در مورد لباس، نمی‌توان ادعا نمود که حکم کراهت در روایت فوق مطلق است و به طور مشترک شامل زن و مرد می‌شود.

ثانیاً، بر فرض بپذیریم که روایت مذکور، مختص بیان حکم رنگ پوشش مردان نیست و شامل زنان نیز می‌گردد، به دلیل روایاتی که ظاهر آنها کراهت خواندن نماز در لباس مشکی، به استثنای سه مورد است، [39] بعضی از فقها حکم کراهت لباس مشکی را نیز مختص به حالت نماز دانسته‌اند. [40]

ثالثاً، بر فرض که روایت مذکور عام باشد و به طور مشترک، شامل زنان و مردان و نیز حالت نماز و غیر نماز گردد، باز روایت یاد شده دلالت ندارد بر این که پوشیدن لباس مشکی، مانند چادر مشکی برای زنان کراهت دارد؛ زیرا در روایات متعدد که از نظر مضمون و محتوا با روایت مورد بحث موافق‌اند، سه نوع پوشش، به نام‌های خفّ، عمامه و کسا از کراهت استثنا شده‌اند؛ و با توجه به این که کسا از نظر لغت، و به قرینه‌ی حدیث شریف کسا، لباس بلندی است که تمام بدن را فرا می‌گیرد؛ بنابراین، عبا یا سیاه برای مردان و چادر مشکی برای زنان کراهت ندارد؛ و به نظر می‌رسد بر اساس همین استثنای کسا در روایت مورد بحث، هیچ یک از فقهای برجسته‌ی شیعه به کراهت پوشیدن چادر مشکی فتوا نداده است؛ بلکه برخی، چادر مشکی را بهترین نوع حجاب دانسته‌اند.

مگر کراهت رنگ مشکی در دین اسلام یک حقیقت نیست؟ پس کدام دلیل سبب می‌شود در یک جامعه‌ی اسلامی ما مبلغ رنگ سیاه شویم [41]؟

توضیح: پرسش‌کننده‌ی محترم با قطعی دانستن حکم کراهت رنگ مشکی به طور مطلق از نظر اسلام، این‌گونه القا نموده است که استفاده‌ی افراد از لباس تیره و مشکی، نوعی تبلیغ فاقد دلیل به حساب می‌آید. عبارت فوق متضمن دو پرسش است؛ لذا هر پرسش را به طور مستقل پاسخ می‌دهیم.

پرسش اول: مگر کراهت رنگ مشکی در دین اسلام یک حقیقت نیست؟

پاسخ: با فرض پذیرش کراهت اجمالی پوشش مشکی در دین اسلام، تردیدی نیست که حکم مذکور برای هر نوع لباس و برای همه‌ی افراد، اعم از زن و مرد، و برای همه‌ی زمان‌ها نیست؛ یعنی موارد متعددی از حکم کراهت سیاه‌پوشی استثنا شده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

الف) عدم کراهت بعضی از پوشش‌های مشکی خاص. قبلاً نقل شد که پیامبر اکرم (ص) از پوشش مشکی کراهت داشت، مگر در سه مورد: خفّ (نوعی کفش چرمی نازک)، عمامه و کسا [42]. (لباس بلندی که تمام بدن را می‌پوشاند و شامل عبا و چادر مشکی بانوان نیز می‌گردد)؛ بنابراین، چند پوشش مشکی استثنا شده، کراهتی ندارند.

ب) عدم کراهت لباس مشکی برای بانوان. تردیدی نیست که در اسلام پوشش زن و مرد از جهات مختلف، مثل نوع، مقدار و حتی رنگ، متفاوت است. همان گونه که قبلاً از مرحوم صاحب جواهر نقل شد، طبق تصریح کتاب‌های متعددی از علمای امامیه، کراهت پوشش مشکی، مختص مردان است، نه بانوان.

ج) عدم کراهت پوشش مشکی در مراسم عزاداری. استفاده از رنگ مشکی در مراسم عزاداری برای زنان و مردان کراهتی ندارد؛ از این رو، سیره‌ی عملی مردم متدین و حتی غیر متدین، پوشیدن لباس مشکی در این مراسم است. در «سفینه البحار» روایاتی ذکر شده است که بر جواز و مطلوبیت پوشیدن لباس مشکی در مراسم عزاداری دلالت دارد. [43]

با توضیحات فوق آشکار گردید که القای این فکر که کراهت رنگ مشکی در اسلام، یک حکم کلی و صددرصد است، غیر عالمانه و مغالطه‌آمیز است.

پرسش دوم: کدام دلیل سبب می‌شود که در یک جامعه‌ی اسلامی ما مبلّغ رنگ سیاه شویم؟

پاسخ: باید از ایشان سؤال کرد مراد شما از تبلیغ چیست؟

الف) اگر مراد شما تبلیغ نظری و علمی به صورت نوشتن کتاب و مقاله است، در پاسخ می‌گوییم:

اولاً، چنین تبلیغی غالباً در دفاع و پاسخ‌گویی از شبهات و سم‌پاشی بر ضد انواع حجاب اسلامی مثل چادر مشکی است.

ثانیاً، بر فرض که تبلیغ نظری و علمی، حتی به صورت غیر دفاعی و ابتدایی درباره‌ی چادر مشکی بانوان زیاد باشد؛ اگر این گونه تبلیغ مستند به ادله و شواهد قوی و با روش صحیح انجام گیرد، نباید از آن برآشفته شوید، بلکه اگر آن را قبول ندارید، به طور منطقی و استدلالی می‌توانید آن را نقد نمایید.

ثالثاً، ای کاش شما نیز به این پرسش پاسخ می‌دادید که با استناد به چه دلیلی در جامعه‌ی اسلامی به تبلیغ لباس‌های نازک، کوتاه و رنگارنگ برای بانوان و دختران اقدام می‌کنید؟ متأسفانه در اغلب مقالاتی که به تبلیغ لباس‌های مذکور پرداخته می‌شود، به جای برخورد اثباتی، یعنی ترویج و تبلیغ لباس مورد نظر خود با دلیل و منطق، غالباً از طریق سلبی، یعنی تخریب حجاب برتر، مثل چادر مشکی اقدام می‌شود. [44]

ب) اگر مراد شما از تبلیغ، تبلیغ عملی چادر مشکی در سطح جامعه است، باید گفت که به دلیل برخورداری حجاب مذکور از حمایت ادله‌ی عقلی و نقلی، این گونه تبلیغ هیچ منع عقلی و شرعی ندارد. با دقت در پاسخ فوق، نادرستی این سخن که چرا کسی برای این سؤال که چرا تیره پوشی تبلیغ و ترویج می‌شود پاسخی ندارد، [45] نیز آشکار می‌گردد.

شبهه: برخی با این عبارت که «در سال‌های نخست انقلاب اسلامی، بیش‌تر خانم‌ها از چادرهای رنگ روشن و گلدار استفاده می‌کردند که پوشش خوب و کاملی نیز بود»، [46] خواسته‌اند این شبهه را القا کنند که چادرهای زنان در سال‌های نخست انقلاب واجد چهارچوب شرعی بوده است. آیا ادعای مذکور درست است؟

پاسخ: اولاً، بر فرض پذیریم که خانم‌ها در اول انقلاب از چادرهای گلدار و رنگ روشن استفاده می‌کردند، مگر هر کاری که در سال‌های نخست و پرالتهاب انقلاب - که به طور طبیعی به دلیل مسائل روزمره و پیچیده‌ی انقلاب، فرصت تبیین و تعمیق مبانی دینی وجود نداشته است - توسط بانوان انجام شده است، شرعاً خوب و قابل دفاع است که اکنون پس از بیست سال، عمل کرد آن زمان، ملاک و معیار و حجت شرعی باشد؟ [47] روشن است که عمل مقطعی عده‌ای از زنان در سال‌های نخست پرالتهاب انقلاب، شرایط سیره‌ی متشرعه را ندارد تا قابل پذیرش باشد؛ و از این رو، نمی‌توان به آن استناد نمود؛ زیرا استفاده‌ی زنان از چادر رنگارنگ و گلدار در مواجهه با نامحرم، در صورتی که باعث جلب توجه نامحرم و تحریک مردان گردد، مخالف حجاب مورد قبول قرآن و سیره‌ی عملی فاطمه‌ی زهرا(س) و زنان انصار است، که در بیرون منزل از جلباب و چادر مشکی استفاده می‌کردند.

ثانیاً، داوری در باب پوشش خوب و کامل و شرعی، مسئله‌ای دقیق و پیچیده و تخصصی است که کارشناسان و متخصصان مسائل اسلامی، یعنی فقها و مراجع تقلید باید در مورد آن اظهار نظر نمایند [48]؛ همانند مسائل پزشکی که اموری تخصصی‌اند و افراد غیر متخصص در پزشکی، عقلاً و شرعاً مجاز به اظهار نظر درباره‌ی آنها نیستند.

[1]. کتابون میر شفیع، روزنامه‌ی نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، ص ۸، ستون سوم.

[2]. به استفتاءات پایان کتاب مراجعه گردد.

[3]. مرتضی مطهری، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله‌ی حجاب، ص ۱۳.

[4]. سوره‌ی نور (۲۴)، آیه ۳۱.

[5]. الخمار: ثوب تغطی به المرأة راسها والجمع خُمُر فیومی، المصباح المنیر؛ همچنین در مجمع البحرین طریحی، ذیل واژه‌ی خُمُر آمده است: قوله فلیضرن بخُمُرهن، ای مقانهن. خُمُر جمع خمار و هی المقنعه؛ همچنین ر.ک: شیخ طوسی، تفسیر تبیان، ج ۷، ص ۴۳؛ بانو امین، تفسیر مخزن العرفان، ج ۹، ص ۱۰۵، ذیل آیه‌ی شریفه‌ی ۳۱ نور، (آیه‌ی خمار).

[6]. «ما رأیت نساءً خیراً من نساء الانصار لما نزلت هذه الآية قامت كل واحدة منهنّ الی مرطها المرحل فصدعت منه صدعة فاخترمن، فاصبحن کانّ علی روسهنّ الغربان»: زمخشری، تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۲۳۱، ذیل آیه‌ی شریفه‌ی ۳۱ سوره‌ی نور. حدیث مذکور، با الفاظ و تعابیر مختلف در کتاب‌های متعدد، اهل تسنن آمده است؛ از جمله: صحیح البخاری، شرح العسقلانی، ج ۸، ص ۴۹؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۸۴، ذیل آیه‌ی شریفه‌ی خمار و المفصل فی احکام المرأة و البیت المسلم فی الشریعة اسلامیة، ج ۳، ص ۳۲۰.

[7]. المختمرة من الضان: السوداء و رأسها ابيض و من المعز ایضاً: خلیل، العین، ذیل ریشه‌ی خمر و الخمری من الالوان؛ الاسود الضارب الی الحمرة کلون الخمر الاسود: شرتونی، اقرب الموارد، ذیل ریشه‌ی خمر.

[8]. برای پی بردن به بعضی از نکات ر.ک: سید حسن مصطفوی، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» ذیل ریشه‌ی خمر.

[9]. سوره‌ی احزاب (۳۳)، آیه‌ی ۵۹.

[10]. برای آگاهی بیش تر ر.ک: «نقد ادله مخالفین چادر مشکی» روزنامه جمهوری اسلامی، ۳ و ۴ بهمن ماه ۷۹.

[11]. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۵.

- [12]. مقاله «آزادی و برابری زن در اسلام»، نشریه‌ی آوای زن، شماره‌ی ۲۱.
- [13]. غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶۳، به نقل از: «تفاوت‌های زن و مرد از نظر فیزیولوژی و روان‌شناسی»، دکتر محمود بهزاد، مجله‌ی نگین، شماره‌ی ۱۳۴، تیرماه ۱۳۵۵.
- [14]. غلامعلی حداد عادل، همان، ص ۶۴، به نقل از کتاب:
- the psycholojy of clothes**، ص ۱۰۷.
- [15]. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۰، روایت ۱۲.
- [16]. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۷۰، واژه‌ی حیاء.
- [17]. سید مهدی قانع، «انسان، پوشش و ریشه‌های تاریخی»، مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۱۹، ص ۶۸.
- [18]. صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۳: «فتجلیت بجلبابها و تبرقت ببرقعها و ارادت النبى(ص)».
- [19]. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۸.
- [20]. سوره‌ی احزاب (۳۳)، آیه‌ی ۵۹.
- [21]. لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «يَدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ» خَرَجَ نِسَاءُ الْاِنْصَارِ كَأَنَّ عَلِيَّ رُؤْسِهِنَّ الْغُرَبَانَ مِنْ اَكْسِيَّةٍ سَوْدٍ يَلْبَسْنَهَا: سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۸۲.
- [22]. عون المعبود، شرح سنن ابی داود، ج ۱۱، ص ۱۵۹.
- [23]. به عنوان نمونه ر. ك: لسان العرب، القاموس المحيط، اقرب الموارد، منتهی الارب فی لغة العرب، محیط المحيط، معجم الوسیط ذیل ریشه‌ی جلب.
- [24]. لسان العرب، ذیل ریشه‌ی جلب.
- [25]. العین خلیل و تاج العروس زبیدی، ذیل ریشه‌ی جلب.

[26]. الجلباب: كساء اسود تلبسه المرأة فوق ثيابها، الخطيب العدناني، الملابس و الزينة في الاسلام، (في اسماء و انواع الملابس القديمة و الحديثه)، ص ١٩٠.

[27]. فاطمه خاتمی، روزنامه‌ی ایران، شماره‌ی ١٦٢٧، ٢ مهرماه ٧٩، ص ٤.

[28]. فاطمه خاتمی، روزنامه‌ی ایران، شماره‌ی ١٦٢٧، ٢ مهر ماه ٧٩، ص ٤.

[29]. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ٨، ص ٢٣٣.

[30]. ابوالقاسم خویی، شرح عروه الوثقی، کتاب الصلاة، ج ١، مکروهات لباس مصلی.

[31]. برای آشنایی با این روایات ر.ک: فروع کافی، ج ٢، کتاب الصلاة باب اللباس الذي تکره الصلاة فيه و ما لا تکره، ص ٣٩٧، و کتاب الزی و التجمال باب لبس السواد، ص ٤٤٩؛ وسایل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ٣، کتاب الصلاة، ابواب لباس مصلی و مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، کتاب الصلاة، ابواب لباس مصلی.

[32]. بعضی از روایاتی که شارع مقدس در آنها پوشش غلیظ را در مواجهه با نامحرم خواسته و از پوشیدن لباس نازک نهی کرده است در زیر ذکر می‌شود:

(الف) عن امیرالمؤمنین(ع): من رق ثوبه ، رقّ دینه؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٢١١، و ج ٣، ص ٢٤٩.

(ب) عن ابی عبد الله علیه السلام قال: لا یصلح للمرأة المسلمة ان تلبس من الخمر و الدروع ما لا یواری شیئا؛ الحر العاملی، وسائل الشیعة، ج ٣، ابواب لباس مصلی، باب ٢١، حدیث ٢.

[33]. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ٨، ص ٢٣٥.

[34]. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ١، ص ٣٥، ٣٦ و ٣٨؛ ویزه نامه‌ی فرهنگ اسلام، بهار سال ١٣٧٩، ص ٧٠؛ هم‌چنین ر.ک: استفتانات آخر کتاب.

[35]. کان رسول الله(ص) یکره السواد الا فی ثلاث: الخفّ و العمامة و الکساء ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ٦، ص ٤٤٩، روایت ١.

[36]. ر.ک: توضیح المسائل مراجع تقلید، شرایط لباس نمازگزار؛ هم‌چنین کتاب «احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان» مطابق با نظرات آیات و مراجع تقلید، ص ٥٢ و ٥٧.

[37]. همان، صفحه‌ی ۶۲ - ۶۳.

[38]. صدوق، المقنع، ص ۲۲۹، و حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۱.

[39]. روی لا تصلّ فی ثوب اسود فأما الخفّ او الکساء او العمامه فلا بأس؛ شیخ کلینی، فروع کافی، ج ۳، ص ۴۰۳.

[40]. الطباطبایی الیزدی، العروة الوثقی، کتاب الصلاة، ص ۲۰۱، و شهید اول، الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۱۴۷.

[41]. گیو نمازی، روزنامه‌ی نوروز، ۸۰/۴/۱۸، ص ۸، ستون چهارم.

[42]. کلینی، فروع کافی، ج ۶، ص ۴۴۹، روایت ۱.

[43]. محدث قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۷، واژه‌ی سواد، و علی ابوالحسنی، سیاه‌پوشی در سوگ ائمه‌ی نور.

[44]. گیو نمازی، روزنامه‌ی نوروز، ۸۰/۴/۱۸، ص ۸، ستون اول.

[45]. همان.

[46]. فاطمه خاتمی، روزنامه‌ی ایران، ۷۹ / ۷ / ۲، ص ۴.

[47]. البته مخفی نماند که در حال و هوای اوایل انقلاب که زنان پس از ده‌ها سال بی‌حجابی زمان طاغوت، تازه به دوران انقلاب اسلامی قدم گذاردند، رعایت همان نوع و مقدار از حجاب نیز از سوی آنان قابل تقدیر است ولو این که حجاب آنها در حد حجاب شرعی برتر نبوده است.

[48]. در پیوست آخر کتاب، تعدادی از نظرات مراجع تقلید را به عنوان کارشناسان و متخصصان مسائل اسلامی حجاب و لباس آورده‌ایم.

فصل چهارم

تعارض نمایی حجاب و آزادی

فصل چهارم این نوشته به کالبدشکافی و پاسخ‌گویی به شبهات و پرسش‌هایی درباره‌ی رابطه‌ی آزادی و لباس و حق انتخاب پوشش توسط افراد، و برخی محدودیت‌های معقول و مشروع در امر حجاب و پوشش پرداخته است.

رابطه‌ی حد و مرزهای پوشش و عقده‌ها و حسرت‌ها

شبهه: محدودیت‌ها (در مورد لباس) باعث شکستن حرمت افراد و ایجاد عقده و حسرت می‌گردد؟ [1]

پاسخ: واقعیت این است که محدودیت‌ها (در مورد لباس) باعث شکستن حرمت افراد نمی‌شود، بلکه دقیقاً برعکس، آزادی به معنای نفی محدودیت‌ها، باعث عدم احترام به افراد و انهدام ارزش‌ها می‌گردد. برای تصدیق این سخن، کافی است نیم‌نگاهی به طرز لباس پوشیدن افراد در قسمت‌های مرفه‌نشین شهرهای بزرگ، مثل تهران بیفکنیم و ببینیم که چگونه این افراد با سوء استفاده از آزادی، ارزش‌ها و هنجارهای دینی مربوط به پوشش اجتماعی را که قانوناً ملزم به رعایت آن هستند، زیر پا می‌گذارند و حتی آنها را به تمسخر می‌گیرند.

اما این که گفته‌اند محدودیت در لباس، تنها باعث ایجاد عقده و حسرت در افراد می‌شود، کلامی مبهم است و معلوم نیست مراد گوینده، چه اشخاصی هستند؟ اگر مراد گوینده این است که محدودیت‌ها در مورد لباس زنان و دختران جوان، باعث شکل‌گیری عقده‌ها و حسرت‌های جنسی و روانی در پسران جوان می‌گردد، واقعیت این است که برعکس، آزادی پوشش به معنای نفی محدودیت در لباس بانوان و دختران جوان، باعث انعقاد حسرت‌ها در پسران می‌گردد، و با اندک تأملی تصدیق می‌گردد در جامعه‌ای که بخش عظیم آن جوانانی هستند که به دلیل شرایط سنی و تحریکات مختلف روانی به وسیله‌ی محصولات آلوده‌ی فرهنگی، مانند بعضی از فیلم‌ها، رمان‌ها و نوارهای مبتذل، در معرض طغیان غرایز جنسی هستند و از طرفی ازدواج نیز در جامعه بسیار سخت شده است، چگونه ممکن است آزادی پوشش دختران جوان و نفی محدودیت در لباس، باعث شکل‌گیری عقده‌ها و حسرت‌های روحی و روانی پسران جوان درباره‌ی مسائل جنسی نگردد.

چه زیبا، امام صادق(ع) در روایتی فرموده‌اند:

النظر سهم من سهام ابليس مسموم کم من نظره اورثت حسره طویلہ؛ [2] نگاه ناپاک، تیری از تیرهای مسموم و آلوده‌ی ابلیس است و چه بسیار نگاهی که باعث عقده و حسرت طولانی می‌گردد.

همین واقعیت در شعر شاعر این‌گونه بیان شده است:

زدست دیده و دل هر دو فریاد که هرچه دیده بیند دل کند یاد

ولی اگر مراد گوینده‌ی محترم این است که محدودیت در لباس و پوشش بانوان و دختران جوان، باعث شکل‌گیری عقده‌ها و حسرت‌هایی در خود دختران می‌گردد؛ چون در آرزوی پوشیدن لباس‌های رنگین و مدل‌های مختلف آن ناکام می‌شوند، در پاسخ می‌گوییم.

اولاً، در فرهنگ اسلامی و قرآنی، زنان نه تنها در استفاده از زینت‌آلات و لباس‌های زیبا منع نشده‌اند، بلکه تشویق نیز شده‌اند. جواز استفاده‌ی زنان از لباس زربافت و حریر، از جمله شواهد در نظر گرفتن علاقه‌ی فطری زنان به خودآرایی و زیباگرایی است.

امام باقر(ع) در روایتی فرموده است:

لا ینبغی للمرأة ان تعطل نفسها و لو ان تعلق فی عنقها قلاده؛ [3] سزاوار نیست زنی خود را بدون زیور واگذارد، لاقبل کردن بندی به گردن آویزد.

ولی اسلام در کنار توصیه‌ی زنان به خودآرایی، به منظور پاک ماندن محیط اجتماعی، به حجاب و پوشاندن زینت‌ها و زیبایی‌ها و عدم تبرّج و خودنمایی در مقابل نامحرم نیز دستور داده است؛ چون نمایش زینت‌ها و لباس‌های زیبا باعث تحریک و تهییج می‌شود.

و لا یبیدن زینتهن الا لبعولتهن [4] غیر متبرجات بزینة [5] و لا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى [6].

ثانیاً، رعایت اندازه و حدود لباس و پوشش، در معدودی از زنان و دختران که در اثر تربیت نادرست، حاضرند برای اشباع غریزه‌ی خودآرایی، زیبایی‌های ظاهری و باطنی خود را، حتی به مردان نامحرم نیز نمایش دهند، ممکن است عقده‌ها و حسرت‌هایی برای برخی ایجاد نماید،

ولی در مجموع، نمی‌توان انکار نمود که حجاب، دستوری حکیمانه است که برای سلامت روحی و روانی همهی پسران جوان و حتی زنان، خصوصاً گروهی که اندام و یا لباس زیبا ندارند مفید است. چه زیبا گفته است یکی از زنان مسلمان:

حجاب، حتی از ایجاد عقده‌ها و حسادت‌ها در میان زنان جلوگیری می‌کند. چرا باید زنی به خاطر این که اندام زیبا ندارد احساس حقارت و کوچکی کند و دیگری به واسطه‌ی داشتن اندام موزون و زیبا به دیگران فخر بفروشد. [7]

حدود آزادی اظهار نظر درباره‌ی حجاب و لباس

شبهه: بعضی با این عبارت که «اصلاً مگر ما حق داریم راجع به لباس پوشیدنمان نظر بدهیم؟» [8] خواسته‌اند این شبهه را القا کنند که افراد حق اظهار نظر درباره‌ی لباس را ندارند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: اولاً، واقعاً جای تعجب است؛ با وجود این که برگزاری هم‌اندیشی با حضور جوانان و انتشار نظرهای آنها در سطح عمومی به وسیله‌ی روزنامه، خود بهترین دلیل و شاهد است که جوانان حق اظهار نظر درباره‌ی لباس پوشیدن را دارند؛ لکن معلوم نیست چرا گوینده‌ی محترم به طور غیر واقعی، و به دور از صداقت، با تبلیغ به روش القایی در صدد تلقین وجود زور و فشار درباره‌ی لباس است.

ثانیاً، بدون تردید گوینده‌ی محترم قبول دارد که اظهار نظر نیز، همانند هر عمل دیگری باید مطابق قاعده و روشمند باشد؛ یعنی اظهار نظر در زمینه‌ی مسائل مهم و نیازمند کارشناسی مثل مسئله‌ی حجاب، حداقل باید براساس یکی از دو قاعده‌ی عقلایی زیر باشد:

الف) خود فرد در زمینه‌ای که اظهار نظر می‌کند متخصص و کارشناس باشد.

ب) به نظر متخصصان و کارشناسان، استناد و تکیه کند.

با دقت و مطالعه‌ی اظهار نظرهای افراد شرکت‌کننده در هم‌اندیشی، به روشنی فهمیده می‌شود که متأسفانه هیچ‌یک از دو قاعده‌ی عقلایی فوق در آن رعایت نشده است.

ثالثاً، درباره‌ی اظهار نظر افراد غیر متخصص، مثل جوانان شرکت‌کننده در هم‌اندیشی مذکور، سه دیدگاه مهم قابل طرح است:

الف) دیدگاه افراطی. دیدگاهی که می‌گوید افراد غیر متخصص نیز، حتی بدون استناد به نظر کارشناسان و یا حضور آنان در هر مسئله‌ی مهمی حق اظهار نظر دارند. برگزاری هم‌اندیشی جوانان درباره‌ی لباس، بدون حضور و نظر کارشناسان، و چاپ گزارش آن توسط روزنامه‌ی نوروز، مؤید این است که دیدگاه مذکور مورد قبول گزارش دهنده‌ی محترم و هم‌فکران ایشان است.

نقد: دیدگاه فوق قابل دفاع منطقی نیست؛ زیرا تردیدی نیست که اظهار نظر افراد ناآگاه درباره‌ی مسائل مهم و نیازمند کارشناسی، بدون استناد به نظر کارشناسان و بدون حضور آنها، باعث طرح نظرات نادرست در اذهان مردم، خصوصا جوانان می‌گردد. مهم‌تر این که وقتی این‌گونه نظرها در «روزنامه» منتشر گردد، پیامدهای منفی آن چندین برابر است؛ زیرا از مصادیق آشکار تشویش اذهان عمومی است.

ب) دیدگاه تفریطی. دیدگاهی که می‌گوید افراد به طور مطلق، هرگز حق اظهار نظر درباره‌ی هیچ مسئله‌ای را ندارند.

نقد: این دیدگاه نیز غیر منطقی است، و قابل دفاع عقلانی نمی‌باشد؛ زیرا مهم‌ترین لازمه‌ی منفی آن، احترام نگذاشتن به شخصیت افراد و تقویت استبداد رأی در جامعه است که امر مردودی می‌باشد. امیر مؤمنان امام علی(ع) در روایتی تصریح فرموده‌اند:

من استبداداً برآیه هلك و من شاور الرجال شارکها فی عقولها[9]؛ هر انسانی که استبداد به رأی داشته باشد هلاک و گمراه می‌شود؛ و هر کسی که با دیگران مشورت کند، در عقل‌های آنها شرکت جسته است.

ج) دیدگاه اعتدالی. دیدگاهی که می‌گوید افراد غیر کارشناس با استناد به نظر کارشناسان یا با حضور آنها، درباره‌ی مسائل مهم، از جمله لباس می‌توانند اظهار نظر کنند. این دیدگاه ایرادهای دو دیدگاه قبل را ندارد؛ بنابراین، دیدگاهی منطقی و قابل دفاع عقلانی است.

ما معتقدیم هم‌اندیشی جوانان درباره‌ی لباس اگر با مطالعه و تحقیق قبلی و با استناد به نظر کارشناسان و یا با حضور آنان برگزار می‌گردید، بسیاری از مطالب نادرست مطرح شده [10] با تذکرات و راه‌نمایی‌های آنها جرح و تعدیل می‌شد و فرهنگ‌سازی به مفهوم صحیح و دقیق آن صورت می‌گرفت.

رابطه‌ی حجاب و فشارهای اجتماعی

شبهه: بعضی با این عبارت که «نگاه ارزشی به رنگ، موجب شده تا افراد کنترل‌های محسوس و غیر محسوسی را بر نوع پوشش خود از سوی اطرافیان و محیط‌های مختلف احساس کنند» [11] خواسته‌اند این گونه القای شبهه نمایند که نگاه ارزشی از سوی افراد و محافل دینی به حجاب دارای رنگ تیره، مثل چادر مشکی باعث می‌شود افراد دیگری که از حجاب‌های غیر مشکی استفاده می‌نمایند تحت فشار اجتماعی، روحی و روانی قرار گیرند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: این که هنجارها، ارزش‌ها، آداب و رسوم هر جامعه‌ای یک نوع فشار روحی و روانی بر افراد مخالف با آن هنجارها وارد می‌نماید، اجماً مورد قبول است؛ ولی این مطلب اختصاص به عدم استفاده از چادر مشکی ندارد؛ زیرا اگر یک زن محجبه نیز بخواهد با چادر مشکی وارد یکی از شهرهای کشورهای اروپایی - که زنان آن جا معمولاً بی‌حجاب یا بدحجاب هستند و اساساً از چادر مشکی استفاده نمی‌کنند - وارد شود، یا مثلاً در داخل ایران، زن محجبه‌ای از یک شهر مذهبی با چادر مشکی وارد منطقه‌ای گردد که غالباً بدحجاب هستند و یا از چادر کم‌تر استفاده می‌کنند، با فشارهای اجتماعی که از ناحیه‌ی محیط بدحجاب بر او وارد می‌شود مواجهه است؛ بنابراین، وجود این گونه فشارهای اجتماعی نشأت گرفته از فرهنگ و آداب و رسوم جوامع، مختص زنان غیر محجبه نیست، بلکه امری عمومی است.

نکته مهم این است که نوع پوشش در جامعه‌ی اسلامی باید معقول و مشروع و قابل دفاع عقلانی و شرعی باشد. هر فردی باید با توجه به ملاک یاد شده عمل نماید و نیز تسلیم فشارهای اجتماعی نامشروع نگردد و به تعبیر قرآن، در راه خدا و احکام الهی تلاش کند و از سرزنش دیگران نهراسد:

یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومة لائم. [12]

در روایتی از امام کاظم (ع) در درباره‌ی چشم و هم‌چشمی نکردن و دهن‌بین نبودن و تسلیم فشارهای اجتماعی نامشروع نشدن، چنین آمده است:

یا هشام: لو کان فی یدک جوزة و قال الناس فی یدک لؤلؤة ما کان ینفعک و انت تعلم انها جوزة و لو کان فی یدک لؤلؤة و قال الناس انها جوزة ما ضرک و انت تعلم انها لؤلؤة؛ [13] ای هشام اگر گردویی داشته باشی و همه بگویند لؤلؤ است سودت ندهد و تو خود می‌دانی که گردوست و اگر لؤلؤی در دستت باشد و مردم بگویند گردوست، زیانت نرساند و تو خود می‌دانی که لؤلؤ است.

رابطه‌ی حجاب و پوشش و مسئله آزادی

شبهه: بعضی با این عبارت که «چرا نمی‌گذارند آن طور که دوست داریم لباس بپوشیم» [14] خواسته‌اند این گونه ادعا نمایند که در لباس پوشیدن آزاد نیستند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: اولاً، برخی عبارت‌های گوینده‌ی محترم، مثل این عبارت که «مونا شاهرخی و بهزاد خلیفه، همین لباسی را که پوشیده‌اند دوست دارند» [15] حاکی از عدم صحت ادعای فوق است؛ زیرا عبارت ذکر شده گویای این است که افراد یاد شده همان لباسی را که دوست دارند پوشیده‌اند و در پوشیدن لباس آزاد بوده‌اند.

ثانیاً، واقعیت خارجی، حاکی از لباس پوشیدن افراد براساس ملاک‌های مورد علاقه‌ی خود و با تفاوت بسیار از نظر جنس، مدل و رنگ است که روزانه در کوچه و خیابان نیز با آن مواجهیم، و برخی عبارت‌های روزنامه‌ی نوروز نیز تکذیب کننده‌ی ادعای یاد شده است؛ زیرا گزارش دهنده‌ی محترم نیز به یک دنیا تفاوت در لباس‌های افراد شرکت کننده در هم‌اندیشی که نمونه‌ی کوچکی از یک دنیا تفاوت در لباس پوشی افراد جامعه است تصریح کرده است «به نحوه‌ی لباس پوشیدن‌ها که نگاه می‌کنی متوجه کلی تفاوت می‌شوی. مهدی جبرکش را با تی شرت مشکی و شلوار جین می‌بینی که کنار امیر رسولی با پیراهن چهارخانه‌ای که یقه‌اش را کیب بسته نشسته است. بین لباس‌های ملیحه و کتابون یک دنیا تفاوت دیده می‌شود.» [16]

ثالثاً، اگر مراد گوینده این است که افراد به طور مطلق و بدون پذیرش هیچ حد و مرزی، هر لباسی را که دوست دارند بتوانند بپوشند ولو مطابق هنجارها و ارزش‌های معقول و مقبول جامعه نباشد، پاسخ این است که چنین آزادی مطلق وجود ندارد و به فرض وجود، معقول نیست. موجود نیست، چون ما عملاً مشاهده می‌کنیم حتی در کشورهایی، مثل فرانسه که می‌گویند مهد آزادی است چگونه از پوشش دلخواه دختران محجبه جلوگیری می‌کنند، اما معقول نیست؛ زیرا عقل نیز حکم می‌کند که تمام اعمال و رفتار اعضای جامعه، از جمله لباس پوشیدن، باید تحت ضابطه و قانون مشخص و معقولی انجام گیرد تا آن جامعه در فرهنگ پوشش دچار هرج و مرج نگردد.

رابعاً، اگر در موردی فردی دوست داشته باشد لباس خاصی را بپوشد، لکن خودش با تأمل و دلیل منطقی، یا با تذکر و راه‌نمایی دیگران، یا حتی تحت تأثیر فشار اجتماعی برآمده از فرهنگ صحیح جامعه و آداب و رسوم مردم، پوشش و حجاب منطقی دیگری را ترجیح داد، شبیه آنچه که در گزارش هم‌اندیشی نیز آمده است «ملیحه رضاخان با اشاره به مقنعه‌اش می‌گوید حقیقت

این است که می‌خواستیم روسری سر کنیم، اما فکر کردم شاید این جا (نشست هم‌اندیشی) زیاد خوب نباشد» [17] تردیدی نیست که در این گونه موارد، آزادی فرد سلب نشده است، بلکه فرد بر اساس پذیرش این اندیشه منطقی طرح شده در ضمن هم‌اندیشی «لباس خوب، لباسی است که در عین سادگی، مناسب هم باشد. هر لباسی برای جایی خوب است و باید عرف و فرهنگ را در انتخاب لباس رعایت کرد» [18] بلوغ فکری خویش را به نمایش گذاشته و به طور منطقی پذیرفته است که نباید تابع احساسات و علایق زودگذر بود، بلکه باید بر اساس ملاک و معیارهای معقول و مشروع، به تناسب هر جایی لباسی متناسب با آن را انتخاب کرد؛ و ممنوعیت استفاده از لباس شهرت در احکام نورانی اسلام نیز بر اساس همین نکته است. این عین حریت و آزادی مطلوب است که انسان خودش را از قید و بند شهوت و از جمله شهوت مدپرستی رایج در جامعه آزاد نماید و چه نیکو فرموده است امیر مؤمنان امام علی (ع):

من ترک الشهوات کان حراً؛ [19] هر کسی که شهوت‌ها و خواهش‌های نفسانی را ترک نماید، آزاد است.

سوء استفاده از عواطف مذهبی جوانان در مقوله‌ی حجاب

«دختری که در آرزوی پوشیدن یک بلوز بلند و شلوار گشاد است، نه نامسلمان است، نه بی‌دین و نه هرج و مرج طلب؛ بد نیست گاهی به صداقت او هنگام نماز هم ببندیشیم»: [20] چه مغالطات و سوء استفاده‌ای از عواطف مذهبی جوانان در تعبیر فوق صورت گرفته است؟

اولاً، ما نیز قبول داریم که هر دختر جوانی که در آرزوی پوشیدن لباس‌های فوق است، لزوماً نامسلمان و یا بی‌دین نیست، بلکه برعکس، معتقدیم چون زنان به طور فطری و غریزی بیش‌تر از مردان به خودآرایی و زیبایی خود اهمیت می‌دهند، در احکام نورانی اسلام که مطابق با فطرت انسان است با تشویق زنان به آرایش و خودآرایی، زمینه‌ی اشباع و پاسخ‌گویی این نیاز زنان به خوبی فراهم شده است؛ ولی اسلام علاوه بر نیاز فطری مذکور، نیاز فطری دیگر زنان به حجاب و پوشش را نیز در نظر گرفته است؛ و چه زیبا در احکام متعالی خویش بین دو نیاز فطری و غریزی زنان، یعنی نیاز به خودآرایی و نیاز به حجاب و پوشش جمع نموده است. از طرفی زنان را تشویق نموده که از زیورآلات و دیگر پوشش‌های زیبا استفاده نمایند و از طرف دیگر، به زنان دستور داده است از طریق حجاب و پوشش، از ارائه و نمایش آن به نامحرم و در نتیجه، تحریک روحی و روانی دیگران اجتناب نمایند.

ثانیاً، منکر صداقت جوانان عزیز نمازخوان در موقع نماز نیستیم، بلکه به صداقت آنان می‌اندیشیم و به آن احترام می‌گذاریم؛ ولی معتقدیم نباید آن گونه که عبارت گوینده‌ی محترم القا می‌کند، عواطف مذهبی جوانان، مثل صداقت در نماز، مورد سوء استفاده و مغالطه قرار گیرد.

ثالثاً، معتقدیم اگر صداقت در نماز همراه با عفت و نجابت در پوشش مقابل نامحرم نباشد، مقدار صداقت در نماز هم مورد تردید قرار می‌گیرد؛ زیرا احکام نورانی اسلام احکامی یک پارچه است که باید به تمام آنها مؤمن و عامل بود.

هم‌چنین معتقدیم اعمال صالح در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، به گونه‌ای که انجام یک عمل صالح در تشویق انسان به سمت کارهای صالح دیگر و ترک کارهای منکر و ناپسند مؤثر است؛ با این توضیح که مثلاً قرآن نماز را بازدارنده از کارهای ناشایست و نامطلوب معرفی می‌کند:

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ. [21]

و از طرفی چون قرآن شکل حجاب بیرون از منزل بانوان در مقابل نامحرم را مقنعه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» [22] و چادر «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» [23] معرفی می‌نماید؛ بنابراین، پوشیدن بلوز بلند و شلوار گشاد بدون مقنعه و چادر را برای بانوان و دختران جوان در مقابل نامحرم کاری ناشایست و نامطلوب می‌داند؛ زیرا باعث جلب توجه نامحرم و تحریک روحی و روانی می‌گردد، و روشن است که یک دختر متدین و نمازخوان، کاری که قرآن آن را نامطلوب می‌داند، انجام نخواهد داد.

لباس و پوشش و حق انتخاب آن

شبهه: بعضی با این عبارت «سیاه که در اسلام مکروه است. من نمی‌دانم! مقررات می‌گوید رنگ تیره، جوراب ضخیم، مانتوی بلند و گشاد، آستین بلند، شلوار پارچه‌ای گشاد، همین و همین و همین» [24] این گونه القای شبهه کرده‌اند که مقررات موجود لباس پوشیدن زنان در کشور، خلاف اسلام است. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

توضیح: نگارنده‌ی محترم به ناحق در بخشی از یک سناریوی خود ساخته، با قطعی گرفتن کراهت رنگ سیاه به طور مطلق از دیدگاه اسلام به مخاطب این گونه القا نموده که چون در مقررات فعلی، اصرار و اجبار بر استفاده از لباس‌های تیره و سیاه است؛ بنابراین مقررات موجود، خلاف اسلام است.

پاسخ: اولاً، واقعیت بیرونی لباس پوشیدن بانوان در سطح جامعه و استفاده از انواع و اقسام جوراب‌های نازک و مانتوهای کوتاه و شلوارهای تنگ با رنگ‌های بسیار متنوع، حاکی از این

است که یا اساساً مقررات یاد شده وجود خارجی ندارد، یا بر فرض وجود، متأسفانه به آن عمل نمی‌شود؛ ولی به هر حال، نتیجه‌ی هر دو احتمال مذکور واقعیت نداشتن اجبار بر پوشش خاصی است که عبارت گوینده‌ی محترم، به دروغ و به طور غیر واقعی القا کننده‌ی آن است.

ثانیاً، فرض می‌کنیم ادعای ایشان واقعیت خارجی داشته باشد، همان‌گونه که قبلاً گذشت حجاب تیره برای بانوان و دختران (در مواجهه با نامحرم) کراهتی ندارد؛ بنابراین، ادعای کراهت لباس تیره و مشکی برای بانوان و دختران اساساً نادرست است؛ اما موارد دیگر، مثل جوراب ضخیم، مانتوی بلند و غیره، چون در راستای تأمین حجاب بیش‌تر و بهتر بانوان است، مورد قبول اسلام است؛ لذا مقررات مذکور بر فرض وجود، خلاف اسلام نیست.

شبهه: بعضی با این عبارت که «باید به انسان دنیای امروز اجازه داد که خودش لباس انتخاب کند» [25] خواسته‌اند این شبهه را القا کنند که انسان امروزی در انتخاب لباس آزاد نیست و به او اجازه نمی‌دهند خودش لباس انتخاب کند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: اولاً، واقعیت خارجی رفتن افراد، اعم از مرد و زن، دختر و پسر، جوان و غیر جوان به مغازه‌های لباس فروشی و گاهی صرف ساعت‌ها وقت برای انتخاب یک مدل و رنگ خاص، حاکی از این است که افراد در انتخاب لباس آزادند؛ البته طبیعی است که در هر جامعه‌ای به تناسب هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه، نوع خاصی از لباس‌ها و پوشش‌ها در مغازه‌ها وجود دارد که به نحوی انتخاب افراد را محدود می‌کند، ولی این امر عمومی است و اختصاص به جامعه‌ی ما ندارد.

ثانیاً، در این که انسان موجودی انتخاب‌گر است، تفاوتی بین انسان امروز و دیروز نیست؛ مهم کیفی و ارزشمند بودن انتخاب است. دو شرط زیر در کنار یکدیگر یک انتخاب را کیفی و ارزشمند می‌کند:

الف) انتخابی که از روی شناخت و آگاهی صحیح و کامل صورت می‌گیرد.

ب) انتخاب آگاهانه‌ای که منجر به تأمین منافع و مصالح حقیقی انسان، اعم از منافع اخروی، دنیوی، فردی و اجتماعی گردد. در خصوص انتخاب لباس نیز همین دو شرط صادق است.

ثالثاً، فرض کنید دختر جوانی با لباس بسیار نازک و بدن‌نما از منزل بیرون بیاید؛ اگر از او سؤال کنید این چه نوع لباسی است که پوشیده‌ای؟ و او در جواب بگوید لباسی است که خودم انتخاب کرده‌ام؛ آیا عقل سلیم و شرع حکیم چنین اجازه‌ای به او می‌دهد که با لباس مذکور وارد جامعه شود و باعث تحریک و تهییج جنسی جوانان گردد؟ ما مطمئن هستیم که پاسخ شما نیز به این

سؤال منفی است؛ زیرا شما نیز انسان منطقی و معقولی هستید و چهارچوب‌های معقول و مشروع را قبول دارید.

[1]. مرتضی زنده‌دلان، روزنامه نوروز ۱۸ / ۴ / ۸۰، ص ۸.

[2]. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۵، کتاب النکاح، ص ۵۵۹، حدیث ۱۲.

[3]. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، کتاب النکاح، ص ۱۱۴، حدیث ۱.

[4]. سوره‌ی نور (۲۴)، آیه‌ی ۳۱.

[5]. سوره‌ی نور (۲۴)، آیه‌ی ۶۰.

[6]. سوره‌ی احزاب (۳۳)، آیه‌ی ۳۳.

[7]. فاطمه هرسن، حدیث هدایت در نشستی با چند تن از بانوان غیر ایرانی (اتریشی) اینک دیگر رو به شرق نماز می‌گذاریم، مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۴۶، دی ماه ۷۴، ص ۲۳.

[8]. گیو نمازی، هم‌اندیشی جوانان درباره لباس پوشیدن، روزنامه نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، ص ۸.

[9]. نهج‌البلاغه، تحقیق صبحی صالح، حکمت ۱۶۱، ص ۵۰۰.

[10]. ر.ک : مقاله‌ی نگارنده «هم‌اندیشی منطقی با جوانان درباره‌ی لباس» پاسخ به مقاله‌ی روزنامه‌ی نوروز با عنوان «هم‌اندیشی جوانان درباره‌ی لباس پوشیدن» روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، تاریخ ۱۹ و ۲۱ شهریور ۱۳۸۰.

[11]. اژدر شهابی، روزنامه‌ی آفتاب، ۲۴ شهریور ۱۳۸۰، ص ۶.

[12]. سوره‌ی مائده (۵)، آیه‌ی ۵۴.

[13]. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۴۵.

[14]. گبو نمازی، روزنامه‌ی نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، ص ۸، ستون دوم.

[15]. همان.

[16]. همان.

[17]. گبو نمازی، هم‌اندیشی جوانان درباره‌ی لباس پوشیدن، روزنامه‌ی نوروز ۱۸/۴/۸۰ ص ۸، ستون آخر.

[18]. همان.

[19]. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۳۵۲، واژه‌ی حریت.

[20]. گبو نمازی، روزنامه‌ی نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، صفحه‌ی ۸، ستون پنجم.

[21]. سوره‌ی عنکبوت (۲۹)، آیه‌ی ۴۵.

[22]. سوره‌ی نور (۲۴)، آیه‌ی ۳۱.

[23]. سوره‌ی احزاب (۳۳)، آیه‌ی ۵۹.

[24]. گبو نمازی، روزنامه‌ی نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، صفحه‌ی ۸، ستون اول.

[25]. گبو نمازی، روزنامه‌ی نوروز، ۱۸ / ۴ / ۸۰، صفحه‌ی ۸، ستون چهارم.

کارآمدی چادر و حجاب مشکی

علاوه بر فواید بسیار زیاد فردی و اجتماعی حجاب در شکل چادر، حجاب چادری بانوان در انقلاب‌های دینی، یک سمبل و نماد مبارزه با اهداف استعماری و استکباری نیز هست. قبلاً در فصل اول کلامی از فرانتس فانون درباره‌ی سمبل و نماد ضد استعماری بودن حجاب چادری زنان در انقلاب الجزایر بر ضد دولت فرانسه نقل شد. به اعتراف دشمنان انقلاب اسلامی، این سمبل و نماد بودن در مورد حجاب چادری بانوان ایرانی نیز وجود دارد. ریون کرکت (ادوارد شرلی) صهیونیست و مسئول سابق شبکه جاسوسی سیاه در ایران می‌گوید: «چادر نمادی است که وجود انقلاب را در سر هر چهار راه به نمایش می‌گذارد؛ با چادر می‌توان این احساس را پدید آورد که انقلاب اسلامی هنوز زنده و جاوید است» [1] به رغم این که دشمنان چنین صریح خشم خود را درباره‌ی چادر اظهار می‌دارند، متأسفانه عده‌ای در داخل در صدد مخدوش جلوه دادن کارآمدی حجاب در شکل چادر هستند؛ از این رو، فصل پنجم این اثر به بررسی کارآمدی حجاب و پوشش اسلامی در غالب چادر و چادر مشکی پرداخته است.

مسئله‌ی دست و پاگیر بودن حجاب در شکل چادر

شبهه: بعضی در کارآمدی چادر این گونه شبهه کرده‌اند که «این نوع حجاب دست‌وپاگیر است.» [2] آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: اولاً، گرچه حجاب در شکل چادر رایج ایرانی، ممکن است برای برخی افرادی که از سنین کودکی استفاده از آن را تمرین نکرده‌اند، مقداری مشکل باشد، ولی برای همه‌ی زنان، خصوصاً بانوانی که تجربه‌ی کافی استفاده از آن را دارند مشکل نیست. به همین دلیل اگر از زنان متدینی که از سنین قبل از بلوغ به استفاده از چادر عادت کرده‌اند سؤال شود که آیا استفاده از چادر برای شما دست و پاگیر است، پاسخ آنها منفی است.

ثانیاً، یکی از علل دست و پاگیر دانستن چادرهای ایرانی و سختی کنترل آن برای بعضی از بانوانی که خیلی استفاده از آن را تمرین نکرده‌اند، باز بودن جلوی آن است، که برای حل این مشکل نیز زنان و دختران می‌توانند از «عباءه» چادرهای مشکی زنان عرب که دارای آستین است استفاده نمایند که کنترل آن آسان است. هم اکنون نیز عده‌ای از زنان و دختران ایرانی از این نوع چادر استفاده می‌کنند.

حجاب مشکی در تابستان

شبهه: بعضی گفته‌اند: «چون رنگ مشکی نور را جذب می‌کند، پس در تابستان معمولاً نمی‌توان دختران را به حجاب تیره (مثل چادر مشکی) تشویق کرد».[3] آیا این ادعا صحیح است؟

پاسخ: اولاً، پوشش تیره و مشکی در بعضی از مناطق که دارای تابستان گرم است، اساساً برای دسته‌ای از بانوان و دختران باعث مشقت نیست و برای دسته‌ای دیگر، بر فرض مشقت‌آور بودن، قابل تحمل است.

دسته اول (کسانی که در تابستان گرم، حجاب مشکی برای آنها مشقت ندارد) بانوان و دختران معتقد و مؤمنی هستند که به نقش حجاب برتر، مثل چادر مشکی، اعتقاد و باور راسخ دارند؛ از این رو نسبت به بعضی مشکلات احتمالی آن، احساس مشقتی ندارند.

اساساً وقتی انسان عملی را از روی عقیده‌ی راسخ انجام دهد نسبت به عوارض و پیامدهای سخت آن احساس مشقتی ندارد. در سیره‌ی انبیای الهی و معصومین(ع)، اصحاب و یاران ائمه‌ی اطهار(ع) و عالمان مجاهد، نمونه‌های بسیار زیادی وجود دارد که در برابر مشقت‌های نشأت گرفته از پذیرش یک عقیده و ایمان، احساس مشقتی نداشته‌اند.[4]

در روایتی از امام صادق(ع) نیز تصریح شده است؛ «ما ضَعَفَ بدن عما قویت علیه النیة»؛[5] جسم و بدن انسان، در مقابل کارهایی که بر اساس نیت و اعتقاد درونی قوی انجام می‌گیرد، احساس ضعف و مشقت نمی‌کند.

در جریان اسارت زنان اهل بیت(ع) پس از قیام خونین عاشورا و هم‌چنین کشف حجاب زنان به وسیله‌ی رضاخان در ایران، حکایت‌ها و خاطرات تاریخی و ماندگار فراوانی از مقاومت و پایداری زنان مؤمن و عفیف در مقابل بی‌حجابی نقل شده است.[6] مطالعه‌ی این حکایت‌ها برای بانوان و دختران جوان و عفیف بسیار آموزنده و افتخار‌آمیز است.

از این قضایا به خوبی استفاده می‌شود که زنان مؤمن، نه تنها احساس مشقتی نسبت به حجاب نداشته‌اند، بلکه بر عکس، جدایی آنها از حجاب برتر، مثل چادر مشکی، باعث اذیت و آزار روحی آنان بوده است. در قضیه‌ی کشف حجاب رضاخان نقل شده است که برداشتن چادر از سر زنان باعث گردید که عده‌ای از آنها از شدت غصه و ناراحتی دق و فوت نمایند.[7]

اما دسته‌ی دوم (کسانی که ممکن است حجاب تیره و مشکی برای آنها مشقت داشته باشد، ولی سختی و مشقت آن را تحمل می‌کنند) بانوان و دخترانی هستند که به دلیل قرار داشتن در محیط

دینی و مذهبی خانواده و جامعه، از کودکی به این گونه حجاب عادت نموده‌اند؛ لذا در بزرگسالی، سختی احتمالی حجاب مشکی برای آنها قابل تحمل است.

در علم روان‌شناسی و تعلیم و تربیت، در مبحث عادت گفته می‌شود که اگر انسان از کودکی به انجام کاری عادت کرد، نه تنها انجام آن برایش مشقت‌آور نیست، بلکه برعکس، ترک و جدایی از آن عمل برایش مشقت دارد. همین نکته‌ی مهم، رمز و راز توصیه‌ی ائمه‌ی اطهار(ع) به والدین در عادت دادن فرزندان به کارهای شایسته‌ای، مثل نماز و اذکار آن و روزه‌ی ناقص در سنین کودکی است. [8] بر اساس همین تأثیر شگرف مقوله‌ی تمرین و عادت متربی به کارهای شایسته، و به موازات آن آگاهی بخشی درباره‌ی آثار مثبت کارهای خیر است که معمولاً در کتاب‌های تربیت اسلامی از روش‌های تربیتی، هم چون «تلقین به نفس» و «تحمیل بر نفس» در کنار دیگر روش‌های تربیتی مهم، مثل «اعطای بینش» بحث می‌شود. [9]

بنابراین، با استثنا شدن دو دسته‌ی قبل نمی‌توان به طور مطلق و کلی ادعا نمود که حجاب مشکی در تابستان مناطق گرم، برای همه‌ی بانوان و دختران، فارغ از هر مقدار اعتقاد دینی و هر نوع محیط تربیتی مشقت دارد و نمی‌توان به آن تشویق کرد.

ثانیاً، اجمالاً می‌پذیریم که ممکن است حجاب مشکی در تابستان برخی از مناطق بسیار گرم برای بعضی از افرادی که از دو دسته‌ی قبل نیستند مشقت‌آور باشد، ولی نمی‌پذیریم تحمل هر گونه مشقت و سختی به طور مطلق غیر معقول و نامطلوب باشد. طبق آموزه‌های معصومین(ع) که تجربه‌ی زندگی انسان‌ها و واقعیت خارجی نیز مؤید آن است، اساساً زندگی دنیا بدون سختی و مشقت وجود خارجی ندارد. در احادیث، دنیا خانه‌ی محنت و سختی معرفی شده است: «الدنيا دار المحنة» [10] و «دار بالبلاء محفوفة» [11] فلسفه و رمز و راز آمیختگی دنیا با سختی و مشقت نیز این است که انسان در وصول به سعادت الهی که برای آن خلق شده است به تحمل سختی‌هایی که سازنده‌ی کمال انسانی هستند نیازمند است و به تعبیر قرآن، چه بسا کاری دارای سختی باشد و انسان از انجام آن اکراه داشته باشد، ولی خداوند خیر و نیکی انسان را در آن قرار می‌دهد:

فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا. [12]

علاوه بر این در متون دینی، دست‌یابی به کرامت‌ها و بهشت جاودان در گرو تحمل سختی دانسته شده است:

المكارم بالمكاره [13] بالمكاره تنال الجنة. [14]

اساساً فلسفه‌ی همراهی بعضی از احکام و تعالیم، مثل روزه، حجاب و جهاد با کلفت و سختی، در واقع، برای تأمین نیازمندی مذکور بدون هیچ‌گونه تبعیض بین زن و مرد است؛ مثلاً اگر استفاده از حجاب کامل در تابستان مناطق گرم برای برخی بانوان و دختران با سختی و مشقت همراه است، طبق گفته‌ی قرآن کریم، بعضی از احکام الهی ویژه‌ی مردان، مانند جهاد نیز با سختی و مشکلات همراه است:

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهُ لَكُمْ. [15]

نکته‌ی جالب این است که همان‌گونه که بعضی افراد، امروزه به بهانه‌ی گرما، در حجاب و پوشش زنان در تابستان تشکیک می‌نمایند، طبق فرموده‌ی قرآن، عده‌ای راحت‌طلب برای جهاد مردان در هوای گرم نیز تشکیک می‌کرده‌اند و می‌گفتند در هوای گرم برای جهاد کوچ و هجرت نکنید «قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ» [16] که خداوند به پیامبر(ص) می‌فرماید در جواب آنها بگو:

نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ: [17] اگر می‌دانستند حرارت آتش جهنم از حرارت گرمای تابستان بیش‌تر است.

علاوه بر نقل، عقل نیز در مواردی که تحمل سختی در زندگی دنیا باعث دست‌یابی به هدف والاتر و بالاتر است، حکم به مطلوبیت آن می‌کند؛ مثلاً اگر تأمین سلامت جسمانی انسان، به عنوان هدفی مهم، به انجام عمل جراحی سخت یا خوردن فلان داروی بسیار تلخ و مشقت‌آور نیازمند باشد. عقل و نقل هر دو حکم به لزوم تحمل سختی و مشقت می‌کنند، تا غرض بالاتر، که حفظ سلامتی جسمانی است، تأمین گردد.

چون شارع مقدس به عنوان یک طیب روحانی [18] تشخیص داده است که سلامت روحی و روانی افراد جامعه متوقف بر رعایت حجاب برتر، مثل چادر مشکی در مقابل نامحرم است، لذا پوشش چادر مشکی، حتی در هوای گرم، عقلاً و نقلاً امری راجح و مطلوب است؛ و برخلاف شبهاتی که بعضی با تبلیغات القایی منفی، به منظور فرهنگ‌سازی بر ضد چادر مشکی منتشر می‌کنند، تجربه‌ی بیش از بیست سال پس از انقلاب اسلامی و گسترش سریع استفاده از چادر مشکی در بین زنان و دختران مؤمن و عقیف، خود بهترین شاهد است که استفاده از این نوع حجاب مشکل نیست، و لذا قابل تشویق است. براساس نظرسنجی و تحقیقی که به تازگی صورت گرفته است ۶۵ درصد از پاسخ‌گویان، استفاده از چادر مشکی را در مجامع عمومی پسندیده‌اند. [19]

علاوه بر عقل، ائمه (ع) و خاندان اهل بیت نیز نظراً و عملاً انسان را به تحمل مشکلاتی، که در راستای سعادت و تکامل جسمانی و روحانی اوست، تشویق نموده‌اند. در بُعد نظری، امام علی (ع) در وصیتی به فرزند خود، امام حسن (ع) فرموده‌اند:

عَوِّدْ نَفْسَكَ التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ؛ [20] نفس خود را به صبر و بردباری بر کار سخت عادت بده.

در روایت دیگری، ایشان کارهایی را که انسان با اکراه و سختی بر خویشتن تحمیل می‌نماید از بهترین اعمال دانسته‌اند:

أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ. [21]

در بُعد عملی نیز، فرزند امام سجاد (ع) می‌فرماید:

وقتی جدم امام حسین (ع) شهید شد، زنان بنی هاشم در عزای حضرت، لباس مشکی پوشیدند و این لباس را در گرما و سرما تغییر نمی‌دادند. [22]

حاصل این که صرف سخت بودن بعضی از احکام، مانند پوشیدن چادر مشکی در هوای گرم، باعث نمی‌شود که این گونه حجاب قابل ترویج و تشویق نباشد.

رابطه‌ی حجاب مشکی و بیماری‌های استخوانی

شبهه: بعضی این گونه ادعا کرده‌اند که استفاده از لباس‌های با رنگ سیاه (مانند مقنعه و چادر مشکی) روی سلامتی خانم‌ها تأثیر منفی دارد و باعث بیماری‌های استخوانی می‌گردد. [23] آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: اولاً، اگر گوینده‌ی محترم با استناد به پژوهش‌های میدانی مشخص و متعدد ادعا کرده بود که پوشش لباس‌های مشکی، علت ایجاد بیماری‌های استخوانی است، آن وقت در حد یک احتمال می‌توانستیم به ادعای مذکور توجه و آن را مورد مطالعه و بررسی بیش‌تر قرار دهیم؛ ولی از آن جایی که ادعا کننده هیچ دلیل و مدرک علمی معتبری برای ادعای خود ارائه نکرده است؛ بنابراین، ادعای ایشان فاقد دلیل و مدرک، و در نتیجه، فاقد ارزش و اعتبار علمی است.

ثانیاً، برعکس ادعای فوق، کارشناسان، وجود رابطه‌ی بین پوشش لباس‌های مشکی و ایجاد بیماری‌های استخوانی را انکار کرده‌اند. «استفاده از چادر و مقنعه - که مصداق بارز و رایج آن در جامعه‌ی امروزی ما چادر و مقنعه‌ی مشکی است - بیماری استخوانی ایجاد نمی‌کند.» [24]

رابطه‌ی حجاب مشکی و افسردگی و اندوهناکی

شبهه: بعضی افراد این گونه ادعا کرده‌اند که استفاده‌ی مکرر از لباس‌هایی با رنگ تیره و سیاه (مثل مقنعه و چادر مشکی) می‌تواند به افسردگی بینجامد. [25] آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: از دو کلمه‌ی «مکرر» و «می‌تواند» فهمیده می‌شود که ایشان دو مطلب را قبول دارد.

مطلب اول: ادعا کننده‌ی محترم قبول دارد که اگر استفاده از پوشش و لباس سیاه، مثل چادر مشکی، به طور مکرر و دایمی نباشد، بلکه فقط در بیرون از منزل و در مواجهه با نامحرم باشد، باعث افسردگی نخواهد بود.

مطلب دوم: از کلمه‌ی «می‌تواند» می‌فهمیم ادعا کننده‌ی محترم قبول دارند که حتی استفاده مکرر و دایمی از لباس سیاه فقط، به طور احتمالی ممکن است به افسردگی منجر شود؛ یعنی این گونه نیست که بین پوشش مکرر و دایمی لباس تیره و مشکی و افسردگی رابطه‌ی قطعی و لزومی باشد.

بنابراین، مدعای ایشان مبین یک رابطه‌ی احتمالی بین استفاده‌ی مکرر از لباس سیاه و افسردگی است؛ ولی همین رابطه‌ی احتمالی نیز نادرست است؛ زیرا:

اولاً، ادعا کننده‌ی محترم، حتی برای اثبات همین رابطه‌ی احتمالی نیز دلیل و مدرک ارائه نکرده است؛ بنابراین، کلام ایشان مدعایی بدون دلیل و مدرک و در نتیجه، فاقد ارزش و اعتبار علمی است.

ثانیاً، همین رابطه‌ی احتمالی و بدون دلیل و مدرک گوینده‌ی محترم نیز نادرست است؛ زیرا یکی از روان‌پزشکان معتقد است «این حرف که پوشش تیره بانوان یا آقایان در جامعه دلیل افسردگی است کاملاً سخن غلطی است و هیچ پایه‌ی علمی ندارد»؛ [26] هم‌چنین بر اساس نتایج مشورت‌های علمی که نگارنده با بعضی از روان‌شناسان و روان‌پزشکان انجام داده، ممکن است افسردگی بعضی از افراد، علت تمایل آنها به پوشش سیاه باشد، ولی پوشش سیاه افراد علت ایجاد افسردگی آنها نیست؛ [27] و بین این دو نکته تفاوت بسیار ظریفی است و خلط بین آن دو باعث اظهار نظر نادرست ادعا کننده‌ی محترم گردیده است.

اگر ادعا شود که همین تمایل احتمالی بعضی افراد افسرده به پوشش سیاه نیز مبین نوعی رابطه‌ی اجمالی بین افسردگی و پوشش تیره و مشکی است، باید گفت:

اولاً، رابطه‌ی فوق نیز، مانند رابطه‌ی قبلی، احتمالی و بدون ارائه‌ی دلیل و مدرک است و در نتیجه فاقد ارزش و اعتبار علمی است.

ثانیاً، بر فرض که رابطه‌ی احتمالی مذکور، با پژوهش‌های میدانی تأیید شود، باز هم نتیجه‌ی این پژوهش‌ها قطعی و قابل اعتماد نخواهد بود؛ زیرا کنترل تمامی عوامل و علایم تأثیرگذار در نتایج پژوهش‌های میدانی بسیار مشکل است.

توضیح مختصر این که، افسردگی از بیماری‌های روحی و روانی بسیار پیچیده‌ای است که دارای عوامل و علایم و تظاهرات رفتاری مختلف و حتی متضاد است؛ مثلاً بعضی افراد افسرده ممکن است به بی‌اشتهایی و عده‌ای دیگر به پر خوری متمایل شوند. در خصوص پوشش نیز ممکن است بعضی از افراد افسرده، به پوشیدن لباس تیره و عده‌ای نیز به لباس‌هایی با رنگ غیر تیره تمایل پیدا کنند؛ بنابراین، حتی استناد به پژوهش‌های میدانی نیز اثبات‌کننده‌ی مدعای مذکور نخواهد بود.

پس استفاده از چادر مشکی برخلاف ادعاهای به ظاهر علمی بعضی از افراد، نه تنها عارضه‌ی منفی ندارد، بلکه با فلسفه‌ی حجاب و پوشش زنان در مقابل نامحرم، یعنی عدم تهییج و تحریک و ایجاد آرامش روانی در جامعه نیز سازگار است. امروزه در روان‌شناسی رنگ‌ها، این که رنگ مشکی رنگی صامت و غیر فعال است و باعث تحریک و جلب توجه نمی‌شود، یک واقعیت مسلم است. در کتاب *روان‌شناسی رنگ‌ها* درباره‌ی رنگ سیاه گفته شده است که «سیاه نمایانگر مرز مطلق است»؛ [28] بنابراین، فردی که در مقابل نامحرم و در بیرون منزل، از حجاب مشکی استفاده می‌کند با این کار، مرز مطلق و کاملی بین خود و افراد نامحرم ایجاد می‌نماید. وقتی که خانمی در بیرون منزل چادر مشکی به سر می‌کند، می‌خواهد نشان دهد که نامحرم حق ندارد به این حریم نزدیک شود؛ زیرا این حریم، حریم حیا و عفت است، نه جای بی‌حیایی و هرزگی و هوس‌بازی؛ او با حجاب مشکی خود می‌خواهد نگاه تیز هرزگی و ابتذال را بشکند و نگذارد نامحریمی در حریم عفت و پاکی و نجابت او وارد شود و حرمت او را از بین ببرد.

هم‌چنین در روان‌شناسی رنگ‌ها آمده است که سیاه به معنای «نه» بوده و نقطه‌ی مقابل «بله» یعنی رنگ سفید است؛ [29] بنابراین، وقتی بانوان در مقابل نامحرم از حجاب مشکی استفاده می‌کنند، در واقع می‌خواهند به او «نه» بگویند؛ و در مقابل، آنهایی که لباس سفید می‌پوشند، در واقع راه نگاه‌ها را به سوی خود باز می‌گذارند و آنهایی که لباس‌های رنگارنگ و جذاب می‌پوشند خواسته یا ناخواسته خود را در معرض نگاه‌های هرزه و آلوده قرار می‌دهند. از نظر روانی نیز وقتی انسان پارچه‌ی مشکی را می‌بیند، دیگر چندان رغبتی برای نگاه کردن ندارد و خودبه‌خود نظر را برمی‌گرداند؛ و در مقابل، نگاه به رنگ‌های روشن چشم را باز می‌کند و برای

دیدن و استمرار آن رغبت ایجاد می‌کند؛ و استفاده‌ی بانوان از لباس‌های رنگارنگ نیز باعث جلب توجه مردان نامحرم می‌گردد.

در حدیثی نقل شده است:

حضرت موسی(ع) در یکی از مجالس خود نشسته بود که ناگهان ابلیس در حالی که کلاه رنگین بر سر داشت وارد شد؛ وقتی به حضرت موسی(ع) نزدیک شد، کلاه رنگین خود را برداشت و به حضرت موسی(ع) سلام کرد. حضرت موسی(ع) پرسید: تو کیستی؟ گفت: من ابلیس هستم. حضرت موسی(ع) گفت: خدا تو را هلاک کند، برای چه نزد من آمده‌ای؟ ابلیس گفت: به خاطر مقام و منزلت تو در نزد خدا، آمدم سلامی به تو بگویم. آن حضرت سؤال کرد: آنچه بر سر داری (کلاه رنگارنگ) برای چیست؟ ابلیس در پاسخ گفت: به وسیله‌ی آن قلوب فرزند آدم را می‌ربایم. [30]

بدون تردید، همان‌گونه که دنیا، در شکل کلاه رنگارنگ ابلیس، باعث فریفته شدن عده‌ی فراوانی می‌گردد، مظاهر رنگین دنیا، مثل لباس‌های رنگارنگ در اندام زنان و دختران جوان نیز، باعث فریفتگی مردان و جوانان می‌گردد و هیچ انسان منصفی در این مطلب تردید ندارد.

با توجه به آنچه در مباحث قبل گذشت که رنگ حجاب قرآنی (خمار و جلباب) نیز - آن‌گونه که از شواهد لغوی، حدیثی و تاریخی استنباط می‌گردد - مشکی بوده است؛ و با عنایت به آنچه بیان شد که از نظر روان‌شناسی، رنگ مشکی رنگی صامت و غیر فعال است و این ویژگی در تأمین فلسفه‌ی حجاب بانوان نقش بسیار مؤثری دارد. باید به نگاه روان‌شناسانه‌ی عمیق وحی قرآنی و به انتخاب زنان مسلمان و ایرانی آفرین گفت که در زمانی که هنوز روان‌شناسی در غرب از مادر علم متولد نشده بود، مادران و بانوان مسلمان و ایرانی به برکت تقوای الهی و نورانیت تعالیم دین مبین اسلام، روان‌شناسانه‌تر از دانشمندان امروزی، چادر مشکی را برای حجاب بیرون از منزل خویش انتخاب نموده‌اند. [31]

شبهه: برخی با این عبارت که «فریاد شادی‌ام را آوای شوم می‌دانند. چشم‌هایم را به روی شادی می‌بندند. من می‌خواهم سپید بپوشم، شاد باشم، شادی کنم.» [32] خواسته‌اند ادعا نمایند که سفیدپوشی شادی‌آور و بالعکس سیاه‌پوشی، باعث حزن و اندوه می‌گردد. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ: اولاً، وارد نمودن اتهام مخالفت با شادی به عده‌ای نامعلوم، روش معقول و منطقی نیست. ای کاش گوینده‌ی محترم مرجع ضمیرهای «می‌دانند» و «می‌بندند» در عبارت فوق را مشخص

می نمود، تا به طور صریح و شفاف می توانستیم با ایشان گفت و گوی منطقی داشته باشیم؛ به هر حال چون مخاطب اتهام یاد شده معلوم نیست، از بررسی آن صرف نظر می کنیم.

ثانیاً، این که گفته اند می خواهند لباس سپید بپوشند، باید گفت نوع و رنگ پوشش افراد، اعم از زن و مرد، در هر جامعه ای، متأثر از عوامل و شرایط مختلف شغلی، زمانی، مذهبی و غیره است؛ [33] مثلاً پزشکان و پرستاران در محیط کار خود از لباس سفید استفاده می کنند؛ دختران جوان، هنگام عروس شدن لباس سپید می پوشند و سپس آن را کنار می گذارند؛ رهبران دینی و طلبایی که از سلسله ی جلیله ی سادات هستند، به طور دایمی از عمامه ی سیاه رنگ استفاده می کنند؛ برای مردان در مراسم احرام حج مستحب است لباس سپید بپوشند، ولی به دلیل حساسیت بیش تر نسبت به حجاب و پوشش زنان، به آنها شرعاً اجازه داده شده از همان لباس معمولی، ولو این که رنگ آن سپید نباشد، استفاده کنند. [34]

علاوه بر این، همه ی افراد، اعم از زن و مرد، از پوشیدن لباس شهرت؛ یعنی لباسی که مطابق شأن افراد نیست و باعث انگشت نما شدن آنان می گردد منع شده اند؛ [35] و واضح است که رنگ های غیر متعارف یکی از عوامل تحقق لباس شهرت می باشد.

حاصل این که ایشان، همانند هر فرد دیگری، خواه به عنوان یک فرد متدین و خواه به عنوان یک شهروند ایرانی، در مورد استفاده از لباس سپید، متأثر از عوامل مختلف یاد شده هستند و این مطلب منحصر به ایشان نیز نمی باشد، بلکه همه ی افراد در همه ی جوامع در انتخاب نوع و رنگ پوشش، متأثر از عوامل و شرایط متعددی شبیه عوامل و شرایط فوق هستند.

این که گفته اند می خواهند شاد باشند و دیگران را نیز شاد کنند، بسیار مطلوب است. از نظر اسلام عزیز و احکام نورانی و مترقی آن نیز، شاد بودن و شاد کردن دیگران بسیار مورد تشویق و توصیه قرار گرفته است، [36] ولی آنچه در این جا شایسته ی توضیح می باشد دو نکته ی بسیار مهم است:

نکته ی اول: عده ای با پذیرش این پیش فرض که استفاده از لباس مشکی، لزوماً نشانه ی عزا و فقدان شادی است، تلاش می کنند افراد استفاده کننده از لباس های مشکی را افراد غمگین، و افراد استفاده کننده از لباس های رنگین را افراد شاد بدانند؛ [37] حال آن که این تصور و پیش فرض، نادرست است؛ زیرا نه همه ی افرادی که از لباس های مشکی استفاده می کنند، لزوماً افراد غمگین اند، و نه همه ی افرادی که از لباس های رنگین استفاده می کنند، لزوماً افراد شادی هستند؛ زیرا در جوامع و گروه های مختلف، لباس مشکی علامت و نشانه ی امور مختلفی قرار گرفته است؛ گاهی لباس مشکی علامت و شعار عده ی خاصی بوده است، مثل بنی عباس که پوشش مشکی شعار آنان بوده است، یا مثل سلسله ی جلیله ی سادات روحانی که استفاده از

عمامه‌ی مشکی، علامت سیادت برای آنان است. براساس روایات، پیامبر اکرم(ص) نیز از عمامه‌ی مشکی استفاده می‌کردند. [38]

گاهی از نظر عده‌ای پوشیدن لباس مشکی نشانه‌ی زیبایی است؛ [39] گاهی پوشش مشکی، نشانه‌ی وقار و سنگینی است، مثل هنگامی که بانوان از این پوشش در بیرون منزل استفاده می‌کنند؛ پس این که بعضی خیال می‌کنند التزام به پوشیدن چادر مشکی، منافعی با شادمانی و ملازم با غم و اندوه و افسردگی است، تصور صحیحی نیست؛ دین و مذهب و پای‌بندی به احکام آن، مثل رعایت حجاب برتر و استفاده از چادر مشکی، باعث آرامش روحی و روانی خود بانوان و دیگر افراد جامعه است. قبلاً درباره‌ی یافته‌های روان‌شناسی رنگ‌ها در باب مطلوبیت رنگ مشکی برای حجاب بانوان در بیرون منزل و مطلوبیت این نوع حجاب از نظر متون دینی مطالبی نقل شد. دلیل کارنگی درباره‌ی هماهنگی و تناسب بین یافته‌های علوم جدیدی، مثل روان‌پزشکی و تعلیم پیامبران(ص) چنین گفته است:

امروز جدیدترین علم، یعنی روان‌پزشکی همان چیزهایی را تعلیم می‌دهد که پیامبران به مردم آموختند؛ زیرا آنان دریافته‌اند که داشتن یک ایمان محکم، نگرانی، تشویش، هیجان و ترس را برطرف می‌کند. [40]

نکته‌ی دوّم: عدم آگاهی از مفهوم جامع و کامل شادمانی باعث شده است که برخی شادی و نشاط را فقط در بُعد مادی و زودگذر آن منحصر نمایند و از شادمانی‌های اصیل که از اعتقاد به امور معنوی و پایدار به دست می‌آید غفلت نمایند.

یکی از پژوهشگرانی که سالیان دراز در غرب زیسته و درباره‌ی شادی تحقیقات فراوانی کرده است، به دخالت عنصر معنویت و اعتقادات در ازدیاد شادی‌های اصیل و پایدار تأکید فراوان دارد. ایشان معتقد است انسان برای نجات از مشکلات کنونی و دست‌یابی به شادی همیشگی باید اعتقاد و باور خود را تصحیح کند و بپذیرد که در زندگی شادی‌هایی به مراتب عمیق‌تر از شادی‌ها و لذت‌های جسمانی وجود دارند که دست‌یابی به آنها نیازمند صرف وقت، تلاش و صبر و حوصله است. وی معتقد است با تقویت ارزش‌های انسانی، هم‌چون: عشق خدمت به مردم، خوش‌بینی، خیرخواهی، سپاس‌گزاری، رضایت، قناعت، گذشت و زدودن رذایل اخلاقی، می‌توان به شادی دست یافت. [41]

آیا بانوان مشکی پوش نمی‌توانند رنگ‌های غیر مشکی را بشناسند؟

شبهه: پدرم هیچ وقت مرا بیرون خانه نمی‌شناسد، می‌گوید همه‌ی شما سیاه پوشیده‌اید. راست می‌گوید، یکدست سیاهیم سیاه... از رنگ‌ها تنها سیاه را می‌شناسیم، نه قرمز را، نه آبی را، نه سبز را و نه بنفش را، [42] گوینده‌ی محترم در عبارت فوق دو ادعا نموده است.

ادعای اوّل: همه‌ی زنان در بیرون منزل لباس سیاه می‌پوشند.

پاسخ ادعای اوّل: اولاً، واقعیت عینی و مشهود روزانه‌ی همه‌ی ما حاکی از این است که ادعای سیاه‌پوش بودن همه‌ی زنان ادعای درستی نیست. نگاهی به پوشش‌های رنگین خانم‌ها در سطح جامعه، اعم از شهرهای بزرگی مثل تهران و غیر آن و پوشش زنان روستایی استان‌های مختلف، تکذیب‌کننده‌ی ادعای مذکور است.

ثانیاً، فرض کنیم همه‌ی زنان در بیرون منزل و در مواجهه‌ی با نامحرم از مصادیق مختلف حجاب مشکی، مثل مانتو، مقنعه و چادر مشکی استفاده می‌کنند، پوشش‌های یاد شده، به دلیل تأمین حجاب و پوشش بهتر و بیش‌تر برای زنان، قابل دفاع عقلی و شرعی است. طبق تصریح فقها به عنوان کارشناسان مسائل دینی و اسلامی، بانوان در مواجهه با نامحرم نباید از رنگ‌های مهیج و تحریک‌کننده استفاده نمایند. [43] واضح است که یکی از بهترین رنگ‌های پوشش بانوان که حالت تهییج و تحریک نامحرم در آن وجود ندارد رنگ مشکی است. همان‌گونه که قبلاً گذشت، در روان‌شناسی رنگ‌ها این مطلب از مسلمات است که رنگ مشکی، رنگی صامت و غیرفعال و در مواجهه با نامحرم نگاه‌شکن است؛ و تردیدی نیست که این ویژگی رنگ مشکی، فلسفه و حکمت حجاب را که عبارت است از عدم تحریک‌پذیری و ایجاد آرامش روحی و روانی در سطح جامعه، بیش‌تر تأمین می‌کند.

برخی مطبوعات و نویسندگان آنها باید به این پرسش جدی پاسخ دهند که چرا بدون ارائه‌ی هیچ دلیل معقول و منطقی و با سوء استفاده از زبان شعر و ادب، جنگ روحی و روانی را بر ضد حجاب و چادر مشکی آغاز کرده‌اند.

ادعای دوّم: استفاده از لباس و حجاب مشکی بانوان در بیرون منزل باعث می‌شود که استفاده کنندگان از حجاب‌های مشکی، رنگ‌های غیر مشکی را نشناسند.

پاسخ ادعای دوّم: اولاً، از نظر منطقی تلازمی بین استفاده از لباس‌های مشکی به طور مستمر در خارج از منزل و شناختن رنگ‌های غیر مشکی نیست؛ زیرا استفاده از لباس‌های رنگین در مجالس زنانه، در داخل منزل و در مقابل افراد محرم، امکان شناختن رنگ‌های مختلف را فراهم می‌کند.

ثانیاً، علاوه بر داخل منزل، در خارج از آن نیز ایشان و دیگر بانوان می‌توانند از لباس‌های دارای رنگ‌های متنوع استفاده نمایند، البته به شرط این‌که به طریقی، مثل استفاده از چادر مشکی، در مواجهه با نامحرم آنها را بپوشانند؛ زیرا تردیدی نیست که لباس‌های رنگین به دلیل زیبایی خیره‌کننده، از مصادیق عرفی زینت به شمار می‌آیند و بانوان و دختران براساس دستور قرآن، از تبرج و نمایش زینت‌ها به نامحرم منع شده‌اند:

ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى [44] و غیر متبرجات بزینة. [45]

البته در مجالسی که افراد نامحرم حضور ندارند، مثل مجالس زنانه و هم‌چنین در حضور شوهر و افراد محرم، می‌توانند از زیورآلات و زینت‌ها استفاده نمایند: «و لا یُبدینَ زینتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ...» [46] حتی بالاتر از جواز در روایات به استفاده از زینت‌ها ترغیب و تشویق شده‌اند؛ [47] زیرا همان‌گونه که حجاب و پوشش، نیاز فطری انسان، خصوصاً زنان است، استفاده از زیورآلات و خودآرایی نیز نیاز فطری انسان، مخصوصاً بانوان است.

این از امتیازات احکام نورانی و مترقی اسلام است که ضمن توجه و ضرورت پاسخ‌گویی به دو نیاز مذکور، از طرفی با دستور الزامی زنان به رعایت حجاب و پوشش و از طرف دیگر با تشویق آنان به استفاده از زیورآلات و زینت‌ها، به شرط عدم تبرج و نمایش زینت‌ها به نامحرم، جلوی سوء استفاده را گرفته است، تا از این طریق زمینه‌ی سلامت روحی و روانی افراد جامعه فراهم گردد.

[1]. هفته‌نامه‌ی فیضیه، کشف حجاب به روش مدرن، ۱۵ بهمن ۱۳۷۹ ص ۱.

[2]. زیبا میر حسینی، پیام زن، شماره‌ی ۴۹. ص ۴۵. لازم به تذکر است که پاسخ شبهه‌ی مذکور، به طور مختصر در خود مجله نیز آمده است.

[3]. عباس اللهیاری، روزنامه‌ی ایران، شماره‌ی ۱۶۲۳، ۲۸ شهریور ماه ۷۹، ص ۶.

[4]. به عنوان نمونه ر.ک: سید اسماعیل گوهری، آرزوی شهادت در بیان معصومین(ع)، ص ۷۵.

[5]. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۲۷۰.

[6]. ر.ک: احمد عابدینی، «عاشورا حفظ کرامت و حجاب» مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۶۹، ص ۳۸ و حکایت کشف حجاب، از سری کتاب‌های تاریخ تهاجم فرهنگی، نشر مؤسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت.

[7]. غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۸.

[8]. برای آشنایی با توصیه‌های مذکور به عنوان نمونه ر.ک: فروع کافی، ج ۳، ص ۴۰۹، و ج ۴، ص ۱۲۴.

[9]. برای اطلاع از روش‌های مذکور و نقش تربیتی آنها ر.ک: دکتر خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۸ - ۸۶.

[10]. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۳۱.

[11]. همان.

[12]. سوره‌ی نساء (۴)، آیه‌ی ۱۹.

[13]. سید اصغر ناظم زاده‌ی قمی، جلوه‌های حکمت، گزیده‌ی موضوعی کلمات امیر المؤمنین علی(ع)، ص ۵۰۴.

[14]. همان.

[15]. سوره‌ی بقره (۲)، آیه‌ی ۲۱۶.

[16]. سوره‌ی توبه (۹)، آیه‌ی ۸۱.

[17]. همان.

[18]. ر.ک: دیباچه‌ی کتاب، روایت «یا عباد الله انتم کالمرضى و رب العالمین کالطیب...».

[19]. زنان و تازه‌های اندیشه، ماهنامه‌ی تحلیلی - خبری زنان، مهرماه ۱۳۸۰، پیش‌شماره‌ی ۲، ص ۵۱، به نقل از روزنامه‌ی ایران ۸۰/۵/۳۰.

[20]. نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، نامه‌ی ۳۱.

[21]. همان، حکمت ۲۴۹.

[22]. البحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العتره الطاهره، ج ۷، ص ۱۱۸.

[23]. فاطمه خاتمی، روزنامه‌ی ایران، شماره‌ی ۱۶۲۷، ۲ مهر ماه ۱۳۷۹، ص ۴.

[24]. دکتر طباطبایی، روزنامه‌ی ایران، ۲۸ شهریور ماه ۱۳۷۹.

[25]. ر.ک: علیرضا امیر پور، روزنامه‌ی ایران، ۳ مهر ماه ۷۹، ص ۴، و مجله‌ی زنان شماره‌ی ۲۲، بهمن و اسفند ماه ۷۳، ص ۴؛ بر خلاف ایشان که خیلی با احتیاط اظهار نظر کرده‌اند، مجله‌ی زنان طی مصاحبه‌ای با مردم کوچه و بازار، با روش تبلیغ تلقینی و القایی، به طور صریح، ولی بدون ارائه‌ی هیچ دلیل و مدرک معتبری این فکر را ترویج نموده است که سیاه‌پوشی باعث افسردگی است.

برخلاف مجله‌ی زنان در روزنامه‌ی آفتاب، در تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۸۰، ص ۶، آمده است: «ثابت شده است که رنگ سیاه ناخواسته روحیه‌ی افسردگی و ناامیدی را در افراد تشدید می‌کند». خوشبختانه ایشان نیز همانند روزنامه‌ی ایران، مقداری با احتیاط اظهار نظر کرده است؛ چون از واژه‌ی «تشدید» به خوبی آشکار می‌گردد که ایشان نیز قبول دارند پوشش سیاه، سبب ایجاد افسردگی نیست، بلکه فقط ممکن است بعضی از افرادی که در اثر عوامل دیگر دچار افسردگی شده‌اند، استفاده از لباس مشکی باعث تشدید افسردگی آنها گردد؛ البته دو نکته درباره‌ی این ادعا به نظر می‌رسد. نکته‌ی اول این که، ایشان ادعا نموده‌اند برای استفاده از لباس‌های رنگ سیاه چنین اثری ثابت شده است، اما متأسفانه همانند همه‌ی افرادی که چنین ادعاهایی می‌کنند، هیچ سند و مدرکی از کارشناسان قابل اعتماد و پژوهش‌های قابل اطمینان ارائه نداده‌اند. نکته دوم این که، اگر روان‌شناسان متخصص و متعهد درباره‌ی فردی که دچار افسردگی است تشخیص دادند که پوشش سیاه در مورد این فرد خاص باعث تشدید افسردگی او می‌گردد، در چنین موردی عقل و شرع به هیچ \hat{e} وجه او را ملزم به استفاده از لباس مشکی نمی‌کنند؛ کما این که درباره‌ی افرادی که دچار افسردگی نمی‌باشند نیز چنین الزامی وجود ندارد. آنچه که مطرح است این است که براساس یافته‌های روان‌شناسی رنگ‌ها، چون رنگ مشکی، رنگ صامت و غیر فعال است، استفاده‌ی زنان از این رنگ در مقابل نامحرم، باعث آرامش روحی و روانی افراد جامعه می‌گردد و به همین دلیل استفاده از چادر و پوشش مشکی برای بانوان در خارج از منزل و در مقابل نامحرم رجحان و مطلوبیت دارد.

[26]. دکتر برهانی (متخصص اعصاب و روان)، هفته‌نامه‌ی ۱۹ دی (قم) شماره‌ی ۱۵۵، ۸۱/۵/۲۸، ص ۹.

[27]. یکی از فراین و شواهدی که مؤید این ادعاست که پوشش سیاه علت ایجاد افسردگی نیست این است که بسیاری از بانوان روان‌پزشک و روان‌شناس نیز از پوشش‌های مشکی استفاده می‌کنند.

[28]. دکتر ماکس لوشر، «روان‌شناسی رنگ‌ها»، ترجمه‌ی ویدا ابی‌زاده، ص ۹۷.

[29]. همان.

[30]. فیض کاشانی، المحجّة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۵، ص ۱۷۷.

[31]. حجت‌الله رحمانی، «اعجاز رنگ سیاه، چرا چادر مشکی؟» نشریه‌ی فیضیه، ص ۳، دوشنبه ۷ آذر ۱۳۷۹ (با دخل و تصرف).

[32]. مانا دشت‌گلی، «نکند پدرم مرا نشناسد»، روزنامه‌ی نوروز، ۲۴ شهریور، ۱۳۸۰، ص ۸.

[33]. یکی از افرادی که در زمینه‌ی عوامل و انگیزه‌های افراد در انتخاب نوع، جنس و رنگ لباس تحقیقات خوبی نموده است، نویسنده‌ی زن عرب زبان کتاب «دراسات فی سیکولوجیة الملابس» است. وی در فصل پنجم کتاب خود (ص ۱۲۳ - ۱۳۲) عواملی هم‌چون \hat{e} محیط، ارزش‌های حاکم بر یک جامعه، عادت‌ها، تقلیدها، و بالاخره معیارها و قوانین را از عوامل مؤثر در انتخاب پوشش ذکر می‌کند. وی هم‌چنین در فصل هشتم (ص ۱۷۹) جلب توجه دیگران، زینت و خودآرایی، احتشام و حیا، برخورد و ارتباط با دیگران، مورد حمایت قرار گرفتن، تحقق ذات و بالاخره مدگرایی را از جمله انگیزه‌های روحی و روانی افراد در انتخاب نوع، جنس و رنگ پوشش ذکر می‌کند. برای آگاهی بیش‌تر ر. ک: دکترعلیه‌ی عابدینی، دراسات فی سیکولوجیة الملابس.

[34]. حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۹، کتاب الحج، روایات باب ۳۳ از ابواب احرام، ص ۴۱؛ و صدوق، المقنع، ص ۲۲۹.

[35]. حر عاملی، وسائل الشیعه، کتاب الصلاة، ج ۳، ص ۳۵۴؛ و سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی، فصل شرایط لباس مصلی، مسئله‌ی ۴۲.

[36]. به عنوان نمونه ر.ک: میزان الحکمة، ج ۴، ص ۴۳۸، ذیل واژه‌ی سرور؛ هم‌چنین ر.ک. به کتاب‌های احادیث، ذیل واژه‌های سرور، بهجت، نشاط، فرح.

[37]. به عنوان نمونه، مجله‌ی زنان، شماره‌ی ۲۲، طی مصاحبه‌ای کوچه و بازاری و عوامانه با عنوان «خانم چرا سیاه می‌پوشید؟» با روش تبلیغ القایی، تلاش نموده است این تفکر را به مخاطبان خود تلقین نماید.

[38]. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، روایت ۱۰، ص ۳۷۹.

[39]. ناصر فرزانه، رنگ و طبیعت، دانش رنگ‌ها، ص ۴۲.

[40]. مجله‌ی زندگی، دفتر شادابی، ص ۵۰، بهار ۱۳۷۹، به نقل از کتاب آیین زندگی، ص ۳۷.

[41]. مجله‌ی زندگی، دفتر شادابی، ص ۷۷، به نقل از مهدی بهادری‌نژاد، کتاب شادی و زندگی.

[42]. مانا دشت‌گلی، «نکند پدرم مرا شناسد»، روزنامه‌ی نوروز، ۲۴ شهریور ۱۳۸۰، ص ۸.

[43]. ر. ک: توضیح المسائل فقها و مراجع تقلید، ذیل مباحث مربوط به پوشش محرم و نامحرم؛ و استفتانات آخر کتاب.

[44]. سوره‌ی احزاب (۳۳)، آیه‌ی ۳۳.

[45]. سوره‌ی نور (۲۴)، آیه‌ی ۶۰.

[46]. همان، آیه‌ی ۳۱.

[47]. حر عاملی، وسائل الشیعه، کتاب الطهارة، ابواب آداب الحمام باب ۵۲. باب کراهة ترک المرأة للحلی و خضاب الید.

نتیجه گیری

از مباحث طرح شده در این اثر به خوبی آشکار شد که اسلام طرفدار حجاب بیش تر و حداکثر بانوان، به خصوص زنان و دختران جوان در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم است، و بعضی از مصادیق حجاب برتر، مانند لباس های بلند و گشاد، مقنعه و چادر مشکی، تأمین کننده ی حجاب بهتر و بیش تر و به اصطلاح، پوشش حداکثری هستند. از آن جا که در نوشته ی حاضر در پاسخ گویی به شبهات طرح شده بر ضد چادر مشکی، تأکید فراوانی نسبت چادر مشکی صورت گرفت، ممکن است مخاطبان تصور نمایند که نگارنده ی این اثر برای حجاب در شکل چادر مشکی موضوعیت قایل است؛ به گونه ای که برای انواع حجاب های دیگر بانوان ارزشی قایل نیست، ولی واقعیت غیر از این است؛ زیرا ما برای حجاب با چادر مشکی طریقت قایل هستیم؛ به این معنا که معتقدیم حجاب با چادر مشکی به دلیل قراین و شواهد فراوان لغوی و تاریخی، دارای اصل و ریشه ی قرآنی است و به همین دلیل، فاطمه زهرا(س) به عنوان بهترین الگوی زن مسلمان از آن استفاده می کرده اند، و لذا این گونه پوشش از مصادیق تأمین کننده ی حجاب برتر است؛ و همان گونه که گذشت هیچ یک از شبهات مخالفان چادر مشکی از کارآمدی و برتری آن نمی کاهد. در واقع یکی از پیام های اصلی نوشته ی حاضر این است که به مخاطبان بگوید که چرا عده ای با استفاده از شبهات و روش های القایی تبلیغ منفی، قبل از این که طرح مشخص و کاملی برای ترویج الگوی دیگری از حجاب برتر ارائه نمایند به جنگ روحی و روانی بر علیه زنان متدین و عقیف استفاده کننده از چادر مشکی اقدام می کنند و به جای تبلیغ منطقی از حجاب و پوشش مورد علاقه ی خود، به تخریب چادر مشکی اقدام می کنند. روشن است که نتیجه ی چنین کاری ترویج لیبرالیسم و آزادی در پوشش در سطح جامعه و کاهش مقدار حجاب و پوشش بانوان و روی آوردن آنان به حجاب حداقلی است. با توجه به مطلب فوق و با عنایت به این که از نظر قرآن، مقتضی و زمینه ی نافرمانی از حدود و چهارچوب های الهی در انسان موجود است؛ «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ».[1] به خوبی می توان نتیجه گرفت که ترویج و تبلیغ حجاب و پوشش حداقلی به نفع جامعه نیست؛ زیرا تبلیغ و ترویج این گونه حجاب و پوشش، کم کم حجاب و پوشش اسلامی موجود در جامعه را به سمت بدحجابی و بی حجابی پیش می برد - که اکنون بعضی از علایم و آثار آن در برخی شهرهای بزرگ آشکار گردیده است. با توجه به واقعیت موجود، باید تمام ابزارهای فرهنگ ساز جامعه از قبیل کتاب، مطبوعات و صدا و سیما را به سمت ارزش های اسلامی که یکی از بارزترین آنها رعایت پوشش مطلوب است، هدایت نمود؛ لذا در پایان این اثر به منظور حرکت در مسیر نهادینه شدن حجاب کامل اسلامی در جامعه، پیش نهادها و توصیه هایی ذکر می گردد.

[1]. سوره ی قیامت (۷۵)، آیه ی ۵.

پیش‌نهادها و توصیه‌ها

۱. پیش‌نهاد می‌شود در کتاب‌های درسی دختران دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، به طور سلسله‌وار مباحث مختلف حجاب و پوشش به ترتیب دوره‌های تحصیلی و با رعایت سطح‌بندی مباحث از ساده به پیچیده به شکل صحیح و زیبا طرح شود، تا دختران جامعه از همان خردسالی به عنوان مادران آینده، با مسائل مختلف حجاب، اعم از فلسفه و فواید حجاب، آثار فردی و اجتماعی آن، پیامدهای بدحجابی و بی‌حجابی و غیره آشنا شوند و نسبت به حجاب، اعتقاد راسخ پیدا نمایند، اگر دختران جامعه از همان سنین کودکی اعتقاد راسخ و عمیقی نسبت به حقانیت حجاب و مسائل آن، به عنوان یک حجاب درونی، پیدا نمایند یقیناً در مرحله‌ی حجاب بیرونی نیز بر اساس همان اعتقاد درونی عمل خواهند کرد. از آن جا که یکی از سوره‌های قرآنی که بسیاری از مسائل حجاب و پوشش در آن مطرح شده، سوره‌ی نور است؛ مناسب است که در مدارس دخترانه، زمینه‌ی آشنایی عمیق و تفصیلی دختران با معارف قرآنی این سوره درباره‌ی حجاب و پوشش، به طور صحیح و دقیق و کارشناسی شده فراهم گردد.

۲. پیش‌نهاد می‌گردد از برخی محصولات فرهنگی، مثل مجله‌ها به صورت ویژه‌نامه‌های هر چند وقت یکبار برای تبیین علمی و جذاب مسائل حجاب برای دختران استفاده شود؛ به عنوان مثال شماره‌ی ششم مجله‌ی «حدیث زندگی» ویژه‌ی جوانان که توسط موسسه‌ی فرهنگی دارالحدیث چاپ می‌گردد، ویژه‌ی عفاف و حجاب است که مطالعه آن را به خواهران و بانوان توصیه می‌کنیم.

۳. در مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها که مقدار آگاهی و توانایی فهم دختران بیش‌تر است، جلسات پرسش و پاسخ درباره‌ی بعضی مسائل و شبهات جدید حجاب با حضور کارشناسان آگاه و مسلط دینی و اسلامی، با حضور زنان و خواهران مؤمن فرهیخته و دانشمند تشکیل گردد.

۴. یکی از مراکز فرهنگی مهم که نقش قابل توجهی در گسترش حجاب کامل دارد، سیمای جمهوری اسلامی است؛ زیرا تمام فیلم‌ها و برنامه‌های آن نقش الگودهی بسیار مهمی برای مردم دارد؛ بنابراین، جا دارد مسئولان سیمای جمهوری اسلامی به الگوپذیری مردم، خصوصاً زنان و دختران، از حجاب و پوشش هنرمندان و مجریان تلویزیون، توجه و دقت جدی نمایند.

۴. مراکز فرهنگی و رسانه‌های جمعی، مثل مطبوعات با نگارش آثار و مقالات علمی و استدلالی به تبیین مسائل مهم و اساسی حجاب برتر پردازند؛ زیرا همان‌گونه که از لابلای اثر حاضر روشن گشت، حجاب حداکثری و بیش‌تر بانوان یکی از احکامی است که دین اسلام، بانوان را به آن ترغیب و تشویق نموده است. نکته‌ی فوق به منزله‌ی یک ملاک و معیار برای ارزیابی فعالیت‌های مطبوعاتی در ارتباط با ترویج فرهنگ حجاب و پوشش در جامعه اسلامی است؛ به این معنا که

اگر نتیجه‌ی فعالیت‌های مطبوعاتی در راستای تقویت و تحکیم منطقی حجاب و پوشش بیش‌تر و برتر باشد، می‌توان گفت مطبوعات جامعه‌ی اسلامی، در این مورد به وظیفه‌ی اسلامی خود عمل نموده‌اند؛ ولی اگر فعالیت‌های مطبوعاتی آنان منجر به تضعیف و تخریب مصادیق حجاب برتر باشد در حقیقت به رسالت مطبوعاتی خود عمل نکرده‌اند.

۶. خانواده‌ها، خصوصاً مادران که مسئولیت سنگین‌تری در تربیت دختران و ارتباط بیش‌تری با آنها دارند، خود در مواجهه با نامحرم از حجاب کامل، مثل چادر استفاده نمایند، تا از این طریق فرزندان دختر نیز از همان کودکی با حجاب اسلامی آشنا شوند و با تمرین کردن نسبت به آن انس بگیرند. البته در کنار تمرین و عادت دادن آنان، لازم است مادران ابعاد مختلف حجاب و پوشش و فواید آن را برای دختران تبیین و آنها را به رعایت پوشش کامل اسلامی تشویق، و در انتخاب دوستان آنها توجه نمایند که به مسائل شرعی و از جمله رعایت حجاب مقید باشند.

۷. به دلیل تأثیرپذیری دانش‌آموزان و دانش‌جویان از مدیران و معلمان و اساتید، رعایت حجاب کامل از سوی کادر آموزشی مراکز آموزش و پرورش و دانشگاه تأثیر رفتاری و عملی فراوانی روی مخاطبان دارد. برای استمرار و تقویت حجاب کامل در بین کادر آموزشی، مسئولان مراکز مذکور باید با تصمیم‌گیری قاطع و منطقی اولاً، لزوم استفاده از حجاب کامل اسلامی را قانونمند کنند؛ ثانیاً، افرادی که حجاب کامل را رعایت می‌کنند به شکل‌های مختلف مورد تشویق قرار گیرند؛ ثالثاً، پس از تبیین منطقی حکم حجاب با افراد متخلف، به طور قاطع و جدی و قانونی برخورد نمایند.

۸. اگر برخی مراکز فرهنگی از شعارنویسی روی دیوارها برای ترویج فرهنگ حجاب کمک می‌گیرند، در این زمینه باید از شعارهای جذاب و مثبت استفاده کنند، مثل: حجاب سلاح زن است در مقابل نگاه‌های آلوده؛ حجاب پند است، نه بند.

افراد آشنا به مسائل و کارهای فرهنگی، به خوبی می‌دانند که استفاده از شعارهای منفی و دارای دافعه، نه تنها اثر مثبت ندارد، بلکه بر عکس باعث لجاجت و مقاومت در افراد بی‌حجاب می‌گردد.

۹. یکی از روش‌های تبلیغ منفی بر ضد حجاب، خصوصاً در شکل چادر این است که معمولاً افراد باحجاب و چادری را افرادی بی‌سواد و بدون فرهنگ معرفی می‌کنند و در مقابل، زنان بی‌حجاب را افراد با فرهنگ به حساب می‌آورند.

با توجه به این که ادعای فوق توسط بعضی افراد، خصوصاً رسانه‌های خارجی و غربی مطرح می‌گردد، به منظور اثبات نادرستی این ادعا دو پیشنهاد ارائه می‌گردد:

الف) الگوهای برجسته‌ی زنان محجبه و چادری در زمینه‌های مختلف به وسیله رسانه‌ها، مثل صدا و سیما و مطبوعات و ... از طریق بیان جلوه‌های زندگانی، و موفقیت‌های آنها در کسب مدارج علمی و فرهنگی معرفی گردند. یکی از مطبوعاتی که تا حدودی در این زمینه موفق بوده است، مجله‌ی «پیام زن» است. در شماره‌های مختلف این مجله مصاحبه‌هایی با زنان متدین و محجبه که دارای موفقیت‌های علمی و فرهنگی بوده‌اند انجام شده است، که مطالعه‌ی آنها به دختران و بانوان توصیه می‌گردد.

ب) شرکت فعال زنان محجبه و دارای مدارک علمی و فرهنگی سطح بالا در کنفرانس‌های خارجی و بین‌المللی، در خنثی نمودن تبلیغات سوء رسانه‌های خارجی و غربی بر ضد زنان محجبه، نقش بسیار مؤثری دارد. یکی از نمونه‌های بارز آن، شرکت گسترده و عالمانه‌ی زنان محجبه در اجلاس پکن بود که نقش بسیار مؤثری را در تصحیح افکار جهانیان درباره‌ی زنان محجبه ایرانی داشته است. [1]

۱۰. همان‌گونه که حکومت‌های لائیک و ضد دین، مثل حکومت رضاخان در ایران و حکومت آتاتورک در ترکیه، با طرح کشف حجاب، به طور برنامه‌ریزی شده به مقابله با آن برخاستند؛ و رژیم طاغوتی شاه نیز به دلیل ماهیت ضد دینی برای مقابله با دین و مقوله‌های دینی، مثل حجاب، دارای طرح و برنامه‌ی مشخص بود؛ [2] لازم است حکومت‌های دینی، از جمله جمهوری اسلامی نیز برای مقابله با بی‌حجابی و بدحجابی، که از مظاهر هجوم فرهنگی غرب است، دارای طرح روشن و مشخص و دقیق و کارشناسانه باشد؛ از این رو، پیش‌نهاد می‌شود شورایی از کارشناسان مسائل شرعی و جامعه‌شناختی و روان‌شناختی حجاب، با نظارت و حمایت شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شود و طرحی جامع برای مبارزه‌ی سنجیده و کارشناسی شده با مقوله‌ی بدحجابی و راه‌های گسترش حجاب برتر تهیه نمایند. در تهیه‌ی طرح مذکور لازم است از تجربه‌های زنان محجبه و فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی نیز استفاده شود.

۱۱. به زنان و دختران متدین و عفیف پیش‌نهاد می‌شود به طور مستمر مطالعات و تحقیقات خود را درباره‌ی فلسفه، فواید و مسائل حجاب افزایش دهند. این کار دو فایده‌ی مهم دارد:

الف) اعتقاد و ایمان آنها به حقانیت احکام متعالی و نورانی اسلام، افزایش می‌یابد و در نتیجه التزام عملی آنها به رعایت حجاب برتر بیش تر می‌شود. [3]

ب) از طریق فوق بهتر می‌توانند به تبلیغ و ترویج صحیح و منطقی حجاب برتر اقدام نمایند و حتی در مواقع لازم، از طریق جهاد فرهنگی به پاسخ‌گویی شبهات مخالفان حجاب نیز اقدام نمایند. [4]

۱۲. متأسفانه برخی مطبوعات، با روش سلبی، یعنی از طریق تخریب حجاب برتر، مثل چادر، به طور غیر مستقیم به ترویج حجاب و پوشش مورد علاقه‌ی خود می‌پردازند و چون این روش، روش صحیح و معقولی نیست، به این گونه مطبوعات توصیه می‌شود به جای پیش گرفتن روش تخریبی و سلبی، با ابزار منطق و دلیل به ترویج حجاب مورد نظر خود بپردازند. به نمونه‌هایی از روش تخریبی و القائات منفی برخی مطبوعات بر ضد چادر مشکی و حجاب برتر توجه کنید:

الف) مصاحبه‌ی عمومی کوچه و بازاری درباره‌ی مسائل تخصصی.

یکی از مجلات در یک مصاحبه‌ی عمومی با مردم کوچه و بازار، با طرح این پرسش که «خانم چرا سیاه می‌پوشید؟» [5] با القای غیر مستقیم افکار انحرافی، سعی در تخریب حجاب تیره و چادر مشکی نموده است. اساساً تردیدی نیست این گونه مصاحبه‌های کوچه و بازاری که معمولاً نظرهای علمی و کارشناسی در آنها مطرح نمی‌شود، در مورد مسائل تخصصی، مانند مسئله‌ی پوشش و لباس، ارزش و اعتبار علمی ندارد.

ب) استفاده‌ی ابزاری از جوانان. یکی از روزنامه‌ها نیز در عملی مشابه مصاحبه‌ی مذکور، در یک نشست، به همراه بعضی دختران و پسران، بدون حضور کارشناسان و بدون استناد به نظرهای کارشناسی، به چاپ نظرهای آنها درباره‌ی لباس پرداخته است. [6] واضح است که چنین روشی نیز از نظر علمی و کارشناسی فاقد ارزش و اعتبار است و بیش‌تر به استفاده‌ی ابزاری از جوانان شباهت دارد.

ج) استفاده‌ی ابزاری از ادبیات. روزنامه‌ای در یک قطعه‌ی ادبی، با القای غیر مستقیم، به نکوهش بعضی از مصادیق پوشش مشکی در سطح جامعه پرداخته است. [7] روشن است که درباره‌ی مسائل مهم و نیازمند کارشناسی، مثل مسئله‌ی لباس، نمی‌توان از نوشته‌های ادبی استفاده نظری و علمی نمود، بلکه باید با برگزاری نشست‌های علمی و کارشناسی، کارآمدی یا ناکارآمدی یک نوع حجاب و لباس را مشخص نمود.

با توجه به روش‌های غیر عقلایی یاد شده، به این گونه مطبوعات توصیه می‌شود برای فرهنگ سازی صحیح و عمیق از روش‌های عقلایی استفاده نمایند.

۱۳. همان گونه که در ضمن نوشته‌ی حاضر آشکار شد، علت بسیاری از اظهار نظرهای نادرست و غیر دقیق در زمینه‌ی ابعاد دینی حجاب، این است که افرادی بدون آشنایی با احکام دینی و بدون مطالعه و تحقیق درباره‌ی مسائل حجاب دینی و اسلامی، به خود اجازه‌ی اظهار نظر می‌دهند. واقعاً جای تعجب است که در عصر پیشرفت علم، بعضی از مطبوعات از مواجهه‌ی کارشناسانه با مقوله‌ی حجاب و پوشش گریزانند و با سوء استفاده از آزادی، به روش‌های غیر

علمی و غیر منطقی روی می آورند؛ به رسانه‌ها و مطبوعات که در صدد طرح مسائل دینی و مذهبی هستند پیش نهاد می شود با ایجاد ارتباط صمیمی با حوزه‌ی علمیه‌ی قم و مراکز پژوهشی آن، زمینه‌ی همکاری نزدیک در طرح مسائل دینی به طور علمی و کارشناسانه را فراهم نمایند. شایسته‌ی ذکر است اکنون با تأسیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه، زیر نظر شورای عالی حوزه‌ی علمیه قم، زمینه‌ی همکاری‌های نزدیک بین فرهیختگان حوزوی و اصحاب رسانه‌ها و مطبوعات به خوبی فراهم شده است.

۱۴. مشکل دیگر - که در ضمن اثر حاضر موارد متعددی از آن مطرح گردید - این است که اظهار نظرها در زمینه‌ی حجاب در عرصه‌ی برخی مطبوعات، بعضاً بدون ذکر سند و مدرک و دلیل صورت می گیرد؛ مثلاً فردی ادعا می کند که چادر در زمان قاجار جا افتاده است و ریشه‌ی دینی و مذهبی ندارد، [8] ولی هیچ سند و مدرکی برای ادعای خود نقل نمی کند. روشن است که این گونه اظهار نظرهای بدون سند و مدرک فاقد ارزش علمی است؛ از این رو به مطبوعات توصیه می گردد در بیان ادعاها و اظهار نظرها، علاوه بر استفاده از نظرهای علمی و کارشناسانه، ابتدا از وجود اسناد و مدارک معتبر و کافی برای بیان یک مدعا مطمئن شوند و سپس به چاپ آن اقدام نمایند.

۱۵. افرادی که خود یا یکی از اقوام و دوستانشان به کشورهایی که مروج فرهنگ برهنگی اند، مانند کشورهای اروپایی و غربی، مسافرت نموده‌اند، به خوبی می دانند که رابطه‌ی مستقیمی بین کاهش مقدار پوشش افراد، خصوصاً زنان، و افزایش جرایم و مفاسد جنسی وجود دارد. یک بانوی تازه مسلمان امریکایی می گوید:

در زمستان که مردم مجبورند به جهت سردی هوا خود را پوشانیده و پوشش بیش تری داشته باشند، به طور طبیعی و کاملاً محسوسی در امریکا تجاوز به عنف نسبت به زن کم تر می شود، لکن در تابستان که زنان، علاوه بر گرمای هوا، به پیروی از مدهای جلف و فاسد کننده، خود نیز دنبال بهانه‌ای هستند تا هر چه ممکن است لباس خود را سبک نموده و به بهانه‌ی گرما، اعضای حساس بدن خود را در معرض دید مردها قرار دهند، تجاوز به عنف نسبت به زنان حتی پیرزنان نیز افزایش می یابد و تا آن جا پیش می رود که در این فصل راهبه‌ها نیز مورد حمله‌ی مردان جنایتکار قرار می گیرند. [9]

به محققین و پژوهشگران توصیه می شود به طور تطبیقی و مقایسه‌ای درباره‌ی مقدار جرایم و مفاسد جنسی در کشورهای اسلامی، که اکثراً مقید به رعایت پوشش در اجتماع هستند، با کشورهایی که برهنگی در آنها رواج دارد، همانند بسیاری از کشورهای اروپایی و غربی، تحقیقاتی انجام دهند تا برای افرادی که درباره‌ی مطلب یاد شده تردید دارند، به طور علمی

آشکار گردد که واقعاً بین افزایش پوشش و کاهش جرایم جنسی و بالعکس، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۱۶. در ضمن اثر حاضر آشکار شد که استفاده از چادر مشکی دارای ریشه‌های قرآنی و روایی است؛ از این رو به اهل قلم و مطبوعات توصیه می‌شود در مواجهه با سنت و سیره‌های موجود در بین مسلمین، مثل سیره و سنت استفاده‌ی زنان مسلمان از چادر مشکی، که دارای ریشه‌ی قرآنی و اسلامی است با احتیاط و دقت مواجه شوند و این‌گونه نباشد که به راحتی به نقض سیره و سنت اسلامی اقدام کنند. امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید:

لا تنقض سنه صالحه عمل بها صدور هذه الامه و اجتمعت بها الالفه و صلحت عليها الرعيه و لا تُحدثن سنه تضر بشيء من ماضی تلك السنن فيكون الاجر لمن سنّها و الوزر عليك بما نقضت منها؛ [10] آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند برهم مزین، و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند پدید نیاور، که پاداش برای آورنده‌ی سنت و کیفر آن برای تو باشد که آنها را درهم شکستی.

۱۷. در نوشته‌ی حاضر به طور مستند اثبات گردید که متأسفانه برخی مطبوعات و افراد از آزادی که به برکت جانفشانی صدها هزار شهید گلگون کفن به دست آمده است به نحو شایسته و صحیح در راه تبیین و نشر حقایق استفاده نمی‌کنند، بلکه برعکس، در راه ترویج اباطیل و شبهه‌ها و سست کردن ارزش‌های الهی جامعه اسلامی، همانند حجاب، از آزادی سوء استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد یکی از علل این سوء استفاده، عدم تبیین صحیح و علمی محدوده‌ی آزادی بیان و قلم است که باعث گردیده عده‌ای تصور کنند به بهانه آزادی، مجاز به تبلیغ و ترویج هر فکر و عملی به هر شکل و قیمتی ولو با شیوه‌های غیر علمی، مثل ادعاهای بدون دلیل و ترویج دروغ و تهمت می‌باشند. ثمره‌ی چنین تصور نادرستی به هر حال این واقعیت تلخ عینی را منجر گردیده است که عده‌ای با نشر اکاذیب در مورد مبانی حجاب اسلامی، زمینه‌ی تشویش اذهان عمومی، به خصوص بانوان و دختران جوان در زمینه‌ی حجاب و پوشش اسلامی را فراهم کرده‌اند. حال پرسش اساسی این است که مسئولیت تشویش، سرگردانی و در نتیجه سستی آشکار نسبت به رعایت حجاب که در برخی از بانوان و دختران در اثر انتشار شبهه‌ها در زمینه‌ی حجاب اسلامی مشاهده می‌گردد به عهده کیست؟ به نظر می‌رسد، مسئولیت تشویش و سستی یاد شده، بیش از همه بر دوش افرادی است که به جای تبیین دقیق و عمیق مفهوم و معنای آزادی قلم و بیان و حد و مرزهای آن در یک جامعه اسلامی، [11] پیوسته فریاد به خطر افتادن آزادی سر داده و می‌دهند. به این‌گونه افراد و به افرادی که با سوء استفاده از آزادی، شبهه‌هایی را در زمینه‌ی ارزش‌های اسلامی، مانند حجاب، با ابزار قلم و بیان در جامعه منتشر نموده و می‌نمایند، توصیه می‌شود

درباره‌ی حد و مرز آزادی و تفاوت آزادی در جامعه‌ی اسلامی و جامعه‌ی غربی به مطالعه و پژوهش عمیق بپردازند.

[1]. برای آگاهی از موفقیت‌های زنان ایرانی در اجلاس مذکور ر.ک: «همراه با زنان در سفرنامه‌ی پکن»، مجله‌ی پیام زن، ش ۴۵-۵۷.

[2]. به عنوان نمونه، در مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۵۰، ص ۱۸، طرح رژیم شاه در برخورد با حجاب و چادر چاپ شده است.

[3]. یکی از مصادیق برجسته و جالب در مورد تأثیر آگاهی زنان مسلمان در التزام آنها به حجاب، حادثه‌ی شگفت‌انگیز محجبه شدن چند تن از زنان هنرپیشه‌ی مصری است که در یک اقدام غیر منتظره حجاب و پوشش اسلامی را انتخاب نمودند. متأسفانه این حادثه‌ی مهم در اثر بایکوت خبری رسانه‌ها در مطبوعات جهان، خصوصاً رسانه‌های غربی، انعکاس نیافت. مجموع مصاحبه‌های آنان را در شماره‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ مجله‌ی پیام زن می‌توانید مطالعه نمایید.

[4]. برای آشنایی با جهاد فرهنگی بعضی از زنان فرهیخته با مقوله‌ی کشف حجاب، به عنوان نمونه ر.ک: زینب بیگم شیرازی، «جوایبه‌ی ضاله طالبین رفع حجاب»، پیام زن، ش ۱۱۲، ص ۲۶.

[5]. مجله‌ی زنان، سال سوم، بهمن و اسفند ۷۳، شماره ۲۲، خانم چرا سیاه می‌پوشید؟ به کوشش لیلی پورزن.

[6]. گیو نمازی، هم‌اندیشی جوانان درباره لباس پوشیدن، روزنامه‌ی نوروز ۱۸ / ۴ / ۸۰، ص ۸.

[7]. مانا دشت گلی، «نکند پدر مرا شناسد» روزنامه‌ی نوروز، ۲۴ شهریور ۱۳۸۰، ص ۸.

[8]. پاسخ این ادعا در فصل دوم این اثر آمده است.

[9]. اردوباری، آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، ص ۲۱۹.

[10]. نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، نامه‌ی ۵۳، ص ۵۷۲.

[11]. برای آگاهی بیش‌تر در زمینه‌ی محدوده‌ی آزادی قلم و بیان از دیدگاه اسلام و تفاوت دیدگاه اسلام و غرب در باب آزادی ر. ک: به آثار ذیل از سردار بزرگ جهاد فرهنگی بر ضد شبهه‌افکنان در عصر حاضر علامه استاد محمد تقی مصباح یزدی، دین و آزادی، و نظریه حقوقی اسلام، ص ۳۰۳ - ۴۰۰، و نیز نظریه سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۶۳ - ۹۷ و ۲۱۳ - ۲۲۴.

پیوست:

استفتائات و دیدگاه‌های مراجع تقلید درباره‌ی حجاب و لباس [1]

امام خمینی (ره):

آنها که زن‌ها را می‌خواهند ملعبه‌ی مردان و ملعبه‌ی جوانان فاسد قرار بدهند، جنایتکارند. زن‌ها نباید گول بخورند. زن گمان نکند این مقام زن است که بزک کرده بیرون برود، با سر باز و لخت؛ این مقام زن نیست، زن باید شجاع باشد، زن آدم‌ساز است، زن مری انسان است. [2]

حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی:

«حجاب بانوان در اسلام یکی از اموری است که از وقتی استعمارگران، چشم طمع به کشورهای اسلامی و غصب معادن و منابع طبیعی آنها دوختند، مورد حمله‌ی آنها قرار گرفت؛ زیرا چادر و حجاب زنان مسلمان را یکی از عوامل بزرگ برای بقاء استقلال شخصیت اسلامی کل جامعه‌ی مسلمانان و حفظ هویت اسلامی آن دیدند و آن را مانع سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود شناختند. [3]

حضرت آیت الله خامنه‌ای:

آیا جنایتی از این بزرگ‌تر نسبت به زن هست که زن را با آرایش، مد و جلوه‌گری زیورآلات سرگرم کنند و از او به عنوان یک ابزار و وسیله استفاده کنند؟ امروز سر و سینه را از زیورآلات پر کردن و آرایش و مد و لباس را بت قرار دادن، برای زن انقلابی مسلمان ننگ است، چادر بهترین نوع حجاب و نشانه‌ی ملی ماست.

آیا حجاب از ضروریات دین است؟ حکم کسانی که به آن بی‌اعتنایی می‌کنند چیست؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای:

اصل حجاب ضروری دین محسوب است، ولی بعضی فروع آن ممکن است ضروری نباشد و بی‌اعتنایی به اصل حجاب و عدم رعایت آن معصیت و گناه است.

حضرت آیت الله تبریزی:

اصل حجاب برای زنان از ضروریات دین است و حکم کسانی که به آن بی‌اعتنایی نمایند، حکم بی‌اعتنایی به سایر تکالیف دینی است.

حضرت آیت الله صافی:

اصل وجوب حجاب فی الجملة از ضروریات اسلام است و منکر آن مرتد است، ولی بی‌اعتنایی به آن با عدم انکار وجوب آن باعث فسق است.

حضرت آیت الله سیستانی:

اصل حجاب از مسلمات شریعت است و در قرآن آمده است، ولی کسانی که توجه به وضوح آن ندارند، انکار آنها مستلزم انکار نبوت نیست و بی‌اعتنایی عملی گناه است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

آری حجاب از ضروریات دین است، ولی انکار آن برای کسانی که از ضروری بودن آن آگاهی ندارند، موجب ارتداد نمی‌شود.

حضرت آیت الله بهجت:

بی‌اعتنایی به حجاب گناه است و داشتن حجاب واجب است.

پوشیدن جوراب نازک و بدن‌نما برای خانم‌ها در بیرون از منزل و انظار نامحرمان چه صورت دارد؟ و بیرون گذاشتن موهای سر از چادر و مقنعه توسط خانم‌ها در دید نامحرمان چگونه است؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای:

پوشانیدن بدن از نامحرمان بر زن واجب است و چنین جوراب‌هایی برای حجاب شرعی واجب کفایت نمی‌کند و پوشیدن تمام موی سر در برابر نامحرمان واجب است.

آرایش زنان در خیابان‌ها و بیرون گذاشتن مقداری از موها و پوشیدن جوراب بدن‌نما و لباس‌های محرک چه صورت دارد؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای:

بر زن واجب است تمام بدن و موی و زینت خود را از نامحرم بپوشاند.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

حرام است.

حضرت آیت الله بهجت:

حرام است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

حرام است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

بدون شک جایز نیست.

حضرت آیت الله تبریزی:

جایز نیست.

حضرت آیت الله سیستانی:

جایز نیست.

عده‌ای همراه با تبلیغات فرهنگی دشمن، در روزنامه‌ها و سخنرانی‌هایشان می‌گویند: چادر مشکی برای بانوان مکروه است و باید پوشش جدید، مانند مانتو و کت و دامن با رنگ‌های متنوع، جای‌گزین چادر مشکی شود. آیا چنین حرف و اقدامی صحیح است یا نه؟ خواهشمند است نظر شریفتان را مرقوم فرمایید.

حضرت آیت الله خامنه‌ای:

این صحبت صحیح نیست، و بهترین حجاب، پوشش چادر است، و چادر سیاه هم بی‌اشکال است و کراهت ندارد.

حضرت آیت الله تبریزی:

زن باید بدن خود را در غیر وجه و کفین، از نامحرم بپوشاند و نیز باید زینت خود را بپوشاند و لباسی که زینت حساب می‌شود باید آن را هم بپوشاند، و با چادر بهتر می‌تواند بدن و زینت را بپوشاند و چادر سیاه، مثل عبا سیاه کراهت ندارد.

حضرت آیت الله بهجت:

این اقدام باطل است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

نظریه‌ی مذکور صحیح نیست و مفسد بسیار دارد. متأسفانه در این زمان عده‌ای اصرار بر آشکار شدن مفاتن زن و خروج او از ستر و عفاف، که حافظ شخصیت و ارزش و متانت اوست دارند و مع‌الاسف می‌خواهند این امر را اسلامی جلوه دهند؛ در حالی که برخلاف اسلام است.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

چادر مشکی بهترین نوع حجاب است و پوشیدن لباس‌هایی که جلب توجه کند حرام است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

با توجه به این که در حال حاضر رنگ مشکی برای حفظ پوشش زنان بهتر است، کراهت آن ثابت نیست

امروز یک حرکت خزنده‌ای علیه چادر، که یک حجاب ملی و سنتی است آغاز گردیده است، خواهشمندیم نظر مبارک را در این مورد مرقوم فرمایید.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

سزاوار است خانم‌ها از چادر استفاده کنند؛ چون چادر در کشور اسلامی ایران از مظاهر و شعایر اسلام می‌باشد و با حفظ این شعار سعی کنند بانوان محترم، حرکت مورد سؤال را خنثی کنند.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

چادر بهترین پوشش برای خانم‌هاست، چون تمامی مفاتن بدن را می‌پوشاند. خانم‌های مسلمان باید آداب و سنن اسلامی را در لباس پوشیدن مراعات کنند و از تجدّدگرایی مضرّ پرهیز کنند.

حضرت آیت الله بهجت:

چادر حجاب پسندیده است.

حضرت آیت الله سیستانی:

چادر حجاب بهتر است و سزاوار نیست زن های مؤمن بدون چادر خارج شوند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

حجاب یکی از قوانین مسلم اسلام است و اساس آن پوشاندن بدن و موها غیر از صورت و دست ها تا میچ است؛ ولی بی شک چادر حجاب برتر است.

حضرت آیت الله تبریزی:

پوشیدن بدن بر زن واجب، و بهترین نوع پوشش واجب، همان چادر مشکی است که زن های مؤمنه خود را با آن می پوشانند

نظر جناب عالی در مورد پوشیدن لباس هایی که عکس یا علامت مربوط به کشورهای غربی روی آن نقش بسته است چیست؟

حضرت آیت الله خامنه ای:

استفاده از این گونه لباس ها که ترویج فرهنگ غیر مسلمین مهاجم بر مسلمین است، اشکال دارد. [4]

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

بهتر است از این نوع لباس ها استفاده نکنند.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

مسلمین از این گونه لباس ها استفاده نکنند.

حضرت آیت الله تبریزی:

برای مؤمن سزاوار نیست لباسی بپوشد که او را از زی مؤمنین خارج کند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

هر گاه سبب ترویج فرهنگ بیگانگان گردد اشکال دارد.

بعضاً مشاهده می‌شود که بعضی از افراد در مجالس عقد و عروسی و عده‌ای در انظار عمومی، اقدام به نصب کراوات و پاپیون بر روی پیراهن خود می‌نمایند، حکم شرعی استفاده از لوازم مذکور چیست؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:

بستن کراوات و پاپیون چون تقلید و ترویج از فرهنگ مهاجم غیر مسلمین است جایز نیست. [5]

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

کراوات و پاپیون شعار کفار است و مسلمین نباید از آنها استفاده کنند.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

با توجه به این که کراوات و پاپیون در محیط ما ترویج فرهنگ بیگانه محسوب می‌شود، استفاده از آن اشکال دارد.

حضرت آیت‌الله تبریزی:

برای مؤمن سزاوار نیست لباسی بپوشد که او را از زیّ مؤمنین خارج کند.

حضرت آیت‌الله بهجت:

خلاف احتیاط است.

(۱) برخورد زن همراه با چهره‌ی خندان و متبسم با مردان نامحرم هنگام خرید از مغازه‌ها و سایر برخوردها چه صورت دارد؟

(۲) خندیدن زنان و دختران با صدای بلند در خیابان و یا انجام برخی حرکات دیگر که موجب جلب توجه نامحرمان می‌شود چگونه است؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:

(۱) صحبت کردن و خندیدن با نامحرم اگر موجب مفسده باشد جایز نیست.

(۲) از هر کاری که موجب جلب توجه نامحرم می‌شود باید پرهیز نمود.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

۱ و ۲) به طور کلی دختران و زنان باید در مقابل مردان نامحرم به نحوی لباس بپوشند و راه بروند و صحبت کنند که موجب توجه و نگاه سوء و تهییج مردان نشوند و اگر کردند گناه بزرگ است.

حضرت آیت الله بهجت:

۱) هر کاری که معرضیت ریبه و یا فتنه در آن است جایز نیست.

۲) جایز نیست.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

۱) اشکال دارد و هنگام ضرورت نباید از مکالمات عادی تجاوز کنند.

۲) بهتر است زنان و دختران مسلمان از این گونه کارها بپرهیزند و اگر منشأ فسادى شود جایز نیست.

حضرت آیت الله تبریزی:

۱) اگر از روی التفات کاری را که موجب جلب نظر اجانب شود انجام دهند اشکال دارد.

۲) زن عقیف این کار را نمی کند، بلکه اگر معرض تهییج شهوت برای یکی از طرفین باشد حرام است.

حضرت آیت الله لطف الله صافی:

۱) مخالف نص قرآن است ولا یخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض.

۲) جایز نیست.

برخی در مورد مسائل زنان اظهار نظرهای نامناسبی را ابراز می‌کنند، مانند بحث دوچرخه‌سواری یا ورزش بانوان، یا در مورد حجاب اظهار می‌دارند که به نظر ما کُت و دامن جهت حجاب کفایت می‌کند. نظر حضرت تعالی در این زمینه‌ها چیست؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:

اظهار نظر در مسائل دینی و احکام شرعی بر کسانی که صاحب نظر نیستند جایز نیست؛ و بر مؤمنین واجب است در تمام احکام دینی به مراجع بزرگوار تقلید و اسلام‌شناسان مورد وثوق و اعتماد مراجعه نمایند.

حضرت آیت‌الله تبریزی:

ترویج اموری که مبدأ نشر فساد در جامعه یا بی‌عفتی زنان و دختران شود جایز نیست؛ و پوشیدن لباسی که تمام حجم بدن آنان را نشان دهد که لباس زینت حساب بشود، کفایت نمی‌کند.

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

امور مذکوره معرضیت برای مفسده دارد. بانوان باید جداً از آن پرهیزند.

حضرت آیت‌الله بهجت:

هر چه باعث فتنه و فساد باشد اشکال دارد.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

هر چه موجب اشاعه‌ی مفساد اخلاقی گردد حرام است.

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

امور مذکوره معرضیت برای مفسده دارد. بانوان باید جداً از آن پرهیزند.

برخی از مادران، فرزندان دختر خود را که به بلوغ شرعی نرسیده‌اند با سر و پای برهنه در خیابان‌ها و مجالس در حضور نامحرمان می‌آورند، مستدعی است وظیفه‌ی والدین را در قبال فرزندان خود بیان بفرمایید و این بی‌اعتنایی چه صورت دارد؟

حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی:

بر پدر و مادر است که فرزندان خود را با آداب و رسوم اسلامی و وظایف شرعی آشنا کنند و چنانچه موارد مذکور موجب تهییج و مفسده شود، اگر چه بچه ممیز نباشد، باید آنان را پوشانند و حفظ کنند تا جامعه آلوده و بی‌بندوبار نشود.

حضرت آیت‌الله سیستانی:

بر غیر بالغ، پوشیدن واجب نیست؛ ولی پدر و مادر لازم است که فرزند خود را به رعایت آداب و شئون اسلامی وادار نمایند و در تربیت صحیح شرعی آنان بکوشند.

حضرت آیت‌الله بهجت:

تمرین اطفال بر وظایف شرعی به عهده‌ی والدین است.

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

کار صحیحی نیست و والدین موظف‌اند دختر را از کودکی به رعایت حجاب و گریز از نامحرم عادت دهند و اگر در این امر مسامحه کنند و دختر را نسبت به نامحرم بی‌تفاوت نمایند، شریک در معاصی دختر هستند. در حدیث وارد شده است که در مجلسی که حضرت رضا(ع) تشریف داشتند و عده‌ای نیز حضور داشتند، دختر بچه‌ای وارد شد؛ حضار در مجلس یکی یکی دختر را مورد نوازش قرار دادند، تا رسید به حضرت رضا(ع) آن حضرت از سن دختر سؤال کردند؛ گفته شد پنج سال دارد؛ حضرت دختر را از خود دور کرد و رفتاری که دیگران کرده بودند نمودند؛ و اعمال آن بزرگوار باید برای زن مسلمان سرمشق باشد.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

بر پدر و مادر لازم است فرزندان خود را به مسائل اسلامی از زمان طفولیت آشنا کنند.

حضرت آیت‌الله تبریزی:

پوشش بر دختران نابالغ واجب نیست؛ لکن وظیفه‌ی والدین است که دخترانشان را به پوشش اسلامی عادت دهند و فرزندانشان را با احکام اسلامی تربیت نمایند.

در صورتی که زن می‌داند مرد نامحرم به قصد لذت به صورت و دست‌های معمولی زینت نشده‌ی او نگاه می‌کند، در این فرض پوشاندن صورت و دست‌ها لازم است یا نه؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای:

در فرض مذکور باید حتی وجه و کفین خود را هم بپوشاند.

حضرت آیت الله تبریزی:

بلی در این صورت بنا بر احتیاط پوشاندن لازم است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

دست و صورت بنا بر احتیاط واجب باید پوشیده شود. (جامع الاحکام ۱۶۵/۲).

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

بلی پوشاندن آن لازم است

حضرت آیت الله بهجت:

پوشاندن دست و صورت مطلقا بنا بر احتیاط لازم است.

[1]. به نقل از «مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید» ج ۱ و ۲؛ تهیه و تنظیم، سیدمحسن محمودی.

[2]. صحیفه‌ی نور، ج ۱۱، ص ۲۵۴.

[3]. حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)، پیام به کنگره سراسری حجاب.

[4]. مجله‌ی نصیحت، شماره‌ی ۱۴۹.

[5]. مجله‌ی نصیحت، شماره‌ی ۱۱۵۴.

فهرست گزیده منابع [1]

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم، تحقیق المصطفی الدرایتی و حسین الدرایتی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۷۷.
۴. ابن عربی؛ احکام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۵. ابن منظور المصری، ابی الفضل جمال الدین؛ لسان العرب، بیروت: دار صادر، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰ هـ. ق.
۶. ابوالحسنی، علی؛ سیاه‌پوشی در سوگ ائمه‌ی نور، قم: مؤسسه الهادی، چاپ اول، بهار ۱۳۷۵.
۷. الآلوسی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۵ هـ. ق.
۸. امین، سید نصرت بیگم؛ تفسیر مخزن العرفان، اصفهان: چاپ نشاط.
۹. باقری، خسرو؛ نگاه‌ی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، چاپ سوم، زمستان ۱۳۷۴.
۱۰. البحرانی، یوسف؛ الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، مؤسسة النشر الاسلامی. ۱۳۶۳ هـ. ش.
۱۱. البیضاوی، ناصر الدین ابی سعید عبد الله؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار صادر.
۱۲. بیگم شیرازی، زینب؛ جوابیه مقاله‌ی ضاله طالبین رفع حجاب، به کوشش رسول جعفریان، مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۱۱۲.
۱۳. پلنگی، محبوبه؛ زنان در الجزایر، مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۵۹.
۱۴. الجوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، الطبعة الرابعة.

۱۵. حداد عادل، غلامعلی؛ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: انتشارات سروش، چاپ ششم. ۱۳۷۴.
۱۶. الخرنانی، ابو محمد الحسن بن علی ابن الحسين ابن شعبه؛ تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ترجمه‌ی احمد جنتی، انتشارات علمیه‌ی اسلامیة، اسفند ۱۳۵۴.
۱۷. الحر العاملی، محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: چاپ دار احیاء التراث العربی.
۱۸. حسینیان، روح الله؛ حریم عفاف، (حجاب، نگاه)، چاپ اول، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تابستان ۱۳۷۲.
۱۹. الحسینی الزبیدی، سید محمد بن احمد؛ تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، بیروت: انتشارات دار الفکر، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۲۰. الخطیب العدنانی؛ الملابس و الزینه فی الاسلام، مؤسسه انتشار العربی، الطبعة الاولى ۱۹۹۹.
۲۱. خویی، ابوالقاسم؛ شرح عروه الوثقی، کتاب الصلاة.
۲۲. راغب اصفهانی؛ معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشی، دار الکتب العربی.
۲۳. رحمانی، حجت الله؛ اعجاز رنگ سیاه، چرا چادر مشکی، نشریه‌ی فیضیه، ۷ آذر ۱۳۷۹.
۲۴. رفیع، جلال؛ یادداشت‌ها و رهاوردهای سفر نیویورک در بهشت شداد، آمریکای متمدن، آمریکای متوحش، تهران: مؤسسه‌ی اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۰ هـ. ش.
۲۵. زمخشری، محمود بن عمر؛ الکشاف، عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل، بیروت: ناشر دار الکتب العربی، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۲۶. زنجانی، فیاض؛ رساله‌ی حجابیه، مجله‌ی کیهان اندیشه، شماره‌ی ۶۰، خرداد و تیر ۱۳۷۴.
۲۷. زیدان، عبدالکریم؛ المفصل فی احکام المرأة والبيت المسلم فی الشریعة الاسلامیة، بیروت: مؤسسه‌ی الرساله، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۷ هـ. ق.
۲۸. سادات فخر، سید علی؛ حجاب ارزش یا روش، مجله‌ی کتاب نقد، شماره‌ی ۱۷، ویژه‌ی فمینیسم.

٢٩. السجستاني الازدي، ابي داود سليمان بن الاشعث؛ سنن ابي داود، طبع دار الكتب العربي.
٣٠. الشرتوني، سعيد الخوري، اقرب الموارد في فصح العربيه و الشوارد، تهران: دارالاسوة للطباعة و النشر، الطبعة الاولى؛ ١٣٧٤ هـ. ش.
٣١. شعراني، ابوالحسن؛ دمع السجوم، ترجمه نفس المهموم، تهران: انتشارات علميه اسلاميه، ربيع الاول ١٣٧٤ هـ. ق.
٣٢. _____؛ نثر طويبي، دائرة المعارف لغات قرآن مجيد، انتشارات اسلاميه.
٣٣. صافي، محمود؛ الجدول في اعراب القرآن و صرفه و بيانه، دمشق: دارلارشي، الطبعة الاولى، ١٤١١ هـ. ق.
٣٤. صبوري اردوباري، احمد؛ آيين بهزيستي اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي، چاپ اول، تابستان ١٣٦٧.
٣٥. الصدوق، ابن جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي؛ المقنع، قم: مؤسسه الامام الهادي(ع)، ١٤١٥ هـ. ق.
٣٦. _____؛ الخصال، صححه و علق عليه علي اكبر الغفاري، منشورات جماعة المدرسين، طبع شهريور ١٣٦٢.
٣٧. _____؛ من لا يحضره الفقيه، قم: مؤسسه النشر الاسلامي، الطبعة الثانية، ١٤٠٤ هـ. ق.
٣٨. صفى پور، عبدالرحيم؛ «متهى الارب فى لغة العرب»، چاپ اسلاميه، جمادى الثانى ١٣٧٧.
٣٩. الطباطبايى، سيد محمد كاظم؛ العروه الوثقى، قم: ناشر مكتبه الوجدانى.
٤٠. الطباطبايى، محمد حسين؛ الميزان فى تفسير القرآن، قم: مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان، الطبعة الثانية، ١٣٩٤ هـ. ق.
٤١. طبرسى، ابوعلى الفضل بن الحسن؛ مجمع البيان فى تفسير القرآن، طبع كتابفروشى اسلاميه.
٤٢. الطبرسى، ابومنصور؛ الاحتجاج، بيروت: منشورات مؤسسه الاعلمى للمطبوعات.

۴۳. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، شهریور ۱۳۶۲.

۴۴. الطوسی، محمد حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیا التراث العربی.

۴۵. طیبی، ناهید؛ حجاب و عفاف مروری دوباره، مجله پیام زن، شماره ۹۵ - ۹۶.

۴۶. عابدینی، احمد؛ عاشورا، حفظ کرامت و حجاب، مجله پیام زن، شماره ۶۹.

۴۷. عابدینی، علیّه، دراسات فی سیکولوجیة الملابس، قاهره: دارالفکر العرب، ۴۲۰ هـ. ق.

۴۸. الفراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین، تحقیق مهدی محزومی، بیروت: دار الهجره الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ هـ. ش.

۴۹. فرزانه، ناصر؛ رنگ و طبیعت، دانش رنگها، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۵.

۵۰. فضل الله، محمد حسین؛ مصاحبه درباره‌ی جوانان، ورزش و حجاب، دنیای جوان، مجله پیام زن، شماره ۷۴، اردیبهشت ۱۳۷۷.

۵۱. فلسفی، محمد تقی؛ جوان از نظر عقل و احساسات، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۴۴ ش.

۵۲. _____؛ کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران: انتشارات الحدیث، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.

۵۳. فیض کاشانی، ملا محسن؛ تفسیر صافی، منشورات مؤسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات، بیروت: الطبعة الثانية، ۱۴۰۲ هـ. ق.

۵۴. _____؛ المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، قم: دفتر انتشارات اسلامی، الطبعة الثانية.

۵۵. فیومی، احمد بن محمد؛ المصباح المنیر، بیروت: المكتبة العلمية.

۵۶. قانع، سید مهدی؛ انسان، پوشش و ریشه‌های تاریخی، مجله پیام زن، شماره‌های ۱۸، ۱۹، ۲۰.

۵۷. القمی، شیخ عباس؛ سفینه البحار و مدینه‌ی الحکم و الآثار، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول و فروع کافی، چاپ دارالکتب الاسلامیه.
۵۹. گلی زواره، غلامرضا؛ استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب، پیام زن؛ شماره‌ی ۷۰.
۶۰. گوهری، سید اسماعیل؛ آرزوی شهادت در بیان معصومین(ع)، تهران: انتشارات امیری، چاپ اول، مرداد ۱۳۶۶.
۶۱. لسان التنزیل، به اهتمام مهدی محقق، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۶۲.
۶۲. لوشر، ماکس؛ روانشناسی رنگ‌ها، ترجمه‌ی ویدا ابی‌زاده، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸.
۶۳. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار(ع)، بیروت: دار احیاء التراث، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳. هـ ق.
۶۴. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم. الطبعة الاولى، ۱۳۶۲ هـ ش.
۶۵. محمدی نیا، اسد الله؛ آنچه باید یک زن بداند، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
۶۶. محمودی، سید محسن؛ مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید. ورامین: انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان (عج)، چاپ ششم، بهار ۱۳۸۰.
۶۷. مرادی، مرضیه؛ اهداف حاصله از پوشش، مجموعه‌ی مقالات پوشش و عفاف، دومین نمایشگاه تشخیص و منزلت زن در نظام اسلامی، بهمن ۱۳۷۰.
۶۸. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی؛ صحیفه‌ی نور، مجموعه‌ی رهنمودهای امام خمینی (ره)، بهمن ماه ۱۳۶۱.
۶۹. مشهدی، محمد؛ تفسیر کنزالدقائق، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، محرم الحرام ۱۴۱۳ هـ ق.
۷۰. مصطفوی، سید حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۳۶۸ هـ ش.

۷۱. مطهری، مرتضی؛ پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله‌ی حجاب، قم: انتشارات صدرا، چاپ دهم، خرداد ۱۳۷۹.
۷۲. _____؛ مسئله‌ی حجاب، انتشارات صدرا، چاپ بهار ۱۳۷۷.
۷۳. معصومی، سید مسعود؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۲.
۷۴. مغنیه، محمد جواد؛ التفسیر الکاشف، بیروت: دار العلم للملایین، الطبعة الرابعة، ۱۹۹۰ م.
۷۵. مکی العاملی، شمس‌الدین محمد؛ (الشهید الاول)، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، قم: مؤسسه‌ی النشر الاسلامی.
۷۶. مؤسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت؛ حکایت کشف حجاب، تهران: چاپ اول ۱۳۷۸.
۷۷. مهدی زاده، حسین؛ نقد ادله مخالفین چادر مشکی، روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۳ و ۴ بهمن ۱۳۷۹.
۷۸. _____؛ هم‌اندیشی منطقی با جوانان درباره‌ی لباس، روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۹ و ۲۱ شهریور ۱۳۸۰.
۷۹. _____؛ فقر روش و بینش در بعضی مقالات مربوط به حجاب، روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۲۶ مهر ۱۳۸۰.
۸۰. مهریزی، مهدی؛ حجاب، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۹.
۸۱. ناظم‌زاده قمی، سید اصغر؛ جلوه‌های حکمت، قم: مؤسسه چاپ الهادی، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۳.
۸۲. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار الکتب الاسلامیه، الطبعة السابعة، ۱۳۹۲ هـ. ق.
۸۳. نصرتی، علی اکبر؛ سحر شبهه، ماهنامه‌ی اطلاع‌رسانی مبلغان، ارم شماره‌ی ۳، ضمیمه‌ی بصائر مهر ماه ۷۷، (ویژه‌نامه‌ی خبرنگاران سوم).

۸۴. النوری الطبرسی، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق و نشر، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸ هـ ق .

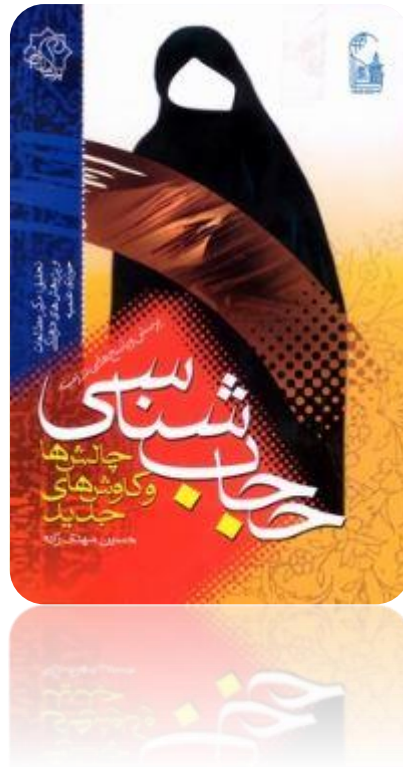
۸۵. ویژه‌نامه‌ی فرهنگ اسلام، بهار ۱۳۷۹.

۸۶. هاشمی، مینا؛ حجاب زیبایی‌ شعار، کارآیی شعور، سالنامه‌ی زن، ستاد برگزاری نمایشگاه تشخیص و منزلت زن در نظام اسلامی، بهمن ۱۳۷۱.

[1]. همان‌گونه که از عنوان آشکار می‌گردد، آنچه به عنوان منابع ذکر گردیده است، تنها بخشی از منابع است. غیر از منابع یاد شده، نگارنده به منابع فراوان دیگری نیز رجوع نموده است که به دلیل عدم نقل مستقیم، اسامی آنها در فهرست حاضر نیامده است، ولی بعضاً در پاورقی‌ها نام برخی از آنها آمده است. افراد علاقمند به تحقیق درباره‌ی حجاب می‌توانند به آنها و هم‌چنین به منابعی که در کتاب‌شناسی‌های حجاب معرفی شده است مانند دو کتاب‌شناسی زیر رجوع کنند.

الف. رسول جعفریان، «کتاب‌شناسی حجاب» مجله‌ی آینه‌ی پژوهش، شماره‌ی پیاپی ۶۹ مرداد - شهریور ۱۳۸۰، ص ۱۰۶.

ب. احمد ملک‌شاهی، «استدراکی بر کتاب‌شناسی حجاب» مجله‌ی آینه‌ی پژوهش، شماره پیاپی ۷۲، ۷۱، آذر - اسفند ۱۳۸۰، ص ۱۶۶.



مراکز پخش:

قم: مدرسه‌ی عالی دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم،

تلفن: ۷۷۴۸۳۸۳

قم: خ شهدا، ک ۱۹، پلاک ۴۵، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی

علمیه، تلفن: ۷۷۳۷۲۱۷.

قم: خ آیت‌ا.. مرعشی نجفی، پاساژ قدس، شماره‌ی ۸۲، انتشارات بنی الزهرا (س)،

تلفن: ۷۷۳۲۷۳۰.

تهران: خ انقلاب، روبروی دبیرخانه دانشگاه، ساختمان امیرکبیر، (کتاب جیبی)،

طبقه سوّم، واحد نه، مؤسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تلفن: ۶۴۹۲۶۹۳

ارائه این نسخه از کتاب تهیه شده در فضای مجازی (اینترنت) مجاز می باشد